چاپ سوم

ادعیه و زیارات مهدوی

محمود ابازری

بسم الله الرحمن الرحیم

ادعیه و زیارات مهدوی

نویسنده:

محمود اباذری

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ادعیه و زیارات مهدوی

مشخصات کتاب

سرشناسه:اباذری، محمود، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور:ادعیه و زیارات مهدوی/ محمود اباذری ؛ ویراستار فاطمه اکبری .

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۵ .

مشخصات ظاهری:۱۵۲ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۷۴-۳

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- دعاها

موضوع:Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Prayers

موضوع:دعا -- تاثیر

موضوع:Prayer -- *Influence

موضوع:دعا -- فلسفه

موضوع:Prayer -- Philosophy

موضوع:دعاها

موضوع:Prayers

موضوع:مهدویت -- انتظار

موضوع:Mahdism -- *Waiting

رده بندی کنگره:BP۲۲۴/الف۲الف۴ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی:۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۷۷۲۲۳

ص: ۱

اشاره

ادعیه و زیارات مهدوی

محمود اباذری

ص: ۳

ادعیه و زیارات مهدوی

مؤلف: محمود اباذری

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

ویراستار: فاطمه اکبری

طراح جلد: سید ابوالحسن فاطمی

صفحه آرا: مسعود سلیمانی

نوبت چاپ: سوم/ تابستان ۱۳۹۶

شابک: ۳-۷۴-۷۱۲۰-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه (تاکنون ۳۰۰۰ نسخه)

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

قم: خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/تلفن:۱-۳۷۸۴۱۱۳۰-۰۲۵/ نمابر: ۳۷۷۴۴۲۷۳-۰۲۵

تهران: خیابان انقلاب/خیابان قدس/خیابان ایتالیا/پ:۹۸/ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۰۰-۰۲۱/ نمابر: ۸۹۷۷۴۳۸۱-۰۲۱

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

ص: ۴

فهرست مطالب

تقدیم به

خورشید هدایت، کشتی نجات، سید جوانان بهشت و سرور و سالار شهیدان آقا ابی عبد الله الحسین علیه السلام؛ شخصیتی که با عملِ خود حقیقت دعا را معنا کرد و در آخرین دعای خود درگودی قتلگاه این چنین با معبود و معشوق خویش معاشقه نمود:

«اَللّهُمَّ! [أَنتَ] مُتَعالِی الْمَکانِ، عَظیمُ الْجَبَرُوتِ، شَدیدُ الْمِحالِ، غَنِیٌّ عَنِ الْخَلائِقِ، عَریضُ الْکِبْرِیاءِ، قادِرٌ عَلی ما تَشاءُ، قَریبُ الرَّحْمَهِ، صادِقُ الْوَعْدِ، سابغُ النِّعْمَهِ، حَسَنُ الْبَلاءِ، قَریبٌ إِذا دُعیتَ...».

به امید آنکه خداوند - هرچه زودتر- به وسیله نهمین فرزندِ امام حسین علیه السلام؛ یعنی خاتم اوصیاء بقیهالله الاعظم حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ جهان را با نور عدالت زنده نماید و دین حق را به دست او بر همه دین ها پیروز گرداند.

ص: ۷

پیشگفتار

شب عید غدیر کنار کعبه مقابل رکن یمانی نشسته بودم. جوانی درکنارم مشغول به راز و نیاز بود. وقتی نمازش تمام شد، باب گفتگو را با او باز کردم. دکتر حامد اهل مصر و فارغ التحصیل دانشگاه الازهر، حافظ قرآن، صحیح بخاری و صحیح مسلم، صاحب کرسی تدریس و مؤلف چندین کتاب بود.

پس از گفتگوی مفصلی در باره غدیر خم و خواندن روایات آن از صحیحین و اقرار او به این مطلب که می داند با وجود شخصیتی چون علی بن ابی طالب علیه السلام نوبت به دیگران نمی رسید، نگاهش به کتاب ادعیه و آداب حرمین شریفین افتاد که در مقابلم بود و پرسید: این کتاب چیست؟ چه چیزی در آن نوشته شده است؟ چرا شیعیان، آن را از ما پنهان می کنند؟(۱)

ضمن معرفی کتاب آن را باز کردم، دعای کمیل آمد.پرسیدم: با دعای کمیل آشنا هستید؟

گفت: نه! دعای کمیل چیست؟

گفتم: این دعا، مناجاتی است با خدا از آقا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام که آن را به یکی ازاصحاب خود، به نام کمیل بن زیاد، املا نموده و او نیز آن را نوشته و به این وسیله به دست ما رسیده است. سپس حدود یک سوم دعا را از بخش های مختلفِ آن برایش خواندم. خیلی مورد توجه او قرار گرفت و از من خواست تا همه دعا را برایش بخوانم!

از آغاز تا پایان دعا را برایش خواندم. از خود بی خود شده بود، تقریبا بیست دقیقه

۱- سرّ استنکاف برخی، از دادن این کتاب به دیگران این است که یکی از شگردهای مأموران وهابی در حرمین شریفین برای آزار و اذیت شیعیان این گونه است که کسی را نزد زائران ایرانی می فرستند که وانمود می کند شیعه و از فلان کشور است و برای آشنایی بیشتر با شیعه نیاز به کتاب هایی در این رابطه دارد، به محض این که کتاب داده شد مأمور سعودی که از دور مراقب است،جلو می آید و این ایرانی را به جرم نشر کتب ضاله دستگیر می کند.

فرازهایی را که به ذهن سپرده بود، با خود تکرار می کرد. سپس با تحیر وشگفتی گفت: این دعا نمی تواند از یک انسان عادی باشد، دعای بسیار عجیبی است؛ اگر ممکن است یک بار دیگر این دعا را برایم بخوان!!

با شنیدن این جمله افسوس خوردم که چرا ما آن چنان که شایسته است قدر این سرمایه گرانبها را نمی دانیم و حتی هنگام خواندنِ دعا،گاهی چند بار ورق می زنیم تا ببینیم کی تمام می شود! غافل از اینکه اگر این دعاها را با توجه به معانی آن ها بخوانیم؛ کم بخوانیم اما بفهمیم و هدفمان تمام کردن دعا نباشد،آن گاه از لذت بخش ترین اوقات ما لحظاتی خواهد بود که با این دعاها با معبود خود راز و نیاز می کنیم و روح و روانمان را از زلال ناب معرفت او سیراب می نماییم.

وقتی این شور و اشتیاق را نسبت به دعای کمیل در وجودش دیدم، کتاب ادعیه و آداب حرمین شریفین را به او هدیه کردم، به امید آن که بیشتر با معارف اهل بیت علیهم السلام آشنا گردد.

آری! دعاهایی که از سوی امامان معصوم علیهم السلام به دست ما رسیده، سرمایه گرانبهایی از ناب ترین معارف اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی و در یک کلمه دانشگاهی است؛ از درس هایی که هیچ انسانی از آن بی نیاز نیست.

سپاس خدای را که به برکت پیمودن راهی که آفریدگار هستی به وسیله رسولش ما را به آن سفارش نمود، یعنی تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، از سرمایه های ارزشمندی بهره مند هستیم که ازجمله آن ها دعاها و زیارت هایی است که درباره موضوع مهدویت به دست ما رسیده است.

هدف از این نوشتار گردآوری همه این ادعیه و زیارات نیست، زیرا در گذشته این مهم انجام شده است؛(۱) بلکه هدف نگارنده این بوده است که درباره برخی از دعاهایی

۱- ر.ک: صحیفه المهدی تألیف جواد قیومی اصفهانی و کتاب صحیفه مهدیه، تألیف سید مرتضی مجتهدی سیستانی.

که مردم با آن ها انس دارند نکاتی بیان شود، تا در کنار خواندن دعا، با توجه به این نکات بر معرفت خود نسبت به ولی نعمت خویش بیفزاییم و از لابلای آن با وظیفه خود در دوران سخت و طاقت فرسای انتظار آشنا شویم ودریابیم که منتظر حقیقی کیست و چه وظائفی بر عهده دارد؟ و اینکه چگونه خود را برای یاری امام خویش آماده سازیم و دهها نکته معرفتی دیگر را از دل این دعا و زیارت ها صید نماییم.

مطالب در دو بخش تنظیم گردید؛ بخش اول شامل مباحث مقدماتی است و در بخش دوم، هشت دعا و زیارت انتخاب گردید و نکاتی کاربردی راجع به آن، بیان شد و نهایتاً به مناسبت موضوع دعا، مطالبی را که سابقا در رابطه با موضوع دعا آماده نموده بودم به عنوان ضمیمه در پایان کتاب قرار دادم.

به امید آن که این اثر ناچیز مورد قبول آقا و مولایمان خاتم اوصیاء بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

بار الاها! ما را در ادای حقوقش، و تلاش در پیرویش و دوری از نافرمانیش یاری فرما و نعمت بزرگ خشنودی، رأفت، رحمت، دعا و خیرش را شامل حالمان بگردان.(۱)

قم

محمود اباذری

روز عرفه ۱۴۳۶ برابر با اول مهر ماه ۱۳۹۴

ص: ۱۰

۱- هر گونه پیشنهاد یا انتقاد خود به این مجموعه را می توانید از طریق پست الکترونیکی زیر ارائه نمایید. Abazari۱۴@gmail.com یا Abazar۱۲@chmail.ir

بخش اول: مباحث مقدماتی

اشاره

ص: ۱۱

۱. جایگاه و اهمیت دعا

دعـا برطرف کننـده امـواج بلاـ و قضـا، حقیقت عبـادت، چراغی در تـاریکی، سـلاح مؤمن، سـتون دین، سـپر مؤمن، شـفای هر بیمـاری، کلیـد نجات ، رسـتگاری و رحمت، نور آسـمان ها و زمین و در یک جمله محبوب ترین کارها نزد آفریـدگار هستی است، به شرطی که از سینه ای پاک و قلبی پرهیزگار سرچشمه بگیرد.(۱)

در اهمیت آن همین بس که قرآن کریم می فرمایـد: «قُـلْ مـا یَعْبَؤُا بِکُمْ رَبِّی لَوْ لاـ دُعـاؤُکُمْ؛ بگو: پروردگارم برای شـما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد».(۲)

۲. انواع دعا

دعای عوام

دعای افرادی که ویژگی های ذیل را داشته باشند، دعای عوام نامیده می شود:

الف) وقتی با مشکلی روبرو می شوند، به یاد خداوند می افتند و دعا می کنند.(۳)

ب) دعای آن ها فقط خواستن است، نه راز و نیاز با معبود.

ج) بیشترین خواسته های آن ها درباره امور مادی است.

د) از رعایت آداب دعا غافلند و توقع دارند دعایشان به سرعت اجابت شود.

ه) اگر حاجتشان برآورده نشود، به یأس و ناامیدی دچار می شوند.

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۶، کتاب الدعاء؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۷، ابواب الدعاء.

۲- فرقان: ۷۷.

۳- نحل: ۵۳ ؛ روم: ۳۳.

دعای خواص

اما کسانی هستند که به روش دیگری دعا می کنند؛ بنابراین، درجه و مقامشان باگروه پیشین متفاوت است و محبوب و مقرَّب درگاه خداوند هستند. برخی از این ویژگی ها عبارت است از:

الف) پیوسته اهل دعا هستند؛ در شدت و رخاء، سلامتی و بیماری، فقر و غنا و در همه حالات. بنابراین فرشتگان صدای آنان و زمزمه دعایشان را می شناسند و راه را برای ورود این صدا به آسمان ها باز می کنند.(۱)

ب) برای آن ها خودِ دعا موضوعیّت دارد و اذن در دعا را بزرگترین نعمت الهی می بینند.

ج) دعای آن ها پیش از آنکه خواستن باشد، خواندن است و گفتگوی محبوب با معشوقِ حقیقیِ خود، پیوند و ارتباط با اصلِ خود، نور و نیرو گرفتن برای تقرّب به اوست.

د) آن ها اجابت دعای خود را در همین توفیق دعا کردن می بینند و بر این باورند که خیر و صلاحشان همان چیزی است که محبوب آن ها برایشان رقم می زند، اگر او حکم کند که با قیچی (به وسیله دشمنان حق) قطعه قطعه شوند، برایشان خیر است و اگر مالک و فرمانروای شرق و غرب عالم شوند، باز هم برایشان خیر است.(۲)

در واقع؛ خیر آن چیزی است که او برایش بخواهد؛ زیرا:

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرٍّ شما در آن است و خدا می داند، و شما نمی دانید.(۳)

۱- کلینی، کافی، ج۲، ص۴۷۲.

۲- همان، ص ۶۲، باب الرضاء بالقضاء.

۳- بقره: ۲۱۶.

۳. راه و رسم دعا

از آنجا که افق دید ِما محدود است و بر اساس آیه شریفه:

«و جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است!».(۱)

گاهی چیزی را می خواهیم که به ضرر ماست و از آنچه باید بخواهیم غافل می شویم!

کسی در محضر مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام این چنین دعا کرد:

«اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفِتْنَه؛ خدایا به تو پناه می برم از امتحان».

حضرت فرمودند: هیچ یک از شما نگوید «خداوندا به تو پناه می برم از امتحان شدن»، زیرا هیچ کس نیست مگر این که امتحانی دارد، ولی کسی که می خواهد به خدا پناه ببرد، از «امتحانات گمراه کننده» به خدا پناه برد؛ زیرا خداوند سبحان می گوید: «بدانید که اموال و اولاد شما مایه امتحان شما هستند». و معنی این سخن آن است که خداوند مردم را با اموال و اولادشان آزمایش می کند، تا آن کس که از روزیش خشمگین است، از آن کس که شاکر و راضی است شناخته شود، هر چند خداوند سبحان از مردم به خودشان آگاهتر است، ولی این به خاطر آن است که افعالی که با آن استحقاق ثواب و عقاب پیدا می کنند ظاهر گردد، زیرا بعضی از مردم (مثلاً) پسر را دوست دارند و از دختر متنفرند و بعضی افزایش مال را می خواهند و از نقصان آن ناراحتند.(۲)

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

جُعِلْتُ فِدَاکَ ادْعُ اللَّهَ لِی أَنْ یُغْنِیَنِی عَنْ خَلْقِهِ؛ فدای شما شوم از خداوند بخواهید مرا از مخلوقاتش بی نیاز فرماید!.

امام فرمودند:

... این گونه از خداوند بخواه که تو را از این که به بندگان پستش

۱- اسراء: ۸۵.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۹۳.

نیازمند شوی، بی نیاز کند.(۱)

بنابراین، نیاز بندگان خدا به وسیله یکدیگر برطرف می شود و هر کدام وسیله ای برای برآوردن نیاز دیگری می شوند و از این راه به اجر و پاداش می رسند.

در نتیجه درباره این که در راز و نیاز با معبودمان چه چیزی را بخواهیم و چه چیزی نخواهیم، باید از حجت های الهی بیاموزیم.

انس با دعاهای اهل بیت علیهم السلام بهترین مرجع برای آموختن راه و رسم دعا و راز و نیاز با آفریدگار هستی است، دعاهایی مانند:

مناجات خمسه عشر، مناجات شعبانیه، دعای عرفه امام حسین علیه السلام دعای ابو حمزه ثمالی، دعای کمیل و ... .

۴. دعا لقلقه زبان نیست

امام علی علیه السلام می فرمایند:

الدَّاعِی بِلَا عَمَلٍ کَالرَّامِی بِلَا وَتَر؛ کسی که دعا کند ولی عمل، پشتوانه آن نباشد مثل تیراندازی است که تیر دارد؛ ولی کمانِ او زه ندارد.(۲)

دعایِ بی عمل؛ مثل فشنگ بی تفنگ است که قطعاً به هدف نمی رسد؛ چنانچه تفنگ بی فشنگ هم ارزشی ندارد. و عملی که در بستر ایمان و ارتباط با خداوند نروید، به ثمر نخواهد نشست و او را در راه سعادت و رستگاری یاری نخواهد کرد.

۵. تفاوت دعا و زیارت

دعا یعنی سخن گفتن مخلوق با خالق، عابد با معبود؛ بنابراین به گفتار و نوشتاری که در بردارنده چنین محتوایی باشد، «دعا» می گویند.

ابن منظور در لسان العرب(ذیل واژه «دَعَوَ») انواع مختلفی را برای دعا

۱- کلینی، کافی، ج۲، ص۲۶۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۷.

ذکر می کند:

الف) اظهار یکتایی خداوند و بیان مجد و عظمت و نعمت های او؛(۱)

ب) درخواست عفو و رحمت خداوند و آنچه که ما را به او نزدیک نماید؛(۲)

ج) درخواست نعمت های مادی.(۳)

به همه این موارد دعا می گویند، زیرا مخاطب، خداوند متعال است.

زیارت در لغت به معنای «قصد» است.

صاحب مجمع البحرین می گوید:

زیارت در عرف به معنای قصد دیدار کسی، به خاطر گرامی داشتن و بزرگداشت و انس گرفتن با او می باشد.(۴)

زیارت در اصطلاح قصدِ دیدار انسانِ برگزیده و آبرومندِ درگاه الهی را گویند و نوشتاری را که مخاطب آن چنین انسان برگزیده‌ای باشد، «زیارت نامه» گویند؛ مانند زیارت نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم.

برخی از متن ها نیز ترکیبی از دعا و زیارت است؛ مانند زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا.

۶. مشروعیتِ توسل، زیارت و شفاعت

از آنجا که موضوع این نوشتار، دعاها و زیارت های مهدوی است، باید پیش از ورود به متنِ دعا و زیارات، به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

الف) با توجه به شبهات وارد شده درباره زیارت مبنی بر اینکه باید خواسته های

۱- تهلیل (لا إلهَ إلَّا الله)، تحمید(الحَمدُ لله) و تمجید (سُبحانَ الله و مانند آن) در همین دسته قرار می گیرد.

۲- مانند: «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»؛ (مومنون۲۳، ۱۱۸). مضمون و محتوای اصلی دعاهای اهل بیت علیهم السلام این دو نوع را دربر می گیرد، مانند دعای عرفه و دعاهای صحیفه سجادیه.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۷.

۴- طریحی، مجمع البحرین، ج۳، ص ۳۲۰.

خود را از خودِ خداوند بخواهیم آیا درباره زیارت امامان معصوم علیهم السلام و درخواست حاجت از آن ها، سند و سفارشی وجود دارد؟

ب) معصومان علیهم السلام چه جایگاهی در عالم خلقت دارند؟ آیا شفیع قرار دادن آن ها، با توحید سازگاری دارد؟

اکنون به اقتضای بحث و با رعایت اختصار به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد:

پاسخ سؤال اول

پایه‌گذار زیارت در اسلام

شخصِ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بارها به زیارت قبرستان بقیع و همچنین شهدای احد می رفتند؛(۱) به همین دلیل همه امت اسلام پیوسته درباره زیارتِ بزرگان به ویژه زیارت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم اهتمام ویژه ای قائل بوده اند، به جز فرقه ها و مذاهبی مانند وهابیت که شکل گیری آنان ریشه در استعمار انگلیس و سایر استعمارگران دارند.

مرحوم علامه امینی رحمه الله می فرماید:

قطعاً سیره شایع از صدر اسلام از زمان صحابه و تابعین پیوسته بر زیارت قبور پیامبران، ائمه، اولیاء الهی و بزرگان دینی و در راس آن ها مرقد مطهر و منور نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم جاری بوده است و نماز خواندن و دعا نمودن نزد قبور آنان و تبرک و توسل جستن به آن ها و تقرب به خداوند متعال با آمدن به آن مشاهد از اموری است که تمام فرقه های مسلمان بر آن اتفاق نظر دارند و احدی مخالفت ننموده است تا این که ابن تیمیه حرّانی آمد و با بیانی دور از ادب و عفت کلام و خارج از عقل سلیم و دور از علم و آگاهی، منکر این سنت حسنه شد و حتی به حرمت سفر زیارت به قصد زیارت مرقد مطهر نبی مکرم

۱- مسلم، صحیح، ص ۳۴۸، کتاب الجنائز، باب ۳۵ و۳۶ و کلینی، کافی، ج۴، ص۵۷۹، کتاب الحج، ابواب الزیارات.

اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فتوا داد.(۱)

علامه امینی سپس فتواها و دیدگاه های علما و بزرگان اهل سنت را بیان می کند که در همان زمان به مخالفت با او برخاستند.

در صفحه ۱۷۸ همین کتاب، زیارت ائمه بقیع علیهم السلام و بزرگان مدفون در آن جا را از دیدگاه علمای اهل سنت بررسی می کند که همه آنان به این امر بر اساس روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سفارش کرده اند و در ادامه به تشریح فضیلتِ زیارت شهدای احد و زیارت قبور مومنین از دیدگاه آنان پرداخته است.

پاسخ سؤال دوم

جایگاه اهل بیت علیهم السلام در عالم خلقت و اهمیتِ زیارت و ارتباط با آنان

الف) اهل بیت علیهم السلام نور الهی هستند.

قرآن کریم در این باره می فرماید:

((اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ فیها مِصْباحٌ ....فی بُیُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ؛ خداوند نور آسمان ها و زمین است. مَثَل نور خداوند همانند چراغ دانی است که در آن چراغی (پر فروغ) باشد،....(این چراغ پرفروغ) در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن ها رفعت یابد و نامش در آن ها یاد شود. در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند)).(۲)

خانه هایی دهد اجازه خدا

ذکر گردد در آن خدا را ن--ام

که ز نور خدا شود والا

نیز تسبیح حق به صبح و به ش-ام

ص: ۱۸

۱- محقق ارجمندِ این کتاب، محمد الحسون، در پاورقی صفحه۴۹ تعدادی از کتاب هایی که در ردّ ابن تیمیه از سوی علمای اهل سنت نوشته شده را بیان می کند، ازجمله: شفاء السقام فی زیاره خیر الانام و کتاب الدره المضیئه فی الرد علی ابن تیمیه اثر تقی الدین سبکی؛ التحفه المختاره فی الرد علی منکر الزیاره اثر تاج الدین فاکهی؛ المقاله المرضیه اثر قاضی القضاه تقی الدین ابی عبد الله الاخنائی و... (امینی، الزیاره، ص ۴۸).

۲- نور:۳۵ و۳۶.

از اَنس و بُریده نقل شده که گفتند رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم این آیه شریفه را تلاوت نمود، مردی سؤال کرد مقصود از این بیوت چیست؟ (که این قدر عظمت دارد که نور خداوند درون آن تابیده است!) حضرت فرمود: مقصود خانه های انبیا است، سپس ابوبکر پرسید: آیا خانه علی و فاطمه هم جزء آن ها است؟ حضرت فرمود: بله، بلکه از برترین آن هاست.(۱)

ب) اهل بیت علیهم السلامریسمانی هستند که با چنگ زدن به آنان می توان از خفّت و ذلّت رهایی یافت.

حق تعالی فرمود:

((ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ ما ثُقِفُوا إِلاَّ بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلٍ مِنَ النَّاس؛ ذلت بر آنان مقرر گشت هر جا که یافته شوند مگر به سببی از خدا و سببی از آدمیان)).(۲)

مراد از «حَبْلٍ مِنَ النَّاس» چیست؟

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: «حبل من الله» یعنی قرآن و «حبل من الناس» یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام.(۳)

ج) اهل بیت علیهم السلام وسیله تقربِ الی الله و پذیرش توبه

آیه اول

((يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسيلَةَ؛ هان ای کسانی که ایمان آوردید، از خدا پروا گیرید و به سوی او وسیله بجویید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید)). (۴)

مراد از وسیله چیست؟

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج۳۶، ص۱۱۸.
۲- آل عمران: ۱۱۲.
۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص۱۵.
۴- مائده:۳۵.

بنابر آیه ۴۴ سوره نحل(۱) که ما را درباره تبیین آیات به شخصِ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ارجاع می دهد، «وسیله» به اهل بیت علیهم السلام تفسیر شده است.

حضرت در این باره می فرماید:

کسی که از پیشوایانِ از فرزندان حسین علیهم السلام اطاعت کند، از خداوند اطاعت نموده و کسی که از آنان نافرمانی کند، از خداوند نافرمانی نموده. آنان ریسمان محکم الهی و وسیله به سوی خداوند هستند».(۲)

و اگر در قرآن فرموده است: «پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم!.(۳)

یا در جای دیگر می فرماید:

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم!»(۴) راه و روش دعا کردن و درخواست نمودن در آیات دیگر را بیان نموده است؛ همچنان که در آیات ۶۴ سوره نساء و ۳۵ مائده و مانند آن به این موضوع پرداخته است.

همان طور که در آیات زیادی بیان شده است که «نماز را به پای دارید» ؛ نیز در آیات دیگر و روایات شیوه و چگونگی خواندن نماز و اقامه آن تبیین شده است.

آیه دوم

((وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحیما؛ و اگر آنان آن گاه که بر خویشتن ستم کردند، نزد تو آیند؛ سپس از خدا آمرزش بخواهند و پیامبر برای آنان آمرزش بخواهد، البته خدا را توبه پذیری مهربان خواهند یافت)). (۵)

۱- «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ ما نُزِّلَ إِلَيْهِمْ».

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج۳۶، ص۲۴۴.

۳- غافر: ۶۰.

۴- بقره:۱۸۶.

۵- نساء: ۶۴.

راه توبه در این آیه شریفه، به محضر حجت خدا رسیدن (جاؤُکَ) و از ایشان درخواستِ «طلب مغفرت از خداوند» (وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ) است. این آیه نه فقط جوازی برای توسل و شفاعت است، بلکه درباره این امر توصیه نموده و راه بخشش را در گرو آن می داند.

نکته جالب این که نمی فرماید: «و إسْتَغْفِر لهم» تو برای آن ها استغفار کن، بلکه می فرماید: «وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ» یعنی این جایگاهِ رسول است که چنین اثری دارد، بنابراین پس از رسول صلی الله علیه و آله و سلم هم کسی که چنین جایگاهی داشته باشد و حجت و ولیّ خدا باشد، این شأن را خواهد داشت و مردم وظیفه دارند به او مراجعه کنند.(۱)

همان طور که بر شیوه استغفار فرزندان یعقوبِ نبی علیه السلام صحّه می گذارد:

((قالُوا یا أَبانَا اسْتَغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا إِنَّا کُنَّا خاطِئِینَ قالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَکُمْ رَبِّی إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ؛ گفتند: پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه، که ما خطاکار بودیم! گفت: به زودی برای شما از پروردگارم آمرزش می طلبم، که او آمرزنده و مهربان است!)). (۲)

عده ای با استناد به برخی آیات به کلی شفاعت را انکار می کنند، آیاتی مانند:

((یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمٌ لا بَیْعٌ فیهِ وَ لا خُلَّهٌ وَ لا شَفاعَهٌ وَ الْکافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُون؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است و نه دوستی و نه شفاعت؛ و کافران، خود ستمگرند)).(۳)

غافل از اینکه برای استنادِ به قرآن، باید همه آیات مربوط به آن موضوع را دید و تفسیر هر آیه را به درستی بررسی کرد.

قطعاً خداوند در آیات زیادی بر موضوع شفاعت به طور مشروط تاکید کرده است و

۱- مکارم، تفسیر نمونه، ج۳، ص۴۵۱.

۲- یوسف: ۹۷ و ۹۸.

۳- بقره:۲۵۴.

در این باره می فرماید:

((مَنْ ذَا الَّذی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلاَّ بِإِذْنِه؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟)).(۱)

و در جای دیگر فرموده است:

((یَوْمَئِذٍ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَهُ إِلاَّ مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمنُ وَ رَضِیَ لَهُ قَوْلا؛ در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده و به گفتار او راضی است)).(۲)

اما در مواردی برخی از مصداق های شفاعت نفی شده است که عبارتند از:

الف) شفاعت کنندگان

این چنین نیست که راه شفاعت برای همه باز باشد و هر کس که بخواهد، بتواند شفاعت کند!

شفاعت کننـده خود باید در اوج و قله قرب الی الله باشد و از لیاقت و شایسـتگی لازم برای این کار برخوردار باشد. از دیدگاه قرآن فقط کسانی می تواننـد شـفاعت کننـد که خداونـد به آنان اذنِ شـفاعت بدهد و به تبیین روایات، مصداقِ آن انبیاء عظیم الشان الهی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، علمای ربانی، شهدا و اولیای الهی هستند.

بر همیـن اسـاس، در قرآن شـفاعت بت هـا و معبودهـای غیر الهی نفی شـده؛ زیرا خداونـد متعـال هرگز چنین اذنی به آن آلهه موهوم نداده است و می فرماید:

((وَ یَعْبُـدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ما لا یَضُـرُّهُمْ وَ لا یَنْفَعُهُمْ وَ یَقُولُونَ هؤُلاءِ شُـفَعاؤُنا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَ تُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِما لا یَعْلَمُ فِی السَّماواتِ وَ لا فِی الْأَرْضِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُون؛ آن ها غیر از خـدا، چیزهایی را می پرسـتند که نه به آنان زیان می رسانـد، و نه سودی می بخشد و می گویند: این ها شفیعان ما نزد خدا هستند! بگو: آیا خدا را به چیزی

۱- بقره:۲۵۵.

۲- طه:۱۰۹.

خبر می دهید که در آسمان ها و زمین سراغ ندارد؟!)).(۱)

و در جای دیگر می فرماید:

((وَ ما نَری مَعَکُمْ شُفَعاءَکُمُ الَّذینَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فیکُمْ شُرَکاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَیْنَکُمْ وَ ضَلَّ عَنْکُمْ ما کُنْتُمْ تَزْعُمُون؛ و شفیعانی را که شریک در شفاعت خود می پنداشتید، با شما نمی بینیم! پیوندهای شما بریده شده است و تمام آنچه را تکیه گاه خود تصوّر می کردید، از شما دور و گم شده اند!)).(۲)

ب) شفاعت شوندگان

کسانی که می خواهند مورد شفاعت قرار گیرند، نیز باید شایستگی لازم برای شفاعت را داشته باشند؛ به عبارت دیگر اذنی که خداوند متعال به شفاعت کنندکان می دهد، مطلق نیست، بلکه مشروط است وآنان با توجه به آن شرایط می توانند شایستگانِ این امر را شفاعت کنند.

برخی از آیات نفی کننده شفاعت ناظر به همین موضوع است، مانند آیه ۲۵۴ سوره بقره.

در روایات زیادی نیز تاکید شده است که شفاعت، همه مردم را دربر نمی گیرد.

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

پدرم هنگام وفات به من فرمود: «إِنَّهُ لَا یَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاه؛ قطعاً کسی که نماز را سبک بشمارد شفاعت ما شامل حال او نمی شود».(۳)

۱- یونس:۱۸.

۲- انعام: ۹۴.

۳- کلینی، کافی، ج۳، ص ۲۷۰، باب مَن حافَظَ علی صلاته، حدیث۱۵.

۷. حکمِ زیارت و شفاعت بعد از رحلت انبیاء و اولیاء الهی علیهم السلام

حالت های سه گانه درخواست شفاعت

الف) درخواست شفاعت در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

صحابه برای حوائج فردی و اجتماعی خود بارها به محضر حضرت شرفیاب شده و از ایشان درخواست می کردند تا از خداوند حاجت آن ها را بخواهد؛ از جمله درباره طلب باران. بنابر روایت، مردی به محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرض کرد «یا رسُولَ اللهِ هَلَکَتِ المَواشی و تقَطَّعت السُّبُل فَادعُ الله...؛ ای رسول خدا! چهارپایان ما مردند(در اثر خشکسالی) و راه ها قطع شد. از خداوند بخواه (باران نازل شود)».(۱)

عبارت ترمذی نیز بسیار قابل توجه است:

...اللّهُمَ انّی اسَئلُکَ و اتَوَجَّهُ اِلیکَ بِنَبِیِّکَ مُحمَّدٍ نَبیِّ الرَّحمَۀِ انّی تَوَجّهتُ بکَ الی ربّی فی حاجَتی هذه لِتُقضَی لی اللّهُمَ فَشَفِّعهُ فِیَّ.(۲)

ب) شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز قیامت

در کتب روایی فریقین روایت های زیادی درباره شفاعت حضرت در عرصه قیامت وارد شده است؛ از جمله ذیل آیه شریفه:

((وَ مِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نافِلَةً لَکَ عَسی أَنْ یَبْعَثَکَ رَبُّکَ مَقاماً مَحْمُودا))(۳)؛ عبد الله ابن عمر می گوید: «در روز قیامت هر امتی به دنبال پیامبر خود می گردد و می گویند فلانی شفاعت ما را بکن تا این که شفاعت به رسول خدا می رسد، پس آن روز است که خداوند او را به مقام محمود برمی انگیزد».(۴)

۱- بخاری، صحیح، ج ۱، ص۲۴۴، کتاب الاستسقاء، باب اذا استشفعوا الی الامام لیستقی لهم.

۲- ترمذی، سنن، ص۹۴۸، کتاب الدعوات، باب ۱۲۱.

۳- اسراء:۷۹.

۴- بخاری، صحیح، ج۳، ص۲۲۵، کتاب التفسیر، باب ۱۱ از بخش سوره اسراء و ن.ک: ترمذی، سنن، ص ۶۶۰، کتاب صفه القیامه، باب ما جاء فی الشفاعه.

ج) درخواست شفاعت بعد از رحلت حضرت

اکنون ثابت شد که درخواست شفاعت در زمان حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین در روز قیامت یک امر مشروع است، سؤالی که در ادامه مطرح می شود این است که آیا درخواست شفاعت پس از رحلت ایشان شرک و لغو است؟

پاسخ را باید در چند نکته تبیین کرد:

- بیان روشن قرآن مجید درباره حیات برزخی برای همه افراد. چنانچه در سوره مؤمنون آمده است:

(آن ها هم چنان به راه غلط خود ادامه می دهند) تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می گوید: پروردگار من! مرا بازگردانید! شاید در آنچه ترک کردم (و کوتاهی نمودم) عمل صالحی انجام دهم! (ولی به او می گویند:) چنین نیست! این سخنی است که او به زبان می گوید (و اگر بازگردد، کارش همچون گذشته است)! و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند!.(۱)

و در جای دیگر فرمود:

عذاب آن ها آتش است که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند و روزی که قیامت برپا شود (می فرماید:) آل فرعون را در سخت ترین عذاب ها وارد کنید!.(۲)

و اگر در آیاتی خطاب به حضرت بیان شده است که تو نمی توانی به کسی که در قبر است، چیزی بفهمانی،(۳)

فهمِ آنان را نفی کرده نه حیات برزخیشان را. و مراد، این است که کفار از فهمِ حقیقت به دورند و در واقع روح و قلب آن ها مرده است. نوع نگاه قرآن به حیات و ممات بسیار عمیق تر از آن چیزی است که ما درمی یابیم. در منطق قرآن برخی از افرادی که ما آنان را زنده می پنداریم، در واقع مرده اند؛ چنانچه

۱- مؤمنون:۹۹و ۱۰۰.

۲- غافر:۴۶.

۳- فاطر:۲۲ و نمل:۸۰.

در سوره انعام می فرماید:

آیا کسی که مرده بود،(بی ایمان بود) سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت ها باشد و از آن خارج نگردد؟! این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می دادند، تزیین شده (و زیبا جلوه کرده) است.(۱)

و برخی از افرادی که ما فکر می کنیم مرده اند، در حقیقت زندگان واقعی هستند:

و به آن ها که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگویید! بلکه آنان زنده اند؛ ولی شما نمی فهمید!.(۲)

خلاصه کلام این که ارتباط با اموات در اندازه و شرایطی که آفریدگار حکیم اذن داده، امکان پذیر است؛ چنانچه سفارش شده است که «به مردگان خود «لا اله الا الله» را تلقین نمایید».(۳)

وقتی کشته شدگان مشرکان در جنگ بدر درون چاهی دفن شدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن ها را مورد خطاب قرار داد و فرمود: «آیا وعده خدا را حق یافتید؟ کسی گفت: یا رسول الله! آیا با مردگان سخن می گویید؟ (آنان که چیزی نمی فهمند) حضرت فرمود: «مَا انتُم بِأَسمَعَ مِنهُم؛ شما شنواتر از آنان نیستید، ولی پاسخ نمی دهند (اجازه پاسخ ندارند)».(۴)

– بیان روشن قرآن درباره حیاتی والا برای شهدا(۵)

– خداوند در آیات بسیاری به انبیا سلام داده است(۶) و همه امت اسلام نیز در نمازِ خود بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود و سلام می فرستند.

۱– انعام: ۱۲۲ و ر.ک: یس:۶۹ و ۷۰.

۲– بقره:۱۵۴.

۳– مسلم، صحیح، ص۳۲۹، ابتدای کتاب جنائز.

۴– بخاری، صحیح، ج۱، ص۳۳۴، کتاب الجنائز، باب ۸۶ و مسلم، صحیح، ص۱۱۰۱، کتاب الجنه، باب ۱۷.

۵– بقره: ۱۵۴ ؛ آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰.

۶– صافات: ۷۹ به بعد.

- خداوند متعال درباره رسول خود می فرماید:

((فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّهٍ بِشَهیدٍ وَ جِئْنا بِکَ عَلی هؤُلاءِ شَهیداً؛ حال آن ها چگونه است؟ آن روزی که از هر امتی، شاهد و گواهی (بر اعمالشان) می آوریم، و تو را نیز بر آنان گواه خواهیم آورد؟)).(۱)

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بخواهد گواهی بر همه گواهان امت ها باشد، آیا جز در پرتو حیاتی والا امکان پذیر است؟!

نتیجه سخن اینکه با توجه به آنچه گذشت، توسل به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و شفیع قرار دادن ایشان پس از رحلت و همچنین اهل بیت علیهم السلام که به حکم حدیث ثقلین و حدیث منزلت(۲)

شئون و وظایف ایشان را بر عهده دارند، امری مشروع و در جهت توحید است؛ زیرا آنان این امور را به فرمان الهی انجام می دهند.

۸. لزوم ارتباط با اهل بیت علیهم السلام

خداوند فرمود:

((قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی؛ (به مردم)بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم])).(۳)

به راستی چرا پیامبر اسلام چنین اجری درخواست کردند؟!

آیا مسأله فقط یک مقوله عاطفی و احساسی است؟! و آیا برای خود درخواست اجر و پاداش نمودند؟

در آیه دیگری پاسخ به این سؤال آمده است:

((قُلْ ما سَأَلْتُکُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَکُمْ إِنْ أَجْرِیَ إِلاَّ عَلَی اللَّهِ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ شَهید؛ بگو: هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام، برای خود

۱- نساء:۴۱.

۲- مسلم، صحیح، ص۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب۴؛ ترمذی، صحیح، ص ۹۹۱؛ کتاب المناقب، باب۳۲.

۳- شوری:۲۳.

شماست. اجر من تنها بر خداوند است و او بر همه چیز گواه است!)).(۱)

مقصود از «لکم» چیست؟ محبت و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام چه سودی برای ما دارد؟

در آیه دیگری پرده از حقیقت بزرگی بر می دارد و می فرماید:

((قُلْ ما أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلاَّ مَنْ شاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلى رَبِّهِ سَبيلاً؛ بگو: من در برابر آن (ابلاغ آیین خدا) هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم، مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند (این پاداش من است))). (۲)

نتیجه: یگانه راه تقرب الی الله توجه، ارتباط، پیروی از حجت و امامی است که خداوند برای این امر قرار داده است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر المؤمنین علیه السلام باب اللّه است که فقط از آن در می توان رفت و راهی است به سوی خدا؛ هر که از غیر آن راه رود، هلاک شده. همچنین برای همه ائمه هدی یکی پس از دیگری این مطلب جاری است، آن ها را ارکان زمین قرار داده تا موجب تزلزل و ناراحتی مردم نشود و حجت بالغه او هستند بر ساکنین روی زمین و مردم زیر آسمان.(۳)

به همین دلیل است که «اهل بیت علیهم السلام» به «کشتی نوح» تشبیه شده اند:

امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارشان نقل می نمایند که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

مَثَل اهل بیت من میان شما مثل کشتی نوح است، کسی که سوار آن شود(در ولایت اهل بیت داخل و از آنان پیروی نماید) نجات می یابد و کسی که نافرمانی کند، در آتش افکنده خواهد شد.(۴)

۱- سبا:۴۷.

۲- فرقان:۵۷.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج۲۵، ص۳۵۹.

۴- همان، ج۲۳، ص۱۲۲.

۹. اهمیت و آثار دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل فرج ایشان موجب نجات و رهایی از هلاکت و نابودی است و ما را از گمراهی حفظ می نماید.

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

به خدا قسم او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفّق سازد.(۱)

در کتاب ارزشمندِ مکیال المکارم بیش از نود فایده درباره دعا برای حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده است.(۲)

۱۰. انواع ادعیه و زیارات مهدوی

ادعیه و زیارات مهدوی را به دو بخش می توان تقسیم نمود.

الف) دعاها و زیارت هایی که از زبان خودِ حضرت رسیده است؛ مانند:

۱. دعای فرج « اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاء...»؛

۲. دعای « اللهم ارزقنا توفیق الطاعه...»؛

۳. دعای دوران غیبت « اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَکَ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ»؛

۴. دعای معروف صلوات ضرّاب اصفهانی « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْمُرْسَلِین... وَ بَلِّغْهُمْ أَقْصَی آمَالِهِمْ دِینا وَ دُنْیا وَ آخِرَهً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیر»؛

۵. دعای « إِلَهِی بِحَقِّ مَنْ نَاجَاکَ وَ بِحَقِّ مَنْ دَعَاکَ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْر...وَ عَلَی غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَی أَوْطَانِهِمْ سَالِمِینَ غَانِمِینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

ص: ۲۹

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۸۴، باب ۳۸.

۲- موسوی، مکیال المکارم، ج۱، ص۴۰۹.

أَجْمَعِينَ»؛

۶. زیارت آل یس و ... .

ب) دعاها و زیارت هایی که از اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است؛ مانند:

۱. دعای سلامتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «اللهم کن لولیک...»؛

۲. دعای معرفت: « اللهم عرفنی نفسک...ضللت عن دینی»؛

۳. دعای امام رضا علیه السلام : « اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّک...وَ صَفْوَهُ أَوْلَادِ رُسُلِکَ وَ السَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ»؛

۴. زیارت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف: « اِللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَیْنَمَا کَان...وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ » و... .(۱)

۱- رک. صحیفه المهدی، جواد قیومی اصفهانی؛ صحیفه مهدیه، سید مرتضی مجتهدی سیستانی.

بخش دوم: اشاره به برخی از دعاها و زیارت های مهدوی

اشاره

ص: ۳۱

دعای تعجیل فرج

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم».

روایت اول

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«کسی که پس از نماز ظهر و نماز صبح در روز جمعه و غیر آن (روزهای دیگر) بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ، نمی میرد تا این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را درک کند(ببیند)».(۱)

روایت دوم

در ضمن دعایی طولانی که به عنوان دعای شب های قدر از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده، این فراز آمده است که:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِین...صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم...».(۲)

روایت سوم

همچنین در دعای دیگری از امام صادق علیه السلام که جامع دنیا و آخرت است، این فراز به چشم می خورد:

« عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَام قَالَ أَمْلَی عَلَیَّ هَذَا الدُّعَاءَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هُوَ جَامِعٌ لِلدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَیْهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ....اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ

ص: ۳۲

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۳۶۴.

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۸۲ و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۱۲۷.

مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ رُوحَهُمْ وَ رَاحَتَهُمْ وَ سُرُورَهُمْ وَ أَذِقْنِی طَعْمَ فَرَجِهِمْ وَ أَهْلِکْ أَعْدَاءَهُم...».(۱)

روایت چهارم

امام صادق علیه السلام درباره فضیلت صلوات سخن می گفتند، راوی از امام پرسید: چگونه صلوات بفرستم؟ حضرت فرمود:

«صد بار می گوئی « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».(۲)

روایت های زیادی در این باره وجود دارد که به دلیل اختصار از بیان آنها صرف نظر می کنیم.(۳)

افزون بر این، مداومت و تأکید بر این دعا عمل به سفارش نورانی حضرت ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می باشد که فرمود:

«و برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید؛ چرا که فرج شما در گرو زیاد دعا کردن است».(۴)

در روایت های بسیاری از جمله در دعای عهد(۵)

و در دعای روز اول ماه مبارک رمضان، تعبیر «وَ عَجِّلْ فَرَجَه» نیز آمده است.(۶)

در حقیقت هر دو تعبیر به یک معنی باز می گردد: «وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم» یعنی: «خدایا فرج محمّد و آل محمّد را شتاب بخش» که طبعاً فرج آنان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقّق خواهد یافت؛ زیرا آرزو و هدف همه آن انوار طیبه، نابودی ظلم و تحقق عدالت همه جانبه در گستره جهانی بوده است و تعبیر «وَ عَجِّلْ فَرَجَه» یعنی:

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۴، آخرین باب از کتاب الدعاء.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۹۱.

۳- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۷۰، کتاب الدعاء، باب الحرز و... .

۴- شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۹۳.

۵- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۵.

۶- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۲۰.

«خدایا در فرج حضرت مهدی شتاب بخش».

نکات

۱. چرا باید برای تعجیل فرج دعا کنیم؟ هر وقت خداوند متعال صلاح بداند اذن فرج خواهد داد!

امام سجاد علیه السلام می فرمایند پیوسته امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام به درگاه الهی عرضه می داشت:

«خدایا نعمت بزرگ توکل و واگذار کردن امور به خودت و خشنود بودن به حکم و تسلیمِ فرمانت بودن را نصیب من بگردان تـا دوست نداشـته بـاشم جلوی افتـادن آن چه را که به تـأخیر انـداخته‌ای و به تـاخیر افتـادنَ آن چه را که جلـو انـداخته‌ای، ای پروردگار جهانیان».(۱)

و باز در جای دیگر حضرت فرموده اند:

در باره آنچه باید باشد و مهیاست، عجله مکنید و آنچه را فردا می آید، دور مشمرید.(۲)

پاسـخ: همان خدایی که وعده قطعی ظهورِ موعود امت ها، حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، را داده، مشـیّتش بر این تعلق گرفته است که مردم باید پذیرا و خواهان فرج باشند؛(۳)

زیرا سـنت خـدای حکیم براین حقیقت تعلق گرفته است که «سـرنوشت هیـچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی دهـد، مگر آنکه آنـان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند!».(۴)

خدای حکیم نعمت عظیم ولایت و امامت را در اختیار بشـر قرار داد؛ بنابر سـنّت الهی (انفال: ۵۳) وقتی امّت قدر این نعمت را نـدانست، به بلای بزرگ سـلب این نعمت(غیبت امام) دچار شـد و تا زمانی که امت به طور حقیقی قدرشـناس نشود، خـداوند اذن فرج نخواهد داد و دیر یا زود نگاه بشر از راه تعقل یا از راه تجربه همه

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۵۷۷.

۲- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

۳- رعد:۱۱، حدید: ۲۵و نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۴، باب ۱۵و مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷.

۴- رعد: ۱۱.

راه ها و به بن بست رسیدن، آسمانی خواهد شد و ظهور را مضطرّانه از خداوند خواهد خواست، چنانچه نویسنده معروف و آینده پژوه آمریکایی تبار، آلوین تافلر، به این حقیقت اذعان می کند و می گوید: (با تلخیص) «اوضاع آشفته غرب و ناکامی سردمداران از حل مشکلات سبب شده است تا نیاز شدید به وجود مرد سوار بر اسب سفید ضرب المثل ها را دامن بزنند».(۱)

نتیجه سخن اینکه دعا برای تعجیل فرج به معنای خواستنِ ظهور است، پس هر چه بیشتر بر این خواستن تأکید کنیم و با عمل، صبر، استقامت و پایبندی به حق، لیاقت و شایستگی خود را ثابت نماییم، به ظهور نزدیکتر می شویم.

۲. تفاوت دعا برای تعجیل فرج با استعجال در فرج چیست؟ زیرا در روایات، استعجالِ در فرج نهی شده است.

مهزم از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آن امری که ما در انتظار آن به سر می بریم، چه موقع خواهد بود؟ حضرت فرمود:

ای مهزم! تعیین کنندگان وقت برای ظهور دروغ می گویند و کسانی که در این امر شتابزده عمل می کنند، هلاک خواهند شد(هَلَكَ المُستَعجِلوُن) و فقط کسانی که تسلیم (امر خدایند) نجات خواهند یافت.(۲)

پاسخ: استعجال یعنی شتابزده عمل کردن و توقع تحقق امری را داشتن بدون فراهم شدن زمینه های آن.

به عبارت روشن‌تر برخی نشسته‌اند و فقط به آینده نگاه می کنند و درباره تحقق ظهور بی صبرند، بدون اینکه حقیقت انتظار و وظایف منتظرانِ راستین را بشناسند و در عمل بکوشند. وقتی راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فرج کی خواهد بود؟ امام از این سؤال ناراحت شد؛ زیرا دریافت مقصود او این است که چه وقت حضرت

۱- حیدری نیک، نگاهی دوباره به انتظار، ص۵۴.

۲- کلینی، کافی، ج۱، ص۳۶۸، باب کراهیه التوقیت.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید تا راحت شویم؟!

بنـابراین، در پاسـخ به او فرمود: «فلانـی تو هم از کسانی هستی که به دنبال دنیا هسـتند، همانا کسـی که این امر را بشـناسد، به خاطر انتظارش فرجش حاصل شده است».(۱)

یعنی لازمه انتظار مصلح جهانی این است که تمام سعی و توان خود را به کار گیریم و به اصل قرآنی((لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُون؛ ظلم نکنید و زیر بار ظلم نروید)) (۲) عمل کنیم و با شناخت امام، از فیوضات و برکات وی همانند خورشید پشت ابر خود را بهره مند سازیم و در یک جمله بدانیم که «منتظران مصلح خود باید صالح باشند».

دعا برای تعجیل فرج اولاً، به معنای خواستن ظهور امام است که خود از شرایط ظهور است و ثانیاً، دعا همان طور که در مطلب شماره (۴) از مباحث مقدماتی گفته شد، هرگز از عمل جدا نیست و این خواستن پیش از آن که با زبان باشد، باید با عمل به وظیفه انجام گردد.

دعای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

«اللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ(الْقَائِمِ بِأَمْرِکَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِیِّ عَلَیْهِ وَ عَلَی آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاهِ وَ السَّلَام) فِی هَذِهِ السَّاعَهِ وَ فِی کُلِّ سَاعَهٍ وَلِیّاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِیلًا وَ عَیْناً حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَ تُمَکِّنَهُ(تُمَتِّعَهُ) فِیهَا طَوِیلا؛(۳) خدایا! در این لحظه و در تمام لحظات، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبان ولیّت حضرت حجّه بن الحسن باش که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد. تا او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص۳۷۱، کتاب الحجه، باب انه من عرف... .

۲- بقره: ۲۷۹.

۳- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۲، و طوسی، تهذیب الاحکام، ج۳، ص ۱۰۳و مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹.

می نمایند] ساکن(حاکم بر) زمین گردانیده و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی».(۱)

چند نکته

۱. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی و مرحوم شیخ طوسی در کتاب تهذیب این دعا را در کتاب الصوم، باب دعا در دهه آخر ماه مبارک رمضان در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آورده‌اند.

همچنین مرحوم ابن مشهدی در کتاب مزار در اعمال شب بیست وسوم ماه مبارک رمضان و مرحوم سید بن طاووس در کتاب اقبال، باب۴، فصل ۲۶ این دعا را بیان کرده اند.

۲. درباره این که این دعا از سوی امام معصوم علیه السلام صادر شده، هیچ شکی نیست. اما شخص معصوم مشخص نشده است. همچنین در تهذیب تعبیر «عن الصادقِین» و در سایر منابع تعبیر «عن الصالحین» آمده است.

۳. تأکید حضرت بر مداومت بر این دعا بسیار قابل توجه است، ایشان در این باره می فرماید:

این دعا را در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در حال سجده، ایستاده، نشسته و در تمام ماه رمضان و در طول عمرت هر گاه یادت بود (وَ کَیْفَ أَمْکَنَکَ وَ مَتَی حَضَرَکَ مِنْ دَهْرِک) هر چه که می توانی تکرار کن.

۴. گرچه در نقل مرحوم کلینی و مرحوم شیخ طوسی به نام حضرت تصریح نشده است؛ اما با توجه به نشانه های موجود در متن دعا و تصریح سید بن طاووس به نام حضرت، هیچ شکی باقی نمی ماند که مقصود از فلان بن فلان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- ابن طاووس، ادب حضور، ص ۹۹.

در فراز پایانیِ آن می خوانیم: «...تا او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری می نمایند] ساکن(حاکم) زمین گردانیده، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی». طبعاً آن امامی که درباره او وعده قطعی داده شده که روزی بر تمام عالم حاکم خواهد شد و حکومت عدالت محور او زمانِ طولانی اداره خواهد داشت، کسی جز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست.

دلیل عدم تصریح به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به شرائط سیاسی - اجتماعی دوران غیبت صغری و حرمت تصریح امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن دوران، کاملاً آشکار خواهد شد.

۵. شیوه قرائت این دعا بنابر بیان امام معصوم علیه السلام این گونه است که ابتدا حمد و ستایش الهی، سپس درود و سلام بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش علیهم السلام انجام گیرد و سرانجام این دعا قرائت گردد.

۶. دعا برای سلامتی حضرت به چه معناست؟ مگر خداوند متعال حافظ و نگهدار ایشان نیست؟ آیا امام بیمار می شود؟

پاسخِ این سؤال با اشاره به چند نکته روشن می گردد:

الف) امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند حجت های الهی دیگر ممکن است دچار عوارض جسمی شده و بیمار گردند؛ مانند بیماری حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم(۱) و بیماری امام علی علیه السلام در جنگ خیبر(۲)

و امام سجاد علیه السلام در کربلا(۳)

و موارد دیگر.

ب) وجود ظلم وستم فراوان در عالم، مصیبت هایی که بر آباء و اجداد طاهرین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد شده، به ویژه مصیبت های حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و امام حسین علیه السلام و از سوی دیگر اعمال ناشایست ما و غفلت و کوتاهی هایمان، همه و همه، غم و اندوه فراوانِ امام را به دنبال دارد، آن چنان که اگر عنایت و استمداد خداوند نبود،

۱- شیخ صدوق، خصال، ج ۲، ص ۴۱۲.

۲- مفید، امالی، ص۵۷، مجلس ۷.

۳- ابو مخنف، وقعه الطف، ص۱۹۷.

ایشان تا به حال از شدت مصیبت جان داده بود. در نتیجه داشتن دغدغه سلامتی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعا برای این مهم، از ویژگی های منتظران است.

ج) دعایِ ما برای سلامتی امام نشانگر علاقه و اردات ما به اوست. که طبعاً اگر درباره حال امام زمانِ خود بی توجه باشیم، باید در ایمان و علاقه خود تجدید نظر کنیم.

د) از همه مهم‌تر این که خود اهل بیت علیهم السلام از ما خواسته‌اند تا برای سلامتی امام زمانِ خود دعا کنیم. در همین دعا و در دعای زمان غیبت که از ناحیه مقدسه صادر شده، سلامتی حضرت را از خداوند درخواست می کنیم.(۱)

نتیجه سخن اینکه گرچه خداوند متعال از حجت خود نگهداری می کند؛ اما از آنجایی که اراده خدای حکیم بر این تعلق گرفته است که نظام اسباب و مسببات در این عالم حاکم باشد، قطعاً دعای منتظران و عاشقان حضرتش دارای اثر و فایده خواهد بود.

۷. در این دعا ابتدا از خداوند، شش مسأله برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف درخواست می کنیم و می گوییم خدایا! در این لحظه و در هر لحظه‌ای؛ سرپرست، نگهدار، پیشوا، یاور، راهنما و دیدبانِ ولیّت، حضرت مهدی باش که درود تو بر او و پدرانش باد.

سپس این خواسته ها را افزون بر دوران غیبت، برای دوران ظهورِ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می خواهیم.

۸. در تعبیر « کُنْ لِوَلِیِّکَ...وَلِیّاً» ولیّ اول به معنای عهده دار کار(۲) و ولیّ دوم به معنای یاری کننده است. پس عبارت را باید به این ترتیب معنا کرد: « بار خدایا درباره کسی که از سوی تو عهده دار امور است، ناصر و یاور باش».

۱- «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَک...وَ احْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِک الَّذِی لَا یَضِیعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِه..»؛(شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۳).

۲- واژه «ولیّ» معانی زیادی دارد؛ از جمله به معنای «کلُّ من وَلِیَ امراً» و همچنین به معنای ناصر و... می باشد.

۹. تعبیرِ «حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً» به چه معناست؟ مگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر روی زمین ساکن نیستند؟!

پاسخ

تعبیر «حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ» یک اصطلاح است و به معنای حاکم شدن و قدرت یافتن است. وقتی کفار انبیاء را تهدید می کردند که «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد، مگر اینکه به کیش ما بازگردید».

پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم نمود«وَ لَنُسْکِنَنَّکُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِم» و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد.(۱)

یعنی با نابودی ستمگران، شما وارث آن ها خواهید شد و به عبارت دیگر تعبیرِ «حَتَّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ»، بیانگر همان تعبیر «أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصَّالِحُون»(۲) و همچنین تعبیر «لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْض»(۳) می باشد.

۱۰. «طوعاً» مصدر و به معنای اسم فاعل است. در قرآن کریم آمده است: «فَقالَ لَها وَ لِلْأَرْضِ ائْتِیا طَوْعاً أَوْ کَرْهاً قالَتا أَتَیْنا طائِعین»(۴)

و به معنای اطاعت و فرمانبرداری است؛ بنابراین حال برای «أَرْضَکَ» است نه برای ضمیر فاعلی یا ضمیر مفعولی؛ آن چنان که برخی گمان کرده اند.(۵)

آن چه مفقود است، مطیع بودن خداوند یا امام زمان نیست؛ بلکه مطیع بودن امت است که سبب غیبت امام نیز گردیده است. پس در این فراز از خداوند می خواهیم که (اهل) زمین مطیع و فرمانبردار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شوند که قطعاً در این صورت ظهور واقع خواهد شد.

ص: ۴۰

۱- ابراهیم: ۱۳ و ۱۴.

۲- انبیاء: ۱۰۵.

۳- نور: ۵۵.

۴- فصلت: ۱۱.

۵- احمدی جلفائی، فصل نامه علمی – ترویجی انتظار موعود، شماره ۱۸، ص ۲۵۷.

۱۱. در فراز پایانی از خداوند می خواهیم که دوران اقتدار و حاکمیت ایشان، دوره‌ای طولانی باشد تا بشر طعم شیرین عدالت و حاکمیت توحید را به خوبی بچشد و در راه عبودیت خالصانه خداوند نهایت بهره را ببرد.

دعای معرفت

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَکَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَکَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَکَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حُجَّتَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی؛ خدایا خودت را به من بشناسان، پس اگر خودت را به من نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجّتت را نخواهم شناخت. خدایا حجّتت را به من بشناسان، پس همانا اگر حجّتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می‌شوم».(۱)

زراره بن اعین می گوید: از حضرت صادق شنیدم که می‌فرمود:

قائم پیش از اینکه قیام کند، غیبتی خواهد داشت.... گفتم: قربانت گردم: اگر من آن زمان را درک کردم، چه عملی انجام دهم؟ فرمود: ای زراره هر گاه آن عصر را درک کردی، به قرائت این دعا مداومت کن: اللهم عرّفنی نفسک... .(۲)

چند نکته

۱. بیان این دعا در ضمن دعایی دیگر

این دعا در ابتدای دعای دیگری معروف به دعای دوران غیبت وجود دارد که دارای مضامین بسیار بلندی است و از ناحیه مقدسه از ابوعمر عثمان بن سعید عمری

ص: ۴۱

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ۳۳۷ص ، کتاب الحجه، باب فی الغیبه، ح۵و۲۹.

۲- همان.

صادر و سفارش شده تا در دوران غیبت خوانده شود.(۱) همچنین این دعا در پایان مفاتیح الجنان بخش ملحقات نیز بیان شده است.

۲. معنای حجّت

حجّت در لغت به معنای غلبه است، سپس به صورت مجاز یا حقیقت عرفی در معنای برهان به کار برده می شود؛ اما در عرف متشرّعه به معنای کسی است که خداوند او را برای هدایت مردم و دعوت آنان به سوی او منصوب نموده است و به وسیله او بر کسانی که از این امام پیروی نکنند و گمراه شوند، احتجاج خواهد کرد.(۲)

اما در این دعا مراد از حجّت به قرینه ورود آن برای دوران غیبت، شخص خاتم الاوصیاء بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا موضوع سخن، غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وسختی این دوران بود. زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که اگر من در این دوران بودم، چه کنم؟ حضرت چنین سفارش به او کردند.(۳)

۳. رابطه بین شناخت خداوند و شناخت رسولش

وقتی با حجت باطنیِ خود یعنی عقل با تدبر در آیات انفسی و آفاقی به وجود خالقی یکتا، حکیم، علیم، قادر و منزّه از هرگونه عیب و نقص پی می‌بریم که عبث و قبیح از او سر نمی زند، درمی یابیم که قطعاً از خلقت انسان هدفی داشته است.

استعدادهای شگفت انگیز و ویژگی های خاصِّ انسان، گواه این معناست که حبِّ بقاء، سیری ناپذیری و مطلق گرایی و کمال جوئیش، همه و همه، نشانگر این است که انسان بی هدف آفریده نشده است. از اینجا به ضرورت وحی و نبوت پی می بریم که خداوند باید کسانی را بفرستد تا راه و رسمِ رسیدن به قله های سعادت و رشد و تعالی را به انسان نشان دهند، چنانچه می فرماید:

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۵۱۲.

۲- کبیر مدنی، ریاض السالکین، ج ۶، ص ۳۷۴.

۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

((رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلاَّ يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيماً؛ پیامبرانی که مژده رسان و بیم دهنده بودند تا مگر پس از پیامبران برای آدمیان علیه خدا بهانه ای نباشد، درحالی که خدا مقتدری حکیم است)).(۱)

آری، اگر کسی در راه شناخت خداوند به مشکل دچار مشکل شود و چوب و سنگ و بت های دیگر را به خدایی انتخاب کند، هرگز رسول و حجت برای او مفهومی نخواهد داشت. پس هرچه شناخت ما از خداوند قوی تر باشد، ضرورت نیاز به رسول و حجّت را بیشتر احساس خواهیم کرد.

۴. رابطه شناخت رسول با شناخت حجّت و جانشین رسول صلی الله علیه و آله و سلم

وقتی عظمت خداوند متعال را دریافتیم، عظمت رسول، شئون و وظایف او را نیز درک خواهیم کرد. از آنجایی که رسول از جنس انسان است و((كُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْت))(۲) و به بیان قرآن خطاب به حضرت رسول ((إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَيِّتُون))؛(۳)

پس به همان دلیلی که ما به رسول نیاز داریم، درست به همان دلیل باید پس از رسول کسی در اندازه و رتبه او از سوی خدای حکیم معرفی گردد تا همه شئون و وظایفش را ادامه دهد، به جز نبوت که با ارائه کامل ترین دین به وسیله خاتم انبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم پرونده آن برای همیشه بسته شد.

به عبارت دیگر چون عقل فقط مدرک کلیات است و هر زمان اقتضائات ویژه خود را دارد، انسان پیوسته نیازمند هادی است، از سوی دیگر رابطه میان عالم غیب و عالم شهود قطع نمی شود؛ بنابراین خداوند هرگز زمین را از حجّت و امام خالی نگذاشته و نخواهد گذاشت و امام نیز با در اختیار داشتن آنچه که بر رسول نازل شده، راه او را ادامه خواهد داد.

۱- نساء: ۱۶۵. (برای توضیح بیشتر نک: مجلسی، بحارالانوار، ج ۴، ص ۴۰).

۲- آل عمران: ۱۸۵.

۳- زمر: ۳۰.

اگر کسی رسول را به خوبی نشناسد و فقط او را یک حاکم اجتماعی بداند که بر اساس اجتهاد و تخمین امور را اداره می کند، طبعاً درباره جانشین او نیز دچار مشکل خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت، بنابراین، میان امام علی علیه السلام و دیگران تفاوتی نخواهد دید که از ضعف عمیق در خداشناسی ناشی می شود و به اینجا می رسد که «الحَمدُ لِلّهِ الَّذی...قدَّم المَفضُولَ علی الافضَل»(۱) سپاس خدایی را که کسی را که پایین تر بود (ابوبکر)، بر کسی که برتر بود (امام علی)، مقدم داشت!!؟

نتیجه اینکه از معرفت خداوند به معرفت رسول و از معرفت رسول به معرفت امام و ضرورت وجود او می رسیم.

۵. درجات معرفت

همانگونه که در اصل معرفت، با معرفت خداوند به معرفت رسول و از معرفت رسول به معرفت حجت می رسیم، درباره مرتبه های معرفت هم قضیه صادق است. بالاترین میزان معرفت به رسول صلی الله علیه و آله و سلم را امیرالمؤمنین علیه السلام دارد و می فرماید: «إِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِ مُحَمَّد»(۲) زیرا بالاترین معرفت به خداوند را دارد و بالاترین مرتبه معرفت به حجت را حضرت صدیقه طاهره علیها السلام دارد؛ زیرا از بالاترین میزان معرفت به خدا و رسول او بهره مند است.

۶. از خداوند به امام و از امام به خداوند می رسیم

بر اساس آنچه گذشت، از معرفت خداوند به معرفت رسول و امام می رسیم؛ اما از سوی دیگر، از آنجاکه امام و نبی از مقام والای عصمت برخوردارند و کاملترین و مقربترین مخلوق و مظهر اسماء حسنای الهی می باشند، راهی برای خداشناسی و دست یابی به مراحل بالاتر شناخت خداوند و تقرب به سوی او هستند. بیان نورانی امام حسین علیه السلام به همین مطلب اشاره می کند.

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص۳.

۲- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۹۰.

امام صادق علیه السلام می فرماید: حسین بن علی علیه السلام نزد یاران خود آمد و فرمود:

ای مردم! خدای متعال بندگان را جز برای اینکه او را بشناسند، نیافرید؛ پس چون او را بشناسند، پرستش او می کنند و چون او را بپرستند، از پرستشِ جز او بی نیاز می شوند.

مردی پرسید: ای پسر پیامبر، پدر و مادرم فدای تو باد! معرفت و شناخت خدا چیست؟ حضرت فرمود: «مَعْرِفَهُ أَهْلِ کُلِ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طَاعَتُه؛ اینکه اهل هر زمان، امام خود را که اطاعت او واجب است، بشناسند».(۱)

از آنجاکه خدای متعال بندگان را برای این آفرید که او را بشناسند و بپرستند،(۲) بنابراین راهنمایانی برای این شناخت و پرستش قرار داد؛ رسالت اصلی امام همین است، چنانچه در قرآن پس از بیان مژده و نوید ظهور و مسائل مربوط به آن می فرماید: «یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئا»، همه این ها برای این است که عبودیتی خالصانه و منزّه از هرگونه شرک در عالم انجام شود.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید:

امام کسی است که در روز قیامت مردم را به سوی خداوند می برد، همان گونه که در ظاهر و باطنِ این عالم آن ها را به سوی او به پیش می برد.(۳)

۷. فراز پایانی این دعا بر یک مطلب اساسی دلالت دارد و آن اینکه اگر کسی درباره چنین امامی معرفت و اعتقاد نداشته باشد، در واقع توحید و دین او دچار مشکل خواهد شد.

به عبارت دیگر این حلقه اعتقادی، مانند نماز است؛ نماز وقتی شکل می گیرد که تکبیره الاحرام با شرایط و آداب آن به سلام پایان یابد و روزه آنگاه صدق می کند که

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.

۲- ذاریات: ۵۶.

۳- طباطبایی، المیزان، ج ۱، ص ۲۷۳.

امساک به اذان مغرب برسـد. این همان نکته‌ای است که در بیان نورانی امام رضا علیه السـلام به آن تصـریح شده است. ایشان در ادامه آیه شـریفه «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهـا»(۱) می فرماید: مراد یکتایی خداوند و رسالت حضـرت محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم و ولایت امیر المؤمنین علیه السـلام است، سـپس اضافه می فرماید: إِلَی هَاهُنَا التَّوْحِید یعنی با پذیرش ولایت، توحید شکل می گیرد.(۲)

۸. جایگاه معرفت امام

آخرین نکته در این بخش این است که معرفت به امام و حجت خداونـد از اهمیت بسـیار بالایی برخوردار است. مرحوم کلینی در کافی در «باب معرفه الامام» چهارده روایت(۳)

و مرحوم مجلسی در بحارالانوار در «باب وجوب معرفه الامام» چهل روایت بیان کرده اند.(۴)

تامل در این روایت ها به خوبی قدر و منزلت این نعمت عظیم الهی را گوشزد می نماید.

در اهمیت آن همین بس که اعتقاد نداشـتن به چنین حجتی بر اساس روایات فریقین از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم با مرگ جاهلی مساوی است که طبعاً حیات چنین انسانی نیز جاهلی و بی بهره از حقیقت خواهد بود.

قرآن کریم می فرماید:

(خدا) حکمت را به هر کس بخواهد (و شایسته بداند) می دهد و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی کنند، و) متذکر نمی گردند.(۵)

در این آیه شریفه از حکمت به عنوان «خیر کثیر» یاد شده است که جز

۱- روم:۳۰.
۲- قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵.
۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.
۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۷۶.
۵- بقره: ۲۶۹.

خردمندان اهمیت و عظمت آن را درک نمی کنند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «مراد پیروی خداوند و شناخت امام است».(۱)

دعای فرج

«اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ،[وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ] وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ،[وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَان] وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكَى، وَ عَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ[آلِ مُحَمَّدٍ أُولِي الْأَمْرِ] الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلًا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ مِنْ ذَلِكَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، انْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، وَ اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي».(۲)

مرحوم علامه مجلسی می فرماید:

شیخ بزرگوار مرحوم طبرسی صاحبِ تفسیر مجمع البیان در کتاب کنوز النجاح گفته است: این دعا، دعایی است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به ابوالحسن محمد بن احمد در کاظمین که از ترس جان به آنجا پناه برده بود (چون تحت تعقیب ظالمین قرار گرفته بود) تعلیم داده و به برکت این دعا وی نجات یافت. حضرت فرمود: این گونه بگو «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ...». راوی می گوید: وقتی حضرت به جمله «یا صاحب الزمان» رسید، به سینه مبارکش اشاره نمود.(۳)

فَرَج به معنای گشایش و حل مشکل و رخاء پس از شدت است. در این باره نیز دعاهای زیادی وارد شده است؛ مانند« لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيم...»،(۴) دعای «يَا

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲- ابن مشهدی، المزار الکبیر، ص ۵۹۱.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۷۵.

۴- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۸۴.

مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيل...»،(۱) دعای «يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْ ء...»،(۲) دعای « يَا مَنْ لَا يُسْتَحْيَا مِنْ مَسْأَلَتِه...»(۳) و... .

البته این چنین نیست که همه این دعاها به ظهور مربوط باشد، بلکه برای حل مشکلات و باز شدن گره هاست. دعای مورد بحث نیز در همین دایره قرار دارد و برای فرج و رهایی شخص ویژه ای بیان شده است.

اما دو نکته درباره این دعا دارای اهمیت است:

۱. بالاترین مشکل، غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که شایسته است برای رفع این مشکل با دعایی که حضرت آموزش داده اند، به درگاه الهی استغاثه کنیم.

۲. این دعای شریف به ما می آموزد که برای نجات از کید و مکر دشمنانِ بد طینت، از امام زمانمان غافل نشویم و توجه داشته باشیم که صاحب و پناهی داریم و او ملجأ و مأوای ماست.

نکته پایانی این است که این دعای شریف مراحل زیر را در رسیدن به خواسته در بر دارد:

۱. بیان مشکل

خدایا گرفتاری بزرگ شد، و پوشیده آشکار گشت، (یعنی مشکل آنقدر بزرگ است که قابل پوشاندن نیست) و پرده کنار رفت و امید قطع شد و زمین تنگ شد، و خیرات آسمان دریغ گشت.

۲. اقتضای ادبِ بندگی این است که شکوه و مشکل خود را به درگاه الهی عرضه کنیم. خداوند متعال به حضرت عزیز وحی نمود: «ای عزیر! هنگامی که در گناه واقع شدی، پس به کوچکی آن نگاه نکن، بلکه به کسی که گناه و معصیت او را انجام می دهی، نگاه کن و هنگامی که رزقی به تو داده شد به کمی آن نگاه نکن، بلکه به

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۵۵۲.

۲- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۵۱.

۳- ابن طاووس، المجتنی من الدعاء المجتبی، ص۴.

کسی که آن را به تو هدیه نموده است(خداوند)، نگاه کن و هنگامی که مشکل و مصیبتی بر تو وارد شد، به بندگان من شکوه و گلایه نکن، همان گونه که من هنگام بالا آمدن بدی ها و رسوایی هایت نزد فرشتگانم از تو شکوه نمی نمایم».(۱)

در این دعا هم می گوییم: کسی که از او کمک گرفته می شود، فقط تویی و شکوه فقط به سوی توست و در سختی و آسانی فقط تکیه گاه تو هستی.

۳. سپس آبرومندان درگاهش، یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آلش را که پیروی از آنان بر ما لازم و واجب است و خداوند معرفت به منزلت و جایگاه رفیع آن ها را نصیب ما نموده، واسطه قرار می دهیم و فرج و گشایش را با قسم به حق آنان از خداوند درخواست می کنیم و این نیز از آداب دعاست.(۲)

۴. در مرحله سوم دو شخصیت عظیم الشأن که مقرب ترین مخلوق به خداوند هستند و همه فیوضات به اذن الهی به آنان می انجامد.(۳) و در دنیا و آخرت همه مخلوقات محتاج عنایت و تفضل آن ها هستند(۴) را مورد خطاب قرار می دهیم و از آنان نصرت و کفایت مشکل را خواستار می شویم.

سرّ اینکه ابتدا به سوی خداوند توجه نمودیم، اقرار و اعتراف و توجه به توحید در همه ابعاد آن است و دلیل اینکه در مرحله بعد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام را مورد خطاب قرار می دهیم، این است که خدای حکیم نصرت و فیض خود را از راه آن ها افاضه می نماید.

۵. سرانجام، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد خطاب قرار می دهیم؛ زیرا هم اکنون حجّت حیّ زمان است و به عنوان خاتم اوصیاء و صاحب شب قدر، فیض الهی از راه وی به ما می رسد.

۱- قطب الدین راوندی، الدعوات، ص ۱۶۹.

۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۱.

۳- نک توبه: ۵۹ و ۷۴ و آل عمران: ۶۱.

۴- بخاری، الصحیح، ج ۳، ص ۲۲۵، کتاب التفسیر، باب ۱۱ از بخش سوره اسراء.

ای مولای من! ای صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب.

دعای «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَهِ»

« اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَهِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِيَهِ وَ صِدْقَ النِّيَّهِ وَ عِرْفَانَ الْحُرْمَهِ وَ أَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَ الِاسْتِقَامَهِ وَ سَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَهِ وَ امْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَهِ وَ طَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَهِ وَ اكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَ السَّرِقَهِ وَ اغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَهِ وَ اسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيبَهِ وَ تَفَضَّلْ عَلَى عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيحَهِ وَ عَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ وَ الرَّغْبَهِ وَ عَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالاتِّبَاعِ وَ الْمَوْعِظَهِ وَ عَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَ الرَّاحَهِ وَ عَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ عَلَى مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَ السَّكِينَهِ وَ عَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَهِ وَ التَّوْبَهِ وَ عَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّهِ وَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَهِ وَ عَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَهِ وَ عَلَى الْغُزَاهِ بِالنَّصْرِ وَ الْغَلَبَهِ وَ عَلَى الْأُسَرَاءِ بِالْخَلَاصِ وَ الرَّاحَهِ وَ عَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَهِ وَ عَلَى الرَّعِيَّهِ بِالْإِنْصَافِ وَ حُسْنِ السِّيرَهِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النَّفَقَهِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَهِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».(۱)

این دعای شریف که به بیان مرحوم کفعمی در البلد الامین از سوی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است، دعایی جامع و سراسر نکته و درس است که راهِ عبودیت و بندگی را به ما می آموزد، به ویژه توجه به آفت ها وآسیب هایی گوشزد شده است که ممکن است در اقشار و اصناف گوناگون موجب تباهی و سقوط گردد.

این دعا حدود بیست و شش موضوع در ابعاد فردی و اجتماعی و با جامعیتی مثال زدنی همه اقشار را در بر گرفته است در این قسمت به برخی از آنها اشاره خواهد

ص: ۵۰

۱- کفعمی، البلد الامین، ص ۳۴۹.

شد:

۱. خدایا توفیق اطاعت، دوری از گناه، صداقت و راستی در نیت، شناخت محرمات را روزیم گردان.

چند نکته

الف) اطاعت و پیروی از کسانی که اطاعتشان بر ما لازم است؛ یعنی خدا و رسول و اوصیای برحقشان(۱)

تنها راه سعادت و رستگاری ماست و حیات و زندگی انسانی ما را در پی دارد.(۲)

قطعاً ریشه و سرچشمه تمام مشکلات ما خروج از این راه است.

ب) گرچه گناه به معنای ترک واجب یا انجام کار حرام است، اما شاید بتوان گفت در اینجا درخواست دوری از گناه به قرینه جمله پیشین، همان انجام محرمات باشد.

ممکن است کسی اعمال صالح مانند نماز و روزه و مانند آن را انجام دهد؛ اما اگر از گناه دوری نکند، همانند کسی است که ساختمانی بسازد، سپس آن را خراب کند، بنابراین امامان معصوم علیهم السلام سفارش کرده اند که جدیت داشته باشید و تلاش کنید و اگر عمل (صالح = مستحبات) انجام نمی دهید، لا اقل گناه نکنید(واجب را ترک نکنید و حرام را انجام ندهید)، چون کسی که بنایی را می سازد و آن را خراب نمی کند، بنایش بالا می رود هر چند کم باشد؛ اما کسی که بنایی می سازد ولی آن را خراب می کند بنایش بالا نمی رود.(۳)

ج) نیت سالم و صادقانه ریشه و اساس عمل را می سازد؛ لذا اگر ذره‌ای ریا و انگیزه های غیر خدایی به عمل وارد شود، تمام عمل را نابود می سازد. حق تعالی فرمود: من بهترین شریک هستم اگر کسی کاری را که انجام می دهد، دیگری را شریک گرداند (همه را به شریک می دهم) و آن را نمی پذیرم.(۴)

۱- نساء: ۵۹.

۲- انفال: ۲۴.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۶.

۴- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۵.

د) سرانجام، برخی در اثر ناآشنایی با واجبات و محرمات، در انجام واجب کوتاهی می کنند و به معصیت گرفتار می شوند یا مرتکب فعل حرام می گردند؛ بنابراین فرمود:

چرا از هر گروهی از مؤمنین طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.(۱)

از سوی دیگر، بر مردم واجب است با مراجعه به عالمان دینی وظایف خود را یاد بگیرند؛ بنابراین، امیرالمؤمنین علیه السلام بر فراز منبر فریاد می زند: ابتدا احکام معامله را یاد بگیرید، سپس تجارت کنید تا گرفتار ربا نشوید.(۲)

۲. ما را با هدایت و صبر واستقامت گرامی بدار.

اگر راهی که ما را به سعادت و کمال می رساند (تمسک به ثقلین)(۳)یافتیم و با همت، تلاش و استقامت آن را به درستی پیمودیم، عزیز و سربلند می شویم وگرنه خوار و ذلیل خواهیم شد.(۴)

این همان چیزی است که هر روز دست کم ده بار در نماز از خداوند متعال درخواست می کنیم(۵)

و اگر در خواسته خود جدی و صادق باشیم، قطعاً راه درست به ما نشان داده خواهد شد(۶)

و پایبندی به حق انسان را آن چنان سربلند و عزیز می کند که فرشتگان بر او نازل می شوند.(۷)

۱- توبه: ۱۲۲.

۲- کلینی، کافی، ج ۵، ص ۱۵۰.

۳- صحیح مسلم یک جلدی ص ۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب ۴، فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام، ح۲۴۰۸. سنن ترمذی (یک جلدی) کتاب المناقب، باب۳۲، مناقب اهل بیت النبی، ح ۳۷۹۷، ص۹۹۲،

۴- شعراء: ۸۷.

۵- حمد: ۶.

۶- عنکبوت: ۶۹.

۷- فصلت: ۳۰.

نکته آخر این است که باید مراقب باشیم تا گناه،(۱) مال حرام(۲)

و حب مقام ما را از راه هدایت خارج نکند و عاقبت به شر نگرداند.(۳)

۳. زبان ما را با سخن درست و حکمت محکم بگردان.

« مردی به محضـر رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم شرفیاب شد و عرض کرد: مرا سفارش نمایید. حضرت فرمود: زبانت را حفظ کن. دوباره عرض کرد: مرا سـفارش نماییـد. حضـرت دوباره همین سـفارش را نمود. برای بار سوم نیز حضـرت همین سفارش را تکرار کرد و سپس اضافه نمود: وای بر تو، آیا چیزی جز سخنان بی مورد مردم را به آتش جهنم می اندازد؟».(۴)

گاهی یک سخن نسنجیده به کلی او را از مقام و منزلتش ساقط می کند.

بر اساس آیات و روایات(۵) ده ها گناه به زبان مربوط می شود. ارزش حکمت نیز تا آنجاست که حق تعالی فرمود:

و به هر کس حکمت داده شود، خیر فراوانی داده شـده است و جز خردمنـدان (این حقایق را درک نمی کننـد و) متـذکر نمی گردند.(۶)

نتیجه سخن اینکه حفظ زبان و استفاده از آن فقط در سخنان درست و حکمت آموز شرط اساسی سعادت دنیا و آخرت است.

۴. دل های ما را با علم و معرفت پر کن.

در ارزش علم همین بس که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

آگاه باشید همانا خداوند جویندگان علم را دوست می دارد(۷) و در قرآن،

۱- روم: ۱۰.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵،ص ۸.

۳- همان، ج ۲۴، ص ۲۶.

۴- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۱۵ بَابُ الصَّمْتِ وَ حِفْظِ اللِّسَان.

۵- حجرات(۴۹): ۱۱ و۱۲؛ همزه(۱۰۴): ۱؛ توبه(۹): ۷۹؛ اسراء(۱۷): ۵۳؛ نور(۲۴): ۱۵؛ المحجه البیضـاء، کتاب آفات اللسان، ج۵، ص ۱۹۰.

۶- بقره: ۲۶۹.

۷- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۰.

نام دانشمندان در کنار نام خدا و فرشتگان به چشم می خورد.(۱)

اما نکته اساسی در اینجا این است که از دیدگاه قرآن چیزی را می توان علم نامید که نتیجه آن خوف و خشیت از خداوند(۲) و در یک کلمه، عبودیت و بندگی او و عشق به محبوب واقعی باشد.

وقتی روح و روان انسان از علمی که نتیجه آن معرفت است، لبریز شد؛ به دنبال آن، اطاعت عارفانه و عاشقانه سراسر وجود او را دربر می گیرد و امور دنیا و آخرتش اصلاح می شود و به بیان نورانی حضرت صدیقه طاهره، زهرای مرضیه علیها السلام خداوند با فضیلت ترین مصلحت را برای چنین بنده ای رقم می زند.(۳)

۵. شکم هایمان را از حرام و شبهه ناک پاک بگردان.

میان جسم و روح رابطه متقابل وجود دارد. جسم به منزله ظرف برای روح است و در این عالم روح ما از راه جسم تغذیه می شود و پرورش می یابد. اگر مال حرام یا شبهه ناک به جسم وارد شود، دیگر نور حق از این جسم به روح نمی تابد و به کوردلی دچار می گردد،(۴)

تا آنجا سقوط می کند که سخن دلسوزانه ولیّ خدا را نمی شنود؛ آن جا که فرمود:

چه مانعی دارد که ساکت شوید و سخن مرا گوش کنید؟ جز این نیست که من شما را به راه هدایت دعوت می کنم، کسی که از من اطاعت کند هدایت می شود و کسی که نافرمانی نماید، هلاک و کافر خواهد شد. شما عموماً امر مرا اطاعت نمی کنید، به سخن من گوش نمی دهید. زیرا شکم های شما از حرام پر شده و به قلب های شما مهر (قساوت) زده شده است.(۵)

۱- آل عمران: ۱۸.

۲- فاطر: ۲۸.

۳- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۲۷.

۴- حج: ۴۶.

۵- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای اباذر! کسی که برایش فرقی نمی کند مال را از چه راهی به دست آورده است، خداوند هم برایش فرقی نمی کند از چه دری او را به جهنم وارد کند.(۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمود:

بدترین مال ها، مالی است که چیزی از آن انفاق نشود و زکات آن پرداخت نگردد.(۲)

۶. دستان ما را از ستم و دزدی باز دار.

وقتی سخن از ظلم و سرقت به میان می آید، چه بسا ظالمان روزگار و دزدان گردنه ها در ذهن تداعی شود، غافل از اینکه هر کس گناه کند، ظالم است و به خود(۳)

و دیگران(۴)

و چه بسا با شرک ورزیدن به خداوند ظلم کرده است.(۵)

کسی که زکات مال خود را نپردازد و مهریه زنان را حلال بشمارد(نپردازد) و از کسی قرض بگیرد، ولی قصد پرداخت آن را نداشته باشد، دزد به شمار می آید.(۶)

۷. چشمان ما را از ناپاکی و خیانت بپوشان و گوش هایمان را از(شنیدن) لغو و غیبت باز دار.

مولای متقیان، علی علیه السلام فرمود:

کمترین چیزی که درباره خداوند بر شما لازم است، این است که از نعمت های او برای نافرمانیش کمک نگیرید.(۷)

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۸۶.

۲- لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص۲۹۳.

۳- فاطر: ۳۲ و یونس: ۲۳.

۴- شوری: ۴۲.

۵- لقمان: ۱۳.

۶- صدوق، خصال، ج ۱، ص ۱۵۳.

۷- نهج البلاغه، حکمت ۳۳۰.

اگر چشم و گوشِ ما ابزاری در دست نفس قرار گیرد و در راه لـذت های حیوانی به کار گرفته شود، مشمول این آیه شریفه می گردد:

به یقین، گروه بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آن ها [عقلها] دل هایی دارند که با آن (اندیشه نمی کنند، و) نمی فهمند و چشمانی که با آن [حقایق را] نمی بینند و گوش هایی که با آن نمی شنوند، آن ها همچون چهارپایانند بلکه گمراه تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند).(۱)

مشکل اصلی اینجاست که اگر چشم و گوش خود را از محرمات به ویژه نامحرم و غیبت محافظت نکنیم، اولاً سرمایه های معنوی خود را بر باد خواهیم داد و ثانیاً، از چشم آیت بین و گوش حق شنو محروم شده و از پیمودن راه بندگی و رستگاری باز خواهیم ماند.

۸. به علمای ما زهد(رهایی از تعلقات دنیا) و خیرخواهی و به دانش پژوهان، تلاش و علاقه و به شنوندگان، پیروی و پندپذیری عنایت فرما.

اگر علما که عمر خود را برای دین وقف کرده اند و از چشمه سار قرآن و عترت حقایق نوشیده اند، خود را از آفت بزرگ دنیازدگی حفظ کنند و پیوسته خیرخواه مردم به ویژه شاگردان خود باشند و شاگردانشان نیز از این فرصت نهایت بهره را ببرند و با عشق، علاقه، پشتکار و جدیت کوله بار علم و معرفت خود را پر نمایند و مردم نیز در اطاعت و پیروی و پندپذیری از آنان، کوتاهی نکنند، جامعه گلستان خواهد شد و از آفت های مادی و معنوی در امان مانده و سعادت و خوشبختی در انتظارشان خواهد بود، وگرنه ... .

۹. بر بیمارانِ مسلمانان شفا و راحتی و بر مردگانشان مهربانی و رحمت [عنایت فرما].

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

مؤمنان در نیکی، مهربانی و عطوفت نسبت به یکدیگر همانند بدن

۱- اعراف: ۱۷۹.

هستند. اگر دردی بگیرد، بقیه اعضا با بیداری و تب یکدیگر را برای [کمک به] او فرا می خوانند.(۱)

پس مؤمن نمی تواند در برابر درد و مشکل دیگران بی تفاوت و بی درد باشد، بلکه درد و مشکل مؤمنان دیگر را از خود جدا نمی داند و با دعا برای شفای بیماران و طلب رحمت و مغفرت برای رفتگان و اقدام عملی به اندازه توان خود در این باره، حق خود را ادا می کند.

۱۰. بر کهنسالانمان وقار و آرامش و بر جوانانمان روی آوردن به خدا و توبه و بر زنانمان حیا و پاکدامنی را [عنایت فرما].

وقار به معنای عظمت و بردباری و در برابر خفت و سبکی است و مراد از آن عمل بر اساس خرد و فرزانگی است و آرامش نیز نتیجه ایمان و یاد خداست. وقتی کهنسالان این دو ویژگی را داشته باشند، الگوی نیکویی برای جوانان و نوجوانان خواهند بود.

نیرو و قدرت جوانی، غلبه احساس بر عقل و وسوسه های نفسانی و شیطانی پیوسته جوان را در معرض انحراف و دوری از حق قرار می دهد. در چنین شرایطی توجه به خداوند و توبه و بازگشت به سوی او در صورت لغزش، از زیباترین حالت هایی است که می تواند در زندگی جوان به وجود آید و او را در سایه رحمت الهی قرار دهد. رسول رحمت صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرمود:

در روزی که هیچ سایه ای جز سایه رحمت او نیست، هفت گروه هستند که خداوند آنان را تحت سایه خود قرار می دهد: جوانی که در عبودیت و بندگی خداوند رشد کند... .(۲)

اما حیا و پاکدامنی زیباترین لباس بر اندام مسجود ملائک است، بلکه انسان بودنِ

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۴.

۲- همان، ج ۲۶، ص ۲۶۱.

انسان، در گرو همین ویژگی است(۱) و کسی که حیا ندارد ایمان ندارد.(۲)

اما این لباس بر اندام زن زیباتر و ضروری تر است؛ زیرا فرزندانی که در چنین زمینی می رویند که به حیا و عفاف آراسته است، ثمره پاکی و سعادتی است که در وجود آن ها به بار خواهد نشست. به همین دلیل است که در معجزه جاویدان الهی قرآن، از مریم علیها السلام(۳) و دختر حضرت شعیب(۴)

تجلیل شده است.

همچنین، اگر معاویه فرزند یزید با پدران خود تفاوت دارد راز آن در همین نکته نهفته است که مادرش متفاوت بوده است.

اگر خدای ناکرده زنان جامعه فاسد شوند، هیچ ارزش و خیر و صلاحی برای آن جامعه، باقی نخواهد ماند. اکنون راز این مسأله مشخص می گردد که چرا غرب با تمام نیرو به وسیله هنر به سرقت حیا و عفاف جوانان به ویژه زنان روی آورده است.

۱۱. بر ثروتمندانمان، تواضع و وسعت و بر فقرا صبر و قناعت را [عنایت فرما].

دنیا همچون مدرسه است و دانش آموزانِ آن همه انسان هایی هستند که وقتی به مرتبه بلوغ برسند، در این مدرسه ثبت نام می کنند و در کلاس سعادت و فلاح و خوشبختی حاضر می شوند. آزمون های زیادی مانند بیماری و سلامت، قدرت و ضعف، زیبایی و زشتی، برخورداری از نعمت و محرومیت از آن و... از سوی آفریدگار حکیم و به وسیله آموزگاران خبیر و دلسوز یعنی حجت های الهی در راه سعادت و طی درجات رشد و تعالی، انجام می گیرد.

یکی از این آزمون ها، آزمون فقر و غناست.

۱- مفضل بن عمر، توحید مفضل، ص ۷۹.
۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۶.
۳- تحریم: ۱۲.
۴- قصص: ۲۵.

اگر خداوند به کسی مال داده، به این معنا نیست که او را بیش از دیگران دوست داشته است و اگر به کسی کمتر داده، به این معنا نیست که بر او غضب کرده است. بلکه هر دو در جهت امتحان است تا در پی سربلندی در این آزمون به درجات بالاتر صعود نمایند و البته آزمون ثروت بسی مشکل تر از فقر است.

اگر ثروتمندان، قارون گونه رفتار نکنند، با ثروت به غرور و تکبر دچار نشوند، خود و هر آنچه را که دارند، از خدا بدانند، با فقیران متواضعانه برخورد نموده و به یاری آن ها بشتابند و اگر فقیران برای رفع نیاز خود، به خفت و خواری تن ندهند، و وظیفه ای که در راه کسب مال حلال دارند انجام دهند، امور خود را به خدای حکیم بسپارند و با مرکب صبر و قناعت به پیش بروند، قطعاً خیر و صلاحِ دنیا و آخرت را به دست خواهند آورد.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

در شگفتم از کار انسان مسلمان که خداوند هیچ حکمی برای او رقم نمی زند، جز اینکه برایش خیر است؛ هر چند با قیچی قطعه قطعه شود، برایش خیر است و اگر مالک شرق و غرب عالم شود، نیز برایش خیر است.(۱)

۱۲. بر رزمندگان نصرت و پیروزی و بر اسیران رهایی و راحتی را [عنایت فرما].

یکی از وظایف و واجبات مهم دینی، دفاع از دین و ارزش ها و ایستادگی در برابر هجوم دشمن است که در قرآن از این حقیقت با عنوان جهاد فی سبیل الله یاد شده و به جرقه ای که از برخورد سم اسب با سنگ در دل شبِ تاریک ایجاد می شود، قسم خورده شده است؛(۲)

زیرا حامل مجاهدی است که برای مبارزه با دشمن به پیش می تازد.

دعا برای پیروزی مجاهدان فی سبیل الله و رهایی رزمندگانی که در چنگال

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۲.

۲- عادیات: ۲.

دشـمن اسیر شده اند، وظیفه همه مؤمنان به ویژه کسانی است که به دلیل عذر شرعی توفیق حضور در میدان های نبرد را نیافته اند.

۱۳. بر دولتمردان عدالت و دلسوزی و بر مردم انصاف و عملکرد نیکو [عنایت فرما].

قـدرت به خودی خود، بی رحمی، سنگ دلی و خودخواهی را به دنبـال دارد. یـاد خـدا و قیامت و توجه به اینکه قـدرت یک آزمون و فرصتی برای خـدمت است و نه نشـانه برتری و با عبرت گرفتن از فرعون می توانـد در راه عـدالت و خـدمت به مردم حرکت کنـد، آن چنـان که راحتی و آسـایش خود را برای راحتی و آسـایش مردم فـدا کنـد. و با قرار گرفتن در سایه رحمت الهی(۱)

به سعادت هر دو دنیا دست یابد.

و اما نکته مهم این است که اگر حتی حاکم معصومی چون علی بن ابی طالب علیه السـلام در رأس امور قرار گیرد، ولی مردم اهـل انصـاف، بصـیرت، اطاعت و پیروی از حـاکم عـادلِ خـود نباشـند، جـامعه بـه هرج و مرج دچـار می گردد. رنـج نـامه امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه گواهی بر صدق این ادّعاست.(۲)

بنابراین، قرآن حکیم بر این مطلب تاکید می کند که مردم باید برای به پا داشتن عدل و داد به پاخیزند.(۳)

۱۴. و زاد و توشه حاجیان و زائران را خیر و برکت عطا فرما و حج و عمره ای را که بر آنان واجب نموده ای، کامل کن،(۴) به فضل و رحمتت ای مهربا ن ترین مهربانان.

شاید بتوان گفت یکی از دشوارترین کارها پس از جهاد در راه خدا، حج و عمره است؛ به ویژه کمبود امکانات در زمان قدیم و نا امنی راه ها گاهی سبب می شد، همه

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۱.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۷ و ۹۷و کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۹.

۳- حدید: ۲۵.

۴- تعبیری که در دعـا آمـده است: «وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ...است و در کتاب لسان العرب درباره واژه «قضاء» چنین آمـده است: «و كلُّ ما أُحْكِم عمله أَو أُتِمَّ أَو خُتِمَ أَو أُدِّيَ أَداء أَو أُوجِبَ أَو أُعْلِمَ أَو أُنْفِذَ أَو أُمْضِيَ فقد قُضِيَ»؛ (ابن منظور، لسان العرب، ۱۵، ۱۸۶).

پول و سرمایه حاجی تمام شود یا به سرقت برود، از سوی دیگر اعمال حج، دقیق و مشکل است و انجام کامل و درستِ آن با توجه به اسرارِ آن، کار ساده ای نیست، به همین دلیل دعا برای آنان امری ضروری و نشانه ایمان دعاکننده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

دعای مؤمن پشت سر برادر مؤمنش، موجب فراوانی رزق و برطرف شدن امور ناپسند می گردد.(۱)

و امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه ((وَ یَسْتَجِیبُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ یَزِیدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ))(۲) می فرماید:

مقصود مؤمنی است که پشت سر برادر مؤمنش دعا می کند، فرشته بر دعایش آمین می گوید و خداوندِ شکست ناپذیر و بلند مرتبه می فرماید: و برای تو دو برابر آنچه که برای برادر مؤمنت خواستی خواهد بود و به خاطر اینکه او را دوست داشتی، خواسته تو برآورده شد.(۳)

آیت الله جوادی آملی در کتاب امام مهدی، موجود موعود از این دعا با عنوان وظایف منتظران در آینه دعای مهدوی سخن می گوید و در دو محور وظایف شخصی، اجتماعی و سیاسی وظایف منتظران را تبیین می نماید؛(۴)

زیرا حقیقت انتظار حرکت در راهی است که این دعا ترسیم نموده است.

مقام معظم رهبری(دام ظله العالی) در این باره می فرمایند:

انتظار ایجاب می کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خُلقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خُلق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است. وقتی بناست در آن دوران، منتظَر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد،

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، کتاب الدعاء، باب الدعاء للاخوان.

۲- شوری:۲۶.

۳- همان.

۴- جوادی آملی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، ص ۲۰۰.

عبودیت خدا باشد - یک چنین دورانی قرار است باشد - ما که منتظر هستیم، باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می آورد.(۱)

دعای عهد

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

کسی که چهل صبح خداوند را با این عهد بخواند، از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و اگر پیش از ظهور از دنیا برود، خداوند او را از قبرش بیرون خواهد آورد (به اذن الهی رجعت خواهد نمود) و خداوند برای هر کلمه ای از این دعا هزار حسنه عطا خواهد نمود و هزار سیئه را از وی خواهد زدود و آن دعا این است: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیم... الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ، یَا صَاحِبَ الزَّمَان».(۲)

چند نکته

الف) دعاهایی همانند دعای عهد

دعایی در تعقیب نماز صبح از ناحیه مقدسه صادر شده است که هم ابتدا و هم فرازهای زیادی از متن آن مانند دعای عهد است، ولی موضوع آن مهدویت نیست، ابتدا و انتهای آن چنین است: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیم...أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ رِزْقاً وَاسِعاً حَلَالًا طَیِّباً وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّی کُلَّ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ أَنْ تُعْطِیَنِی مَا أَرْجُوهُ وَ آمُلُهُ إِنَّکَ

۱- بیانات مقام معظم رهبری(دام ظله العالی) در دیدار استادان و دانش پژوهان مرکز تخصصی مهدویت و بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۸/۴/۱۳۹۰.

۲- ابن مشهدی، مزار کبیر، ص۶۶۳.

عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیر».(۱)

دعای سومی نیز وجود دارد که به موضوع توحید می پردازد و آغاز آن مانند دعای عهد است، همچنین مستحب است این دعا هنگام افطار خوانده شود.

« اللَّهُمَ رَبَ النُّورِ الْعَظِیمِ وَ رَبَّ الْکُرْسِیِّ الْوَاسِع....وَ اجْمَعْ لَنَا خَیْرَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِین».(۲)

دعای « اللَّهُمَ بَلِّغْ مَوْلَایَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْه» در واقع خلاصه دعای عهد است و همانند دعای عهد، بهتر است پس از نماز صبح امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را با آن زیارت کنیم.(۳)

آغاز و پایان آن به این صورت است:

« اللَّهُمَ بَلِّغْ مَوْلَایَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَنْ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، .... اللَّهُمَّ هَذِهِ بَیْعَهٌ لَهُ فِی عُنُقِی إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَه».

ب) یک اربعین با دعای عهد

واژه «صبح» و «صباح» به معنای اول روز است(۴) و ظاهر تعبیرِ امام که فرمودند: «اربعین صباحا»، این است که این دعا چهل روز پشت سر هم خوانده شود.

قطعاً چهل روز متوالی با خداوند عهد و پیمان بستن در اطاعت و پیروی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آثار ارزشمندی را به دنبال دارد. تجدید این عهد و تکرار این اربعین، انسان را از لغزش و انحرافِ از راه ولایت و امامت نجات می دهد و دوری از بد عاقبتی را در پی خواهد داشت، ان شاء الله.

ص: ۶۳

۱- طوسی، مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- همان، ۲۶۴.

۳- ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۶۶۲.

۴- راغب اصفهانی، مفردات، ص۴۷۳.

ج) آیا فقط با خواندن دعای عهد می توان یکی از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شد؟

بنابر آنچه گذشت، دعا یعنی سخن گفتن ما با خداوند. طبعاً لازم است بدانیم چه می گوییم و این عهد و پیمانی که به آن متعهد می شویم، چیست؟ آن هم عهد وثیق و محکمی که متعهد می شویم تا پای جان به آن پای بند باشیم و می گوییم:

خدایا من در ابتدای این روز و همه روزهایی که بر من گذشته است، عهد و پیمان و بیعتش را که بر عهده دارم، تجدید می نمایم آن چنان که از آن روی برنگردانم و هیچ گاه از آن جدا نشوم.

در ادامه این ادعا از خداوند می خواهیم که:

...خدایا مرا از کسانی قرار بده که از او دفاع می کنند و در برآوردن خواسته های او شتاب می کنند و دستوراتش را اطاعت می نمایند... .

آیا در راه زندگی خود، خواسته های مولا و صاحبمان را بر خواسته خودمان مقدم می داریم؟! و در پی عمل به دستوراتش هستیم؟

اگر کسی به این عهد و پیمان پایبند باشد، قطعاً از یاران حضرت خواهد شد، سلمان به همین دلیل «منّا اهل البیت» شد. از امام صادق علیه السلام پرسیدند علت اینکه از سلمان زیاد یاد می کنید، چیست؟ امام فرمود: به خاطر سه ویژگی؛ اولین آن این بود که: «إِیثَارُهُ هَوَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی هَوَی نَفْسِه» خواسته حضرت علی را بر خواسته خودش مقدم می داشت.(۱)

روایت های زیادی (۲) به روشنی بیان می کند که اگر کسی در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت قدم بماند، «منّا اهل البیت» خواهد شد. امام کاظم علیه السلام می فرماید:

خوشا به حال پیروان ما کسانی که در دوران غیبت قائم ما به ریسمان ما چنگ بزنند، و بر ولایت ما و برائت و دوری از دشمنانمان ثابت قدم

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص ۳۳۰، باب ۳۲، ح ۱۵ و باب ۲۵، ح۲ و ح ۸ و باب ۲۶، ح ۱۴ و باب ۳۱، ح ۲ و ۷ و ج۲، باب ۳۴، ح ۵.

بمانند، آن ها از مایند و ما از آن ها هستیم... .(۱)

د) دعای عهد در یک نگاه

در مجموع می توان دعای عهد را در هفت بخش بررسی کرد:

بخش اول:« اللَّهُمَّ رَبَ النُّورِ الْعَظِیمِ،...یَا حَیّاً[حیُّ] لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

بیان مجد و عظمت خداوندِ حیّ منان و ویژگی هایش، متناسب با موضوع دعا یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بخش دوم:« اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِیَ الْمَهْدِیَّ،...وَ أَحْصَاهُ کِتَابُهُ».

درخواست ابلاغ درود و سلام بی پایان از سوی همه مؤمنین و مؤمنات عالم به محضر مولایمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بخش سوم: «اللَّهُمَّ إِنِّی أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَهِ هَذَا الْیَوْمِ،... و الْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْهِ».

تجدید عهد و پیمان با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در اطاعت و پیروی از او تا پای جان و شهادت در رکاب حضرتش.

بخش چهارم: « اللَّهُمَّ وَ إِنْ حال بَینی و بَینهُ الْمَوْتُ...مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدَّاعِی فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِی».

درخواست رجعت در صورت مردن پیش از ظهور و لبیک به ندای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

بخش پنجم: «اللَّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ...وَ أَحْیِ بِهِ عِبَادَک».

درخواست توفیق دیدار جمال دلربای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چندین درخواست در راه تعجیل فرج و حرکت در راه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، درخواست یاری خداوند نسبت به ولیّش، آباد کردن شهرها و زنده نمودن [دل های] بندگان به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

دو نکته

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

۱. باز یا بسته بودن باب ملاقات

بـا توجه به اهمیت موضوع ملاقـات و اظهار نظرهای متفاوت در این باره که از آسـیب افراط و تفریط در امان نمانـده است، به طور خلاصه و با در نظر گرفتن همه جوانبِ آن، مطالبی بیان خواهد شد:

الف) در دوران غیبت کبرا اصل بر عدم ملاقات است؛ چرا که اقتضای غیبت همین است.(۱)

ب) قطعاً تا به حال افرادی به خاطر قرار گرفتن در شرایط اضطراری و توسّل به حضرت یا به خاطر طهارت نفس، محضر ایشان مشرّف شده اند؛(۲)

ولی:

اوّلاً، این تشرّفات به اذن و اختیار خود حضرت بوده نه آنان؛

ثانیاً، در اغلب این موارد، هنگام تشرّف حضرت را نشناخته اند؛

ثالثاً، آن که را اسـرار حق آموختنـد، مهر کردند و دهانش دوختند. بنابراین، ملاقات کنندگان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ ادعایی در این باره نداشته‌اند.

ج) تشـرّف به محضـر حضرت، نعمت بزرگ الهی است و آرزوی هر شیعه ای است؛ اما ما مأمور به تلاش برای دیدن حضرت نیستیم، بلکه مأمور به تقرّب به او هستیم با انجام واجبات ،ترک محرّمات و رعایت آداب و اخلاق اسلامی.(۳)

۲. ظهور برای احیای دل ها و عمران عالم

نکته مهم این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف برای عمران و آبادی عالم و احیای دل هایی می آید که از یاد خدا دور شده اند، نه برای کشتن افراد.

اگر درباره ایشان سـخن از قیام با شمشـیر و کشـتن مطرح شـده است، دقیقاً در جهت همین احیا و آبادانی است؛ ماننـد طبیب ماهری که برای درمان بیمار خود تیغ

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۴.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۵۳.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶ به بعد.

تیز جراحی نیز دارد تا هرگاه یک غدّه چرکین، زندگی بیمارش را تهدید کرد، آن را از میان بردارد.

برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با ظالمان و مستکبرانی است که زالوصفت به جان مردم افتاده و از هیچ ظلم و ستمی دریغ نمی کنند و با زبان موعظه نیز به راه عدالت قدم نمی گذارند.

مطلب آخر اینکه گاهی گفته می شود که دو سوم مردم کشته می شوند. اولاً این مربوط به قبل از ظهور است و ارتباطی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ندارد و ثانیاً، در فهم روایات اشتباهی صورت گرفته است، زیرا مراد، دو سوم مردم کل دنیا نیست، بلکه دو سوم کسانی است که با هم می جنگند، به عبارت دیگر الف و لام در واژه «الناس» عهد است نه الف و لام جنس.

تعبیرات دیگری مانند: نُه دهم مردم(۱) نیز آمده، طبیعی است اگر مراد، دو سوم یا نُه دهم مردم کل دنیا باشد، وقتی بیش از پنج میلیارد از هفت میلیارد مردم بمیرند، طبعاً بقیه نیز بر اثر عدم امکان دفن، و شیوع وبا و بیماری های دیگر، در طول کمتر از چند روز خواهند مرد. البته تفصیل مطلب مجال دیگری را می طلبد.

بخش ششم: «فَإِنَّکَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسادُ ....وَ اجْعَلْهُ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِین».

در این قسمت ظلم و فساد موجود در عالم مورد توجه قرار می گیرد که بر اثر کارهای بد مردم، همه جهان را فراگرفته است. بنابراین، از خداوند ظهور را درخواست می کنیم و با ذکر نسب حضرت، اقدامات و برنامه های ایشان در جهت نابودی باطل و احیای حق، به داد مظلومان و بی پناهان رسیدن، تجدید احکام بر زمین مانده قرآن، بر افراشتن پایه های بر زمین افتاده دین و سنت پیامبر بزرگ خدا و درخواست محفوظ ماندن ایشان از گزند دشمن بیان می شود.

۱- نعمانی، الغیبه، ص۲۷۴.

بخش هفتم: «اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيَّکَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرُؤْيَتِهِ ...إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَراهُ قَرِيباً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

در بخش پایانی بـا بیـانی لطیف، ظهور حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف درخواست می گردد و از خداونـد می خواهیم تا به درمانـدگی ما که به دلیل غیبت حضـرت ایجاد شـده، رحم کند و غم و گرفتاری را با آمدن ایشان بر طرف کند. در جمله پایانی به یکی از آسـیب های دوران انتظار اشاره می شود و آن، این است که زمان تحقق وعـده الهی را دور بـدانیم؛ بنابراین، با وجود آنکه نباید برای ظهور، زمان تعیین کرد، ولی هر صبح و شام باید منتظر ظهور و آماده باشیم(۱)

و به بیان امیرالمؤمنین علیه السلام در امر ظهور به افراط و تفریط دچار نشویم؛ چنانچه فرمود: «نسبت به آنچه که قطعی و متوقع است، شتاب نکنید و آنچه را که فردا خواهد آورد، دیر مشمارید».(۲)

و سرانجام، بـا زدن دست بر پـای خود، عجز و درمانـدگی خود را اعلام نموده و خطـاب به مولایمـان می گوییم: مولاـ جان! شتاب نما، شتاب نما، شتاب نما.

نکته: گذاشتن دست بر سر و زدن دست بر پا به ویژه در بین عرب به معنای استغاثه و فریادخواهی است.

زیارت آل یس

محمـدبن عبـدالله بن جعفر حمیری می گویـد: نامه ای از ناحیه مقـدسه که خداونـد آن را محفوظ بدارد، صادر شد که پس از بیان مسائلی نوشته بود: «بسم الله الرحمن الرحیم. نه درباره امر خـدا تعقل می کنیـد و نه از اولیائش می پذیرید. حکمت رسای الهی است؛ اما انـذارها مردمی را که ایمـان نمی آورنـد، فایـده نمی بخشـد، سـلام بر ما و بر بنـدگان صالـح خـدا هنگامی که خواستید به وسیله ما به خدا و خود ما توجه نمایید، بگویید آنگونه که خدای متعال فرموده است: « سَلَامٌ عَلَى آلِ يس....آمِينَ يَا ذَا

ص: ۶۸

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».(۱)

نکات

الف) تفاوت نقل احتجاج با نقل المزار

دو نقل که تفاوت عمده ای با هم دارند، برای این توقیع بیان شده است. یکی، نقل احتجاج است که نسبتاً مختصر و با اتقان بیشتر است؛ ولی متأسفانه اسناد در این کتاب حذف شده است. از سوی دیگر متن مزار، مفصل تر و با سند جامع است؛ ولی در متن آن کمی اضطراب وجود دارد. شایان ذکر است که هر دو نقل از طریق محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری رسیده است.

مرحوم علامه مجلسی در جلد ۵۳ بحارالانوار، صفحه ۱۷۳ نقل احتجاج را و در جلد ۹۱، صفحه ۳۶ نقل مزار را و در جلد ۹۹، صفحه ۹۲ نقلی شبیه به نقل مزار بیان کرده است.

ب) حرکت در راه قرآن

قرائت این زیارت در واقع عمل به سفارش قرآن است، بر اساس آنچه که در مقدمه کتاب توضیح آن گذشت، خداوند متعال در آیاتی مانند سوره نساء، آیه ۶۴ ، سوره مائده، آیه۳۵ و سوره اعراف، آیه ۱۸۰ راه و روش ارتباط با خود را بیان کرده است. امام زمان باب الله و سبیل الله است که از راه او می توان به توحید راه پیدا کرد.(۲)

ج) مراد از آل یس

مراد از «یس» بر اساس روایات متعدد، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است، چنانچه «طه» نیز به همین معناست و منظور از «آل یس و آل طه» نیز قطعاً اهل بیت

۱- طبرسی، احتجاح، ج ۲، ص ۴۹۳ و ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۵۶۷.

۲- برای تحقیق بیشتر ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ صدوق، توحید، ص ۲۵؛ مجلسی، بحارالانوار، ج۳، ص۲۷۷.

ایشان علیهم السلام می باشند.(۱)

اما نکته ای که در این توقیع وجود دارد، این است که می فرماید: «بگویید همان گونه که خداوند فرموده است: سلام علی آل یس...». تعبیر «سَلامٌ عَلی إِلْ یاسین» که در قرآن آمده است،(۲) ظاهر آیه با توجه به شواهد و قرائن موجود در آیاتِ قبل از آن، حضرت الیاس علیه السلام است؛ ولی روایت های وارد شده در ذیل آن نشان می دهد که مراد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشند.

دلیل این شیوه بیان که ظاهر آیه حضرت الیاس یا خانواده او و حقیقت آن اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باشند را شاید بتوان در بیان نورانی امام علی علیه السلام یافت که صیانت قرآن از تحریف بوده است.(۳)

یعنی همان دلیلی که اقتضا می کرد آیه اکمال دین در بین آیه ۳ مائده و آیه تطهیر در بین آیات مربوط به همسران پیامبر قرار داده شود، اینجا نیز اقتضا می کند که فضیلت اهل بیت علیهم السلام به این صورت بیان گردد.

از بیان امام رضا علیه السلام استفاده می شود که تعبیر سلام بر اهل بیت در قرآن منحصراً درباره اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است و لاغیر.(۴)

د) زیارت آل یس در یک نگاه(نقل احتجاج)

بخش اول: تقدیم سلام

در ابتدای این دعا در مجموع حدود چهل سلام (با تفکیک سلام ها) بیان شده که در بیش از نیمی از آن به لقب های حضرت و در نیم دیگر به حالت های گوناگون ایشان اشاره شده است.

۱- عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۱.

۲- صافات: ۱۳۰.

۳- عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۴، ص ۴۳۱.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۶۷.

لقب ها:

دَاعِیَ اللَّه: دعوت کننده به خداوند. کار امام و هدف اصلی ظهور دعوت به عبودیت خالصانه خداست ((یَعْبُدُونَنی لا یُشْرِکُونَ بی شَیْئاً)).(۱)

رَبَّانِیَّ آیَاتِه: عارف و آگاه به آیات الهی.(۲)

بَابَ اللَّه: راه رسیدن به خداوند، واسطه فیض الهی.

دَیَّانَ دِینِهِ: قاضی و داور دین خدا. صاحب لسان العرب می گوید: از برخی از گذشتگان از حضرت علی سؤال شد گفت: او بعد از پیامبر خدا، دیان این امت بود؛(۳) مقصود این است که دین خدا به دست اوست.

خَلِیفَةَ اللَّهِ: جانشین خدا، کسی که از سوی خداوند امر هدایت و امور عالم به او سپرده شده است.

نَاصِرَ حَقِّهِ: یاری کننده حق خداوند. حق خداوند عبودیت محض و خالصانه او و شناخت اوست، همچنانکه شایسته است تا شناخته شود.

حُجَّةَ اللَّهِ: حجت و دلیل و برهان الهی، کسی که خداوند به وسیله او بر خلق احتجاج می کند که با در اختیار قرار دادن چنین امام معصوم و نعمت عظیم و بی نظیرش چه کرده اند؟(۴)

دَلِیلَ إِرَادَتِه: راهنمای خواست الهی. با توجه به مقام والای عصمت، امام معیار حق و راه شناخت خواست خداست.(۵)

تَالِیَ کِتَابِ اللَّه: تلاوت کننده قرآن، یا عدل و همتای قرآن،(۶) یا پیروی کننده از

۱- نور: ۵۵.

۲- الرَّبَّانیُّ المُتَأَلِّه، العارِفُ باللّه تعالی، الرَّبَّانِی العالم الرَّاسِخُ فی العِلم و الدین (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۴).

۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۶۶.

۴- نک: نساء: ۱۶۵ وصافات: ۲۴ و تکاثر: ۸.

۵- نعمانی، الغیبه، ص ۷۲.

۶- «تِلْوُ الشی ء: الذی یَتلُوه»؛ (همان، ۱۴، ۱۰۲).

کتاب خدا.(۱)

تَرْجُمَانَهُ: تفسیرکننده و تبیین کننده قرآن. در توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شده، تعبیر «تَراجِمه وَحیِك» آمده است. « اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّهِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ،...وَ تَرَاجِمَهِ وَحْيِك...».(۲)

واژه «تراجمه» جمع «ترجمان» است. به تعبیر دیگر، امام نسخه عینی قرآن و تجسم حقیقت آن و در یک کلمه قرآن ناطق است.(۳)

بَقِيَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ: [حجت] باقی مانده از سوی خدا بر زمین، حجت حیّ الهی.(۴)

مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَهُ وَ وَكَّدَه: پیمان خدا که آن را گرفته و محکم کرده است. به کار رفتن تعبیر «میثاق الله» درباره امام نهایت اهمیت پیمانی را نشان می دهد که خداوند از مردم، درباره ولایت و امامت گرفته است، همان گونه که در قرآن کریم از امامت به «عهد» تعبیر شده است.(۵)

وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمِنَه: وعده خدا که خود آن را ضمانت نموده است.(۶)

الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ: پرچم برافراشته. در زیارت جامعه کبیره تعبیر «اعلام الهدی» آمده؛ یعنی ستون ها و نشانه های هدایت.

الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ: دانش ریزان. کنایه از فراوانی علم امام است که چون متصل به علم الهی است، بی نهایت و پایان ناپذیر است.(۷)

الْغَوْثُ: فریادرس. امام مغیث و فریادرس مظلومان است؛ اما به کار رفتن مصدر به جای وصف برای نشان دادن تأکید و مبالغه است.

ص: ۷۲

۱- تَلا إذا اتَّبع، فهو تالٍ أی تابع(همان).

۲- ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۶۶۸.

۳- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۴.

۴- هود: ۸۶.

۵- بقره: ۱۲۴.

۶- نور: ۵۵ و فتح: ۲۸.

۷- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۲۲.

الرَّحْمَهُ الْوَاسِعَهُ: رحمت گسترده. در حدیث قدسی لوح سبز، از امام زمان با عبارت «رحمه للعالمین» یاد شده است.(۱)

الْإِمَـامُ الْمَـأْمُونُ: امامی که امین [اسـرار الهی] است. در توقیع صادر شـده از ناحیه مقـدسه در اعمال ماه رجب، تعبیر «الْمَأْمُونَ عَلَی سِرِّک» در وصف اهل بیت علیهم السلاماَمده است.(۲)

الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُول: پیشوایی که مورد آرزوست. همه مستضعفان عالم آرزوی دیدن و ظهورش را دارند.

سلام به حالت های گوناگون حضرت یا در زمان های گوناگون:

سلام بر تو، آن گاه که به پا می ایستی. یعنی آن زمانی که قیام می کنی و حق را به تمام معنا به پای می داری.

سلام بر تو، آن گاه که می نشینی. کنایه از زمان غیبت امام است که در پس پرده مأموریت های الهی خود را انجام می دهی.

سلام بر تو، آن گاه که [قرآن را] قرائت می کنی. و به تبیین و تفسیرش می پردازی.(۳)

سلام بر تو، آن گاه که به نماز می ایستی و [دست به] قنوت می گیری.

سلام بر تو، آن گاه که به رکوع و سجده می روی.

سلام بر تو، آن گاه که «لا اله الا الله» و «الله اکبر» می گویی.

سلام بر تو، آن گاه که خدا را حمد و ستایش می نمایی و طلب مغفرت می کنی.

سلام بر تو، آن گاه که صبح و شام می کنی.

سلام بر تو، در شب آن گاه که تاریکی اش همه جا را فرا می گیرد.

سلام بر تو، در روز آن گاه که روشنایی اش فراگیر می شود. آیه ((وَ النَّهارِ إِذا

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۸.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۵، ص ۳۹۳.

۳- نحل: ۴۴ و مزمل: ۲۰.

تَجَلَّی))(۱) به دوره قیام حضرت تأویل شده است.(۲)

و سرانجام می گوییم: سلام بر تو، به همه سلام ها؛ یعنی سلامی به همه فضائل و ویژگی ها و حالت های ایشان.

بخش دوم: عرضه اعتقادات و گواه گرفتن حضرت نسبت به آن

اعتقاد به یکتائی خداوند و نفی هر گونه شریک برای او.

اعتقاد به رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اینکه هیچ محبوبی برای خدا جز ایشان و اهل بیت طاهرش علیهم السلام نیست.

به همین دلیل ما نیز باید مودت و محبت این خاندان را با همه وجود با خود داشته باشیم.

اعتقاد به ولایت و امامت دوازده امام که اولین امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرینشان خاتم اوصیا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ گواهی می دهیم که اول و آخر خلقت ایشان هستند.

همان گونه که در زیارت جامعه کبیره می گوییم: خداوند خلقت را با شما آغاز نمود و با شما پایان می دهد.

اعتقاد به رجعت اهل بیت علیهم السلام و اینکه هیچ شکی در تحقق آن وجود ندارد، در این دوره رجعت افرادی که بی ایمان از دنیا رفته اند، یا در حیات خود عمل صالحی انجام نداده اند، دیگر برای آن ها سودی نخواهد داشت.

اعتقاد به اینکه مردن، سؤال نکیر و منکر در قبر، زنده شدن و بر انگیخته شدن پس از مرگ، صراط، مرصاد و کمینگاه، میزانِ [عدالت] ، محشور شدن، محاسبه اعمال، بهشت و جهنم و وعده و وعید به آن، همه و همه، حق و باور من است.

بخش سوم: اقرار به نوع رابطه خود به عنوان ماموم با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۱- لیل: ۲.

۲- عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۸۸.

خطاب به ایشان می گوییم: مولا جان! کسی که به مخالفت با شما برخیزد شقی و بدبخت و کسی که از شما پیروی نماید، سعادتمند خواهد شد.

مولا جان! نسبت به آنچه که شما را به آن گواه گرفتم، گواهی دهید که من دوست شما و بیزار از دشمنانتان هستم.

حق آن چیزی است که شما آن را پسندیده باشید و باطل آن چیزی است که مورد خشم شما باشد.

کار نیک آن کاری است که شما به آن امر نمایید و منکر و ناپسند آن چیزی است که شما از آن نهی کنید.

سپس اعتقاداتی که پیش از این به آن اقرار کردیم به طور خلاصه تکرار می کنیم و سرانجام می گوییم برای یاریتان آماده ام و دوستیم خالصانه از آن شماست.

نکته: اوج وقله زیارت آل یس

شاید بتوان گفت مهم ترین بخش این زیارت، این فراز باشد:

«فَالْحَقُّ مَا رَضِیتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْکَرُ مَا نَهَیْتُمْ عَنْه».

قرار گرفتن افرادی مانند طلحه و زبیر و عایشه به عنوان همسر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین افرادی که پیشانی آن ها از فرط سجده های طولانی پینه بسته بود در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام، سبب شد تا عده ای درباره حضرت به شک و تردید دچار شوند. اصبغ بن نباته می گوید: حارث همدانی با تعدادی از شیعیان به محضر امیرالمومنین علیه السلام آمد و عرضه داشت: عده ای از یارانتان درباره شما به شک و تردید دچار شده اند، پدر و مادرم فدایتان باد! این شک را از ما بر طرف نمایید و حقیقت را برایمان روشن سازید.

حضرت فرمودند: «کافی است. تو حقیقت را اشتباه گرفته ای! دین خدا را با قدر و منزلت شخصیت ها (مثل زبیر و طلحه و..) نمی توان شناخت، بلکه دین خدا را باید با

نشانه حق شناخت. حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را بشناسی». سپس مسائلی را بیان نمودند که نتیجه آن این است که امام، معیار تشخیص حق از باطل است.(۱)

به بیان دیگر، نه فقط امام بر حق است، بلکه مهم تر این است که امام معیار و میزان حق است و به نقل فریقین این کلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمود: «الْحَقُّ مَعَ عَلِی».(۲)

هرگز کار امام را با آنچه که خود از حق می دانیم، نسنجیم. همان خطایی که بنی اسرائیل مرتکب شدند.(۳)

یکی از مشکلات بزرگ هنگام ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همین است که عده ای که از معرفت لازم برخوردار نیستند، از گرد امام جدا شده و با قرآن به جنگ با حضرت می روند؛(۴) زیرا به گمان خود کار امام را با قرآن و حق مخالف می بینند و آنچه را که امام می داند، نمی دانند.

همان گونه که از نگاه حضرت موسی علیه السلام با توجه به آنچه که او می دانست، کار حضرت خضر علیه السلام یعنی سوراخ کردن کشتی، قبض روح پسر بچه و تعمیر دیوار، باطل و خلاف حق بود؛ اما وقتی که حضرت خضر علیه السلام بیان نمود که آنچه را که انجام داد، از پیش خود نبوده بلکه به فرمان خدای حکیم و رحیم بوده و از اسرار پشت پرده آن سخن گفت، حضرت موسی علیه السلام دریافت که این کارها نه تنها خلاف حق نبود، بلکه عین حق و لطف و کمک به آنان بود.(۵)

رسیدن به قله معرفتِ امام که «حق آن چیزی است که شما آن را پسندیده باشید و باطل آن چیزی است که مورد خشمتان باشد و کار نیک آن کاری است که شما به آن امر نمایید و منکر و ناپسند آن چیزی است که شما از آن نهی نمایید» از بزرگترین

۱- مفید، امالی، ص ۵.

۲- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۴ و فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- بقره: ۶۷.

۴- نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۷ و ۳۱۷.

۵- کهف: ۶۵ تا ۸۲.

نعمت های الهی و مهم ترین ویژگی یاران امام است.

یکی از مهم ترین آثار و برکات این تسلیم در بیان امام باقر علیه السلام این است که در پی تسلیم اهل بیت بودن، خداوند قلب انسان را طیب و طاهر خواهد کرد و در پی آن ولایت و محبت حقیقیِ آنان، دل را فرا خواهد گرفت، اینجاست که نور امام بر سر زمین دل طلوع خواهد نمود و فضای دل را روشن و نورانی خواهد نمود و این نعمت نصیب هر کسی نخواهد شد.(۱)

در ادامه این زیارت، دعایی با مضامین بلند آمده است که می توان آن را در چهار بخش بررسی کرد:

بخش اول: درخواست نور

پس از درود و صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر رحمت و کلمه نور خدا، از خداوند درخواست می کنیم:

قلب ما را از نور یقین،

سینه ما را از نور ایمان،

فکر ما را از نور نیت ها،

عزم و اراده ما را از نور علم،

توان ما را از نور عمل،

زبانمان را از نور صداقت و راستی،

دینمان را از نور بصیرت ها از سوی خودت،

چشممان را از نور روشنی،

گوشمان را از نور حکمت،

و دوستیمان را از نور ولایت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل محمد علیهم السلام لبریز نما تا آن گاه که تو را ملاقات کنیم، درحالی که به عهد و پیمان خود وفا نموده و رحمتت ما را در برگیرد،

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

يَا وَلِيُّ يَا حَمِيد!

حقیقت این نـور چیست؟ مـا نمی دانیم؛ ولی این قـدر می تـوان گفت که هـویت، سـعادت و نجـات مـا در گرو این نور است. هرکس بهره بیشتری از این نور داشته باشد، مقام و منزلت او نزد حق تعالی بالاتر است.

این همان نوری است که در روایت بالا از کتاب کافی بیان شـد که همه از آن بهره منـد نخواهـد شـد (وَ يَحْجُبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نُورَهُمْ عَمَّنْ يَشَاءُ فَتُظْلِمُ قُلُوبُهُم) بلکه کسانی که تسـلیم دربرابر اهل بیت علیهم السـلام باشـند، قلبشان به وسـیله خداونـد تطهیر شـده، آنگاه شایسـتگی پـذیرش محبت و ولایت محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم و آل محمد علیهم السـلام را می یابند. در نتیجه، نور خورشـید فروزان اهل بیت علیهم السـلام در قلب آن ها پدیـدار می شود و این انسان خاکی را آن چنان ارزشـمند و قیمتی خواهد کرد که فرشتگان افتخار خدمت گزاری آنان را خواهند یافت و بهشت بی تاب حضور آن ها خواهد شد.

آری، این همان نوری است که در قیامت، منافقان و کسانی که ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام را نداشتند،(۱)

از مؤمنان درخواست می کنند؛ زیرا نجاتشان در گرو این نور است، اما آن ها در پاسخ می گویند که این نور را باید در دنیا به دست می آوردید.

«روزی که مردان و زنان منافق به مؤمنان می گویند: نظری به ما بیفکنید تا از نور شما پرتوی برگیریم! به آن ها گفته می شود: به پشت سر خود بازگردیـد و کسب نور کنیـد! در این هنگام دیواری میان آن ها زده می شود که دری دارد، درونش رحمت است و برونش عذاب!».(۲)

بخش دوم: درخواست درود و صلوات بر ایشان از سوی خداوند با تصـریح به نام حضـرت مهدی صلی الله علیه و آله و سلم و بر شمردن حدود هجده لقب ایشان.

نام خاتم اوصـیا که هم نام خاتم انبیاست، در این زیارت به صـراحت بیان شده است. از سوی دیگر، روایت های زیادی بر این اساس وجود دارد که تصریح با نام ایشان

۱- عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۴۱.

۲- حدید: ۱۳.

جایز نیست.(۱)

شاید بتوان گفت که تصریح به نام حضرت مهدی صلی الله علیه و آله و سلم نزد دیگران به دلیل رعایت نکات امنیتی برای حفظ جان امام لازم و واجب بوده است؛ اما آنگاه که خداوند متعال را مخاطب قرار می دهیم و از حجت او را یاد می کنیم و برایش دعا می نماییم و با این کار ارادت و محبت خود را نشان می دهیم، قضیه متفاوت خواهد بود.

سپس این لقب ها را برمی شماریم: خدایا درود فرست بر «محمد»(حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف): حجّت تو در روی زمینت، جانشین تو در شهرهایت، دعوت کننده به راهت، به پای دارنده عدل و دادت، انقلاب کننده به فرمانت، سرپرست مؤمنان، هلاک و نابودی کافران، بر طرف کننده تاریکی، روشن کننده حق، گوینده حکمت و راستی، کلمه کامل تو بر زمینت، در حال انتظار و هراس، سرپرست خیرخواه، کشتی نجات، پرچم هدایت، نور دیدگان مخلوقات، بهترین کسی که لباس و ردا بر تن نمود، از بین برنده کوردلی، کسی که زمین را از عدل و داد لبریز می نماید، همان گونه که از ظلم و ستم لبریز شده است. إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ.

نکته: مراد از تعبیر «الْمُرْتَقِبِ الْخَائِف» به معنای کسی که در حال انتظار و ترس است، چیست؟

این تعبیر در قرآن درباره حضرت موسی علیه السلام به کار رفته است که تحت تعقیب ماموران فرعون بود. خداوند می فرماید:

«موسی از شهر خارج شد، در حالی که ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه ای؛ عرض کرد: پروردگارا! مرا از این قوم ظالم رهایی بخش!».(۲)

امام حسین علیه السلام نیز که تحت تعقیب مأموران فرعون زمانش، یزید، بود با ترنم همین آیه از مدینه به سوی مکه خارج شد.(۳)

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲- قصص: ۲۱.

۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۳۲.

حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز که تحت تعقیب فرعون زمان سـفیانی است، از مـدینه خارج شده و به سوی مکه می رود؛ در حالی که این آیه را بر لب دارد.(۱)

قطعاً ایـن ترس، ترس از جـان نیست، زیرا آنـان شـیفته شـهادت در راه خـدا هسـتند، و از آنجـا که مـأموریت بزرگی از سـوی خداونـد برعهـده دارنـد و جانشان در خطر است، از سوی خداونـد مأموریت دارند که نهایت مراقبت را از خود بنمایند تا وقت موعود و عملی ساختن فرمان الهی فرا رسد.

بخش سوم: دعا برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

پس از صـلوات بر [حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان] ولیّ خدا و فرزند اولیای الهی که خداوند پیروی از آنان و حقشان را بر ما واجب کرده و آنان را از هرگونه رجس طیب و طاهر نموده است (یعنی معصوم از هر گناه، سهو، نسیان و هرگونه امر ناپسند)، می گوییم:

خـدایا! او را یاری و به وسـیله او دینت را یاری نما، و به واسـطه اش اولیای خودت و اولیای او وپیروان و یارانش را یاری نما و ما را از آنان قرار ده.

خدایا! او را از شرّ هر تجاوزگر و طغیانگر و از شرّ همه مخلوقاتت پناه ده و از مقابل و پشت سر و سمت راست و سمت چپ او را محافظت فرما، و نگهبانش باش و از اینکه به او آسـیب و گزندی برسد، نگه دار و رسولت و خاندان رسولت را در وجودش حفظ نما(یعنی همچنان زنده و سالم نگه دار تا راه رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم و اهل بیت طاهرش علیهم السـلام به وسیله وی ادامه یابد).

عدالت را به وسـیله او آشـکار گردان و با یاریت او را کمک کن، و یارانش را یاری نما و خوارکنندگانش را خوار و شکننده اش را در هم شـکن، و سـتمگران کفر را به دست او نابود نما و به وسیله او کفار و منافقین و ملحدین را در هر کجای عالم که باشند، در خشکی یا دریا، همه، را به قتل برسان و به واسطه او زمین را پر از عدالت نما و دین پیامبرت که

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰.

درود و سلام تو بر او و خاندانش باد، آشکار گردان.

بخش چهارم: دعا در حق خود

خدایا! مرا از یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش قرا ده و آنچه را که آرزوی خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم بود و آنچه را که دشمنانشان از آن می ترسیدند (نابودیشان)، به من نشان ده. إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِين.

دعای ندبه

چند نکته

نکته اول: سند دعای ندبه

مرحوم سید بن طاووس در کتاب ارزشمند اقبال، در بخش اعمال عید سعیدِ فطر باب ۲۳ بدون اشاره به سند این دعا می فرماید: «دعای دیگری پس از نماز عید است که در عیدهای چهارگانه خوانده می شود»،(۱) سپس دعای ندبه را بیان می کند.

او در کتاب مصباح الزائر به نقل مرحوم علامه مجلسی، سند آن را این چنین بیان نموده است: «ثُمَّ قَالَ السَّيِّدُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْه ذَكَرَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي قُرَّةَ نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ دُعَاءَ النُّدْبَةِ وَ ذَكَرَ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ وَ هُوَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِين...».(۲)

صاحب مزار نیز سند این دعا را این گونه یادآور می شود: «قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي قُرَّةَ: نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَا الدُّعَاءَ، وَ ذَكَرَ فِيهِ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَجِّلَ فَرَجَهُ

۱- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۵۰۴.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۴.

وَ فَرَجَنَا بِهِ، وَ یُسْتَحَبُّ أَنْ یُدْعَی بِهِ فِی الْأَعْیَادِ الْأَرْبَعَهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِین...».(۱)

همان طور که ملاحظه می شود هر دو سند یکی است و مراد از عبارت «بعض اصحابنا» در مصباح الزائرِ سید ابن طاووس، مرحوم ابن مشهدی است.(۲)

رجال این سند:

«ابو الفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره قنائی» معاصر نجاشی و از رجال شیعه است و در کتب رجال توثیق شده است».

نجاشی می گوید:

ثقه است و زیاد شنیده و زیاد نوشته است، چند کتاب دارد: کتاب عمل یوم الجمعه، کتاب عمل الشهور، و کتاب معجم رجال ابی مفضل، و کتاب التهجد. و اجازه همه کتبش را به من داده است.(۳)

و اما «ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بن بَزَوفری» از مشایخ مرحوم شیخ مفید بوده، در معجم رجال در شرح حال وی می گوید: «روی عن احمد بن ادریس و روی عنه ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان(المفید)و الحسین بن عبد الله و شیخ طوسی وی را در مشیخه تهذیب در طریقش به احمد بن ادریس آورده است».(۴)

مرحوم شیخ مفید روایت های زیادی از وی نقل کرده و برای او طلب رحمت نموده است.

شیخ طوسی در امالی می گوید: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ،[المفید] قَالَ: أَخْبَرَنِی أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَیْنِ الْبَزَوْفَرِیُّ».(۵)W

اشکال: مرحوم بزوفری این دعا را از خود معصوم اخذ ننموده است و روایت مرسل

ص: ۸۲

۱- ابن مشهدی، مزار کبیر، ص ۵۷۳.

۲- صافی گلپایگانی، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۳۲.

۳- رجال نجاشی، ص ۳۹۹.

۴- خوئی، معجم الرجال، ج ۱۶، ص ۹.

۵- طوسی، امالی، ص ۵۶ و ۱۶۷.

به شمار می آید.

پاسخ: حضرت آیت الله صافی گلپایگانی این شبهه را این چنین پاسخ داده اند که «اطمینان حاصل است که این دعا در کتاب بزوفری با سند بوده است و پس از اینکه از کتاب او نقل شده است، مسامحه سند آن را نقل نکرده اند و یا اینکه آن قدر معروف و مشهور بوده است که بزوفری هم خود را از ذکر سند آن بی نیاز شمرده است».(۱)

نکته مهم این است که این دعا آن چنان از نظر محتوا غنی و هماهنگ با قرآن و سنت قطعی است که ما را از بررسی سندی بی نیاز می نماید.

باید یادآوری کرد که در سند، تصریحی به اینکه این دعا از کدام معصوم است، نشده. ظاهر عبارت «أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» که در کتاب «بزوفری» آمده، این است که از ناحیه مقدسه صادر شده است، هرچند شاید کسی بگوید از این تعبیر استفاده می شود که موضوع این دعا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اما اینکه این دعا از کدام معصوم است، از این عبارت چیزی نمی توان دریافت.

ولی مرحوم علامه مجلسی در کتاب زاد المعاد تصریح می کند که این دعا از امام صادق علیه السلام است:

و اما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقّه و تأسف بر غیبت حضرت قائم، به سند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند؛ یعنی در روز عید فطر، روز عید قربان، روز غدیر و روز جمعه.(۲)

نکته دوم: مشروعیت گریه و انواع آن

به مناسبت این که نام این دعا ندبه و گریه است و همچنین گریه منتظران در فراق امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بهتر است درباره گریه نکاتی بیان گردد:

یکی از نعمت های بزرگ الهی گریه است. مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار

۱- صافی گلپایگانی، فروغ ولایت در دعای ندبه، ص ۳۴.

۲- مجلسی، زاد المعاد، ص۳۰۳.

بیش از سی روایت در فضیلت گریه ذکر می کند.(۱)

در بیان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، نداشتن اشک و اهل گریه نبودن از نشانه های شقاوت و بد بختی است.(۲)

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

هر چیزی وزن و پیمانه ای دارد، مگر اشک ها؛ پس همانا یک قطره اشک، دریایی از آتش[خشم خدا] را خاموش می کند.(۳)

همچنین امام علیه السلام فرمود:

هر چشمی روز قیامت گریان است مگر سه چشم، چشمی که از حرام پوشیده شود و چشمی که در پیروی از خدا بیدار بماند و چشمی که در دل شب از خوف خدا بگرید.(۴)

در بیان دیگری ایشان می فرمایند: «خداوند علیّ اعلی به حضرت موسی علیه السلام وحی نمود: ای موسی! بندگان من به من نزدیک نمی شوند به چیزی که محبوب تر باشد نزد من از سه خصلت: بی رغبتی به دنیا، دوری از گناه و گریه از خوف من».(۵)

همچنین امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

هیچ قطره ای نزد خداوند محبوب تر نیست از قطره اشکی در دل شب از خوف خداوند که هدفی جز خدا نداشته باشد.(۶)

در قرآن نیز از گریه شوق به دلیل شناخت حق ((تَری أَعْیُنَهُمْ تَفیضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَق))(۷) و گریه به دلیل نداشتن چیزی برای انفاق در راه خدا ((وَ

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۸.

۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳- همان، ص ۴۸۱، باب البکاء.

۴- همان، ص ۴۸۲.

۵- همان.

۶- همان.

۷- مائده: ۸۳.

أَعْيُنُهُمْ تَفيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَناً أَلاَّ يَجِدُوا ما يُنْفِقُون))(۱) تجلیل شده است.

همچنین خداوند در قرآن کریم از گریه پیامبر خدا حضرت یعقوب علیه السلام به خاطر فراق فرزندش، حضرت یوسف علیه السلام، تا حد نابینا شدن سخن می گوید؛ و بنابر یک اصل مسلم میان علمای فریقین، اگر قرآن مطلبی را بیان نمود و از آن انتقاد نکرد، به معنای تأیید آن است؛ زیرا قرآن کتاب تاریخ نیست که به نقل هر مطلبی بپردازد، بلکه کتاب هدایت و سعادت است.

انواع گریه

گریه دارای انواعی است که ممدوح یا مذموم بودن آن به هدف و انگیزه آن بستگی دارد. در آیات و روایات گریه های زیر ستایش شده است:

۱. گریه از خوف خداوند؛(۲) مخفی نماند که گریه از خوف خداوند روی دیگر سکه عشق به خداوند است؛ هرچه محبت به چیزی یا کسی بیشتر باشد، ترس از جدایی و از دست دادن او بیشتر خواهد بود.

امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام در دعای نورانی کمیل از سختی و غیر قابل تحمل بودن عذاب الهی ناله سر می دهد که این عذاب عذابی است که آسمان ها و زمین نمی توانند آن را تحمل کنند. سپس می گوید: ای خدای من و ای سید و مولا و پروردگار من! گیرم چنین عذابی را تحمل کنم، اما چگونه فراق و دوری تو را تحمل نمایم«فَهَبْنِی یا الهِی وَ سَیِّدِی وَ مَوْلایَ وَ رَبِّی صَبَرْتُ عَلی عَذابِکَ، فَکَیْفَ اصْبِرُ عَلی فِراقِکَ».(۳)

به این ترتیب باید بدانیم که بالاترین خوف از خداوند را چهارده معصوم علیهم السلام دارند؛ زیرا آنان از بالاترین عشق به خداوند برخوردارند و چنین خوفی از زیباترین و

۱- توبه: ۹۲.

۲- اسراء: ۱۰۹.

۳- ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ۳، ص ۳۳۵.

شیرین ترین حالت های عبد در برابر مولی و معبود اوست.

۲. گریه به خاطر ارتکاب گناه؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ای علی! خوشا به حال صورتی که خداوند به آن نگاه کند، در حالی که به خاطر گناهی گریه می کند که احدی جز خدا از آن مطلع نیست». (۱)

۳. گریه شوق به دلیل یافتن و شناخت حق؛(۲)

۴. گریه حزن و اندوه به دلیل عدم توان یاری حق؛(۳)

۵. گریه برای مصائب اهل بیت علیهم السلامبه ویژه مصائب امام حسین علیه السلام؛

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار، باب « ثواب البکاء علی مصیبته(امام حسین علیه السلام) و مصائب سائر الأئمه علیهم السلام»، ۳۸ روایت در فضیلت این گریه نقل نموده است. در حدیث اولِ این باب امام رضا علیه السلام می فرماید:

هرکسی مصائبی را که بر ما وارد شده است، یاد کند و گریه کند، در روز قیامت با ما و در درجه ما خواهد بود و کسی که مصائب ما برایش گفته شود و گریه کند یا بگریاند، در روزی که چشم ها همه گریان خواهد بود، چشم او گریان نخواهد بود. (۴)

۶. گریه به دلیل غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

بنابر گزارش مفصل سدیر صیرفی، گریه جانسوز امام صادق علیه السلام برای فراق و غیبت امام مهدی صلی الله علیه و آله و سلم و سختی های دوران غیبت برای شیعیان، شگفت انگیز است که همانند مادر جوان از دست داده ناله می زند و می گرید. (۵)

به نقل از حسن ابن محبوب، امام رضا علیه السلام به من فرمود:

به ناچار فتنه ای سخت و هولناک خواهد بود که در آن هر صمیمیّت و

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۶۳.

۲- مائده: ۸۳.

۳- توبه: ۹۲.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۵- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۲.

دوستی ساقط گردد و آن هنگامی است که شیعه سومین از فرزندان مرا از دست بدهد و اهل آسـمان و زمین و هر دلسوخته و انـدوهناکی بر وی بگرید (مقصود وفات امام حسن عسـکری علیه السـلام است که پس از آن غیبت امام دوازدهم علیه السـلام اتفاق افتاد)، سـپس (درباره حضـرت مهدی علیه السـلام) فرمود: پدر و مادرم فدای او باد! همنام جدّم و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است و بر او گریبان و طوق های نور است که از شعاع نور قدس پرتو گرفته است و هنگام فقدان «ماء معین» بسیاری از زنان و مردان مؤمن، دلسوخته و متأسّف و اندوهناک خواهند بود.(۱)

۷. گریه عاطفی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگام رحلت فرزند خردسالش، ابراهیم، بسیار گریست.(۲)

اما گریه های زیر مذموم و ناپسند است:

۱. گریه نفاق و دروغ؛(۳)

۲. گریه ذلت به ویژه در برابر مستکبران.

به همین دلیل وقتی ابن زیاد ملعون خطاب به حضرت زینب علیها السلام گفت: کار خدا را با برادر و اهل بیتت چگونه دیدی؟ حضرت بدون کمترین تأثر و گریه ای با نهایت شهامت و اقتدار فرمود:

«مَا رَأَیْتُ إِلَّا جَمِیلا»(۴)

دعای ندبه در یک نگاه

۱. آداب دعا (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ، ...وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً)

در آداب دعا بیان شده است که با نام خداوند و تحمید و تمجید او و صلوات بر

۱- همان، ج ۲، ص ۳۷۰.

۲- طوسی، امالی، ص ۳۸۷.

۳- یوسف: ۱۶.

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۶.

محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آل او انجام گیرد که این امر، در این دعا، به زیبایی به چشم می خورد.(۱)

۲. سپاس به درگاه الهی برای نعمت بزرگ وحی و نبوت و ولایت و امامت (اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ...وَ الْوَسِیلَهَ إِلَی رِضْوَانِکَ).

انسان در نیکوترین سرشت(۲) توسط احسن الخالقین آفریده شد(۳)

و استعداد بالقوه ای در وجود او قرار داده شد که می تواند به اعلی علیین پر بکشد و سعادت و رستگاری دنیا و عقبا را نصیب خود نماید.(۴)

لازمه این امر، وجود انسان هایی برگزیده است که خود در اوج و قله این راه باشند و از همه هواها و تعلقات آزاد بوده و از هرگونه آلودگی، پاک و دارای مقام عصمت باشند تا بتوانند سکان کشتی هدایت را به دست بگیرند و برای سالکان الی الله الگوی کاملی باشند.

خداوند در این باره می فرماید: «به این ها بگو اگر ملائکه (مثل آدمیان) در زمین راه می رفتند و سکونت داشتند، ما از آسمان ملکی را فرود می آوردیم که رسول باشد».(۵)

یعنی اگر فرشتگان نیز در روی زمین ساکن می شدند، حتماً لازم بود از سوی خداوند هادیانی برای آنان فرستاده شود و رابطه بین زمین و آسمان و عالم غیب و شهود پیوسته برقرار باشد. در بیان مرحوم علامه طباطبایی، قید «الارض» بیانگر این ضرورت است.(۶)

در فرازهای ابتدایی این دعا، ویژگی این اولیای الهی به ویژه زهد و بی رغبت بودن به مادیات، و علت این گزینش و اصطفاء که همان وفای به عهد و پیمانی است که با

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۴ و ۴۹۱.

۲- تین: ۴.

۳- مومنون: ۱۴.

۴- توبه: ۲۰.

۵- اسراء: ۹۵.

۶- طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۰۵.

خدای خود بسته اند بیان شده و بر این نکته تاکید می گردد که این حجت های الهی، واسطه درگاه خداوند و راه رسیدن به رضایت و خشنودی حق تعالی هستند.

چنانچه در نکته ششم از بخش اول کتاب بیان شد، خداوند در قرآن کریم درباره راه ارتباط با او و شیوه دعا کردن در آیاتی مانند: نساء: ۶۴، آل عمران: ۳۱، اعراف: ۱۸۰، حج: ۲۷ و... سخن می گوید.

چند نکته در باب عصمت

الف) چهارده معصوم علیهم السلام از بالاترین درجه عصمت برخوردارند؛ زیرا از هرگونه گناه، خطا، سهو و نسیان پاک و منزه می باشند(۱) و در درجه بعد، انبیاء عظیم الشأن الهی قرار دارند.

ب) قطعاً مقام والای عصمت لطف بزرگی از سوی خداوند متعال در حق امامان معصوم علیهم السلام است؛ اما شایستگی آنان باعث شده تا این موهبت بزرگ به آن ها داده شود. تعبیر «اصطفاء» به معنای برگزیدن نیز بیانگر همین مطلب است.(۲)

سؤال: به اعتقاد ما، از همان آغاز ولادت، مقام والای عصمت از سوی خداوند به آنان داده شده بود، پس چگونه می توان گفت شایستگی آن ها سبب دریافت این مقام شده است؟

پاسخ: خداوند علیم و خبیر در علم خود زیباترین و کامل ترین عبودیت و بندگی را در وجود آنان دید؛ بنابراین به دلیل ضرورتِ وجود معصوم، مقام عصمت را از همان ابتدای خلقت به آنان عطا کرد و مردم نیز به خوبی این حقیقت را در میدان عمل در سیره معصومان دریافتند.«وَ عَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفَاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَ قَرَّبْتَهُمْ... »

ج) ریشه و سرچشمه عصمت، علم و آگاهی به حقایق هستی است. علم آنان از دو جهت با علم دیگران متفاوت است؛ یکی از نظر کمّیت و مقدار که علم امامان

۱- احزاب: ۳۳ و مفید، عدم سهو النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۱۵ تا ۳۱.

۲- آل عمران: ۳۳.

معصوم علیهم السلام به جهل آمیخته نیست و آنان مظهر علم الهی هستند و از سوی دیگر، این علم از سنخ علم حضوری و علم به باطن و حقایق عالم است؛ به عبارت دیگر آنان حقایق را می بینند نه اینکه فقط بدانند. این دو ویژگی سبب می شود تا صدور گناه از امام معصوم علیهم السلام با وجود اختیار او ناممکن شود، بلکه فکر گناه به ذهن او خطور نکند.

هم چنان که هر انسانی در زندگی فکر انجام برخی از کارها را به ذهن خود راه نمی دهد؛ مانند سوزاندن خود. و اگر گاهی شنیده می شود که فردی خود را آتش زده، این به دلیل تصور جاهلانه اوست که فکر می کند با این کار راحت می شود!

هر چه آگاهی و شناخت انسان کامل تر باشد، دوری او از گناه و خطا بیشتر می شود، در این میان امام معصوم علیه السلام در اوج این آگاهی قرار دارد و از هر خطا و گناهی پاک و منزه است. بله، چنانچه گذشت، این علمِ جامعِ لدنی، به جهت لیاقت آن ها از سوی خداوند به آنان عطا شده است.

۳. ضرورت وحی و نبوت و خالی نبودن زمین از حجت (فَبَعْضٌ أَسْكَنْتَهُ....فَنَتَّبِعَ آياتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزى).

در این بخشِ از دعا، به پیامبران بزرگ الهی که صاحب دین و شریعت بودند با برشمردن برخی از ویژگی هایشان اشاره شده است.

این پیامبران عبارت است از:

حضرت آدم علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام، حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، و حضرت عیسی علیه السلام.

در ادامه اشاره به چند مطلب ضروری است:

۱. هر کدام از اینان صاحب شریعت بودند.

۲. خداوند برای هر یک از آن ها جانشینانی را قرار داد تا هر کدام بر اساس زمان تعیین شده، از آن دین نگهبانی کنند.

۳. دلیل اینکه زمین هرگز از حجت خالی نیست، موارد زیر است:

الف) دین پابرجا و استوار بماند؛

ب) حجت بر بندگان تمام باشد؛

ج) حق از بین نرود و باطل بر اهل آن دین غلبه نکند؛

د) هیچ کس بهانه‌ای نداشته باشد که بگوید چرا پیامبری برایمان نفرستادی که ما را انذار کند! و راهنمایی برایمان قرار ندادی! که در نتیجه از آیات تو پیروی می کردیم و خوار و ذلیل نمی شدیم!(۱)

با وجود سنت استمرار حجت و هادی در هر زمان، حجت بر همه تمام است و مردم می توانند از هدایت های او بهرمند شوند و در صورت عدم دست‌رسی، باز هم می توانند همانند خورشید پشت ابر از پرتو هدایت های او استفاده کنند.

۴. شریعت خاتم انبیا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. (إِلَى أَنِ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،...وَ مَنْ دَخَلَهُ كانَ آمِناً).

دین اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین از سوی خداوند بر خاتم انبیا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، برای جن و انس فرستاده شد و سرانجام بر همه دین ها غلبه پیدا خواهد کرد و دین واحد جهانی خواهد شد.(۲)

ویژگی های پیامبر خدا در این فراز از دعا

الف) حبیب و برگزیده خداوند، سید و سرور همه مخلوقات، برگزیده از میان برگزیدگان الهی، با فضیلت ترین شخصیتی که از سوی خداوند انتخاب شده، گرامی ترین کسی که خداوند به او اعتماد نموده، و مقدم بر همه پیامبران الهی.

ب) به سوی جن و انس فرستاده شده است و ولایت همه عالم از سوی خداوند به ایشان عطا شده است.

۱- نساء: ۱۶۵.

۲- توبه: ۳۳ و فتح: ۲۸ و صف:۹.

ج) مرکب بُراق(۱)

در اختیار او قرار داده شده و به معراج برده شده است.(۲)

د) علم گسترده به گذشته و آینده از سوی خداوند به ایشان عطا شده است.(۳)

ه) خداوند با القای رعب و وحشت در دل مستکبران، ایشان را یاری نموده و جبرئیل، میکائیل و فرشتگان ویژه الهی او را همراهی می نمودند.(۴)

و) دین او دین واحد جهانی خواهد شد و شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت.(۵)

ز) بهترین مکانِ عالَم یعنی شهر مکه و اولین خانه که برای [عبادت] مردم بنا شد یعنی کعبه معظمه برای او و اهل بیتش، قرار داده شد که مایه برکت و هدایت است و در آن نشانه های الهی از جمله مقام ابراهیم قرار دارد و هر کس در آن وارد شود امنیت خواهد داشت.(۶)

۵. اهل بیت طاهرین پیامبر خدا علیهم السلام. (وَ قُلْتَ: إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ ....وَ الْمَسْلَکَ إِلَی رِضْوَانِکَ).

در این فراز ار دعا، عصمت اهل بیت علیهم السلام با ذکر آیه سی وسوم از سوره احزاب، تاکید می گردد، سپس وظیفه امت در برابر آنان و سرِّ این وظیفه و فلسفه وجودی آن بیان می شود.

آیه تطهیر

این آیه در میان آیات مربوط به همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و در پایان آیه ۳۳ از سوره احزاب قرار دارد، همان طور که آیه اکمال دین و اتمام نعمت در بین آیه سوم از سوره مائده آمده است.

۱- عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۰۰.

۲- اسراء: ۱.

۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۲۳.

۴- آل عمران: ۱۲۵.

۵- توبه: ۳۳ و فتح: ۲۸ و صف: ۹.

۶- بقره: ۱۲۵ و آل عمران: ۹۶ و ۹۷.

شواهد و قرائنی وجود دارد که نشان می دهد این آیه، شأن نزول مستقلی دارد و با آیه پیشین و پسین خود ارتباط ندارد؛ از جمله:

الف) در آیات قبل و بعدِ این آیه(آیات ۲۸ تا ۳۴ این سوره) زبان آیه، زبان تکلیف و درخواست شدید است و به عبارت دیگر «فعل انسان» و تکلیف شدید همسران رسول خدا مطرح شده است، درحالی که در این آیه از «فعل خدا» سخن به میان آمده و زبان آیه، زبان امتنان و اعطا است نه زبان درخواست.

ب) با بیان روشن در روایت های زیادی که در منابع شیعه و اهل سنت وجود دارد، اولاً، این بخش از آیه شریفه دارای شأن نزول مستقلی است و ثانیاً، مراد از اهل بیت علیهم السلام در اینجا افراد ویژه ای هستند، همچنین با صراحت کامل بیان شده که همسران پیامبر مصداق این آیه نیستند؛ در ادامه به این روایات اشاره خواهد شد.

مراد از اهل بیت چه کسانی هستند؟

دو حصر در آیه؛ یعنی واژه «انّما» و تعبیر «عنکم» و تکوینی بودن اراده در این آیه، دلالت بر عصمتِ مخاطبین آیه دارد، در نتیجه به معنای لغویِ واژه اهل بیت توجهی ندارد و همه خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در بر نمی گیرد؛ زیرا اولاً، هیچ کس ادعا ندارد که همه آنان دارای عصمت هستند و ثانیاً، سیره آن ها، عصمتشان را تأیید نمی کند.

نکته جالب توجه این است که در صحیح مسلم همین سؤال از زید بن ارقم پرسیده شد که آیا همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از اهل بیت علیهم السلام هستند یا نه؟ و زید در پاسخ گفت:

لَا وَايْمُ اللَّهِ إِنَّ الْمَرْأَةَ تَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ الْعَصْرَ مِنْ الدَّهْرِ ثُمَّ يُطَلِّقُهَا فَتَرْجِعُ إِلَى أَبِيهَا وَقَوْمِهَا أَهْلُ بَيْتِهِ أَصْلُهُ وَعَصَبَتُهُ الَّذِينَ حُرِمُوا الصَّدَقَةَ بَعْدَهُ؛ نه به خدا قسم! همانا زن مدتی با همسر خود به سر می برد سپس[چه بسا] او را طلاق می دهد و او به نزد پدر و قوم خود بر می گردد. اهل بیت ایشان کسانی هستند که پس از او، صدقه برایشان

حرام است.(۱)

مسلم در صحیح خود در کتاب فضائل الصحابه باب فضائل اهل بیت النبی از عایشه نقل می کند که گفت: صبحگاهان پیامبر خدا خارج شد در حالی که عبایی(مرط مرحل من شعر اسود) بر دوش داشت، پس حسن آمد و او را زیر آن قرار داد، سپس حسین آمد و او را نیز زیر آن قرار داد، سپس فاطمه آمد و او را زیر آن قرار داد، سپس علی آمد و او را زیر آن قرار داد، بعد فرمود: «إِنَّما یُرِیدُ اللَّهُ لِیُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ یُطَهِّرَكُمْ تَطْهِیرا».(۲)

همچنین در همین کتاب در باب فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام از قول سعد ابی وقاص نقل می کند که به معاویه گفت:

...وقتی آیه ((فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُم...)) نازل شد، پیامبر خدا علی، فاطمه، حسن و حسین را فرا خواند و به درگاه الهی عرضه داشت: «اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي».(۳)

ترمذی در سنن خود در کتاب تفسیر ذیل آیه ۳۳ احزاب از قول عمر بن ابی سلمه نقل می کند که وقتی این آیه در خانه ام سلمه نازل شد؛ حضرت، فاطمه و حسن و حسین را فراخواند و آن ها را با کسایی پوشاند و علی پشت سر ایشان بود؛ او را نیز با کسا پوشاند، سپس عرض کرد: خدایا! این ها اهل بیت من هستند، پس رجس را از آنان دور گردان و آنان را پاک و طاهر قرار ده. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا من نیز با آنان هستم؟ حضرت فرمود: أَنْتِ عَلَى مَكَانِكِ وَأَنْتِ عَلَى خَيْرٍ؛ تو سر جایت باش و تو خوب هستی.(۴)

در نتیجه با توجه به این روایات که نمونه ای از ده ها روایت موجود در این باره

۱- صحیح مسلم،(یک جلدی) ص ۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب ۴- فضائل علی بن ابی طالب ح۲۴۰۸.
۲- همان، ص ۹۴۶، ح ۲۴۲۴.
۳- همان، ص ۹۴۰و سنن ترمذی(یک جلدی) ص ۹۸۰، ح ۳۷۳۳، کتاب المناقب، مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴- سنن ترمذی(یک جلدی) ص۸۵۵، ح ۳۲۰۵.

است، مصداق اهل بیت علیهم السلام معین و مشخص شده است.

آیات مودت اهل بیت علیهم السلام

در نکته هشتم از بخش اول کتاب، نکاتی در این باره با این دسته از آیات بیان شد، بر اساس آنچه که در این آیات به ویژه در آیه ۵۷ فرقان آمده، اهل بیت علیهم السلام «سبیل الله» و تنها راه رسیدن به رضوان و خشنودی خداوند می باشند؛ زیرا راهی که خود خداوند قرار داده است، به حکم صریح قرآن راهی جز این نیست، در نتیجه، این فراز از دعا یعنی« فَکَانُوا هُمُ السَّبِیلَ إِلَیْکَ، وَ الْمَسْلَکَ إِلَی رِضْوَانِکَ» که به دنبال سه آیه مودت آمده، در واقع نتیجه گیری از آیات است.

اهل بیت علیهم السلام به دلیل بهره مندی از عصمت، برای بشر شاخص و عَلَم هدایت هستند و محال است کسی بدون تمسک به آنان در راه عبودیت و بندگی گمراه نشود؛ این بیان صریح پیامبر خدا در حدیث ثقلین و مانند آن است که: «مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی أَبَدا».(۱)

۶. ولایت و امامت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام و فضائل و مناقب ایشان

(فَلَمَّا انْقَضَتْ أَیَّامُهُ أَقَامَ وَلِیَّهُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِیاً.... وَ لَمَّا قَضَی نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشْقَی الْآخِرِینَ، یَتْبَعُ أَشْقَی الْأَوَّلِینَ، لَمْ یُمْتَثَلْ أَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی الْهَادِینَ بَعْدَ الْهَادِینَ).

در این فراز با اشاره به سنت الهی در آیه ۷ از سوره رعد براساس وجود «هادی» در هر زمان،(۲) ماجرای غدیر خم تاکید شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جمع خیل

۱- صحیح مسلم یک جلدی، ص۹۴۱، کتاب فضائل الصحابه، باب۴ فضائل علی بن ابی طالب ح ۲۴۰۸؛ سنن ترمذی (یک جلدی)، کتاب المناقب، باب ۳۲، مناقب اهل بیت النبی، ح ۳۷۹۷، ص۹۹۲.

۲- خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هاد» بنابر آن چه که در آیه ۳۵ سوره یونس آمده است، این «هادی» باید ویژگی عصمت را داشته باشد(ر.ک: المیزان، ج۱، ص ۲۷۴، ادامه آیه۱۲۴ سوره بقره) و بر اساس روایات زیادی که در منابع اهل سنت نیز آمده، مراد از «هادی» علی بن ابی طالب علیه السلام است.(ر.ک: قافله سالار، ص۵۱).

عظیم حجاج فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاه»،(۱) سپس در حق او دعا کرد و به درگاه الهی عرضه داشت: خدایا! دوست دار هر که را که او را دوست دارد و دشمن دار هر که را که با او دشمنی کند و یاری نما هر آن کس که او را یاری نماید و خوار گردان هر کس را که او را خوار گرداند.

در ادامه دعا، بیش از سی منقبت از مناقب حضرت علی علیه السلام بیان شده است که هیچ کس در این مناقب شریک و همتای او نیست و قریب به اتفاق این فضائل در صحاح سته اهل سنت آمده است.(۲)

۷. سرّ مخالفت با امیرالمؤمنین علیه السلام با وجود اقرار و اعتراف به فضائل و مناقب بی شمار ایشان (وَ لَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَهُ لَائِمٍ....حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ).

ترجمه این بخش از دعا

سرزنش ملامت کننده او را (از راهش) در راه خدا (و انجام فرمان الهی) باز نمی داشت و خون بزرگان عرب را (که به جنگ با دین خدا برخاسته بودند) به خاک ریخت و دلاورانشان را کشت و با گردن کشان و گرگانشان درافتاد؛ در نتیجه کینه هایی از جنگ بدر و خیبر و حنین از او به دل گرفتند و دشمنیش را در دل خود پنهان نمودند و به جنگ و مخالفت با او بر خاستند تا اینکه با پیمان شکنان (اهل جمل) و زورگویان (معاویه و اصحابش) و خارج شدگان از دین (خوارج) جنگید.

با توجه به نظام قبیله گرایی که در شبه جزیره عربستان حاکم بود، اگر کسی از قبیله ای کشته می شد، همه آن قبیله بدون توجه به حق یا باطل بودن کارِ قاتل، بر

۱- سنن ابن ماجه، کتاب المقدمه، باب فضل علی بن ابی طالب؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب.

۲- ر.ک: صحیح بخاری، کتاب المناقب باب مناقب علی بن ابی طالب با بیش از ۸ حدیث؛ صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، باب فضائل علی بن ابی طالب، با بیش از ۹ حدیث؛ سنن ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام با بیش از ۲۷ حدیث؛ سنن ابن ماجه، کتاب المقدمه، باب فضل علی بن ابی طالب، با بیش از ۹ حدیث.

دشمنی با او متحد و یکپارچه می شدند.(۱)

در جنگ احد سپاه هزار نفری اسلام، مدینه را به سمت احد ترک کرد. وقتی عبدالله ابی رئیس قبیله خزرج در بین راه بازگشت، سیصد نفر از قبیله اش به همراه او برگشتند، با وجود آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنوز در آنجا حضور داشت و سپاه سه هزار نفری دشمن به جنگ با مسلمانان آمده و شهر مدینه در خطر بود.

راز این که خلفا هرگز کسی از دشمنان خدا را نکشتند در همین نکته نهفته بود!

اما امیرالمؤمنین علیه السلام جز خدا و انجام فرمان الهی به چیز دیگری فکر نمی کرد و در جنگ ها دلاورانه و جان بر کف با دشمنان خدا به حکم خدا و در اطاعت و پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می جنگید؛ بنابراین، در هر قبیله ای کسی از دشمنان خدا به دست حضرت کشته شده بود و از سوی دیگرحسادت برخی به فضایل بی مانند حضرت، حقد و کینه آن ها را نسبت به امام علی علیه السلام به دنبال داشت و همین باعث شد تا در پی انتقام برآیند.

۸. انحراف امت اسلام و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام (وَ لَمّا قَضَی نَحْبَهُ وَ قَتَلَهُ أَشْقَی الْآخِرِینَ....أَیْنَ أَعْلَامُ الدِّینِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ).

امت اسلام در پی حاکمیت بیست و پنج ساله خلفا و دور شدن از حقایق دین، و گرایش به دنیاطلبی و از همه مهم تر بی بصیرتی، قدر اهل بیت علیهم السلام را ندانستند و سرانجام امیرالمؤمنین علیه السلام به وسیله شقی ترین فرد یعنی ابن ملجم مرادی به شهادت رسید.

همه این دلایل، سبب شد تا معاویه، یاران اندک امام حسن مجتبی علیه السلام را با وعده های درهم و دینار به سوی خود جذب کند و عده باقی مانده را نیز با شایعه پراکنی و دروغ و نیرنگ علیه امام بشوراند. با کمال تأسف یاران بی بصیرت امام نیز فریب نیرنگ های معاویه را خوردند و به خیمه امام حمله‌ور شدند تا اینکه امام

۱- ر.ک: پور سید آقائی، چشمه در بستر، ص۳۲.

برای بقای حق چاره ای جز صلح نیافت.(۱)

سرانجام بنی امیه قدرت را به طور مطلق در دست گرفت و ظلم به اهل بیت علیهم السلام را به اوج خود رساند و اهل بیت علیهم السلام را یکی پس از دیگری به شهادت رساند.

پس از آن، بنی عباس نیز با مکر و نیرنگ قدرت را در دست گرفت و در ظلم و ستم به اهل بیت علیهم السلام آن چه توانست، انجام داد و سرانجام با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام راهی جز غیبت برای خاتم اوصیا بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی نماند.

توجه: کسی که این فرازهای دعا را می خواند نباید فقط در پی خواندن و تمام کردن دعا باشد، بلکه لازم است به ریشه های این ظلم و ستم و از سوی دیگر، سرچشمه سستی و غفلت مردم در دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام توجه داشته باشد تا خدای ناکرده درباره «حجت حیّ» زمان خود، همانند مردم مدینه و کوفه رفتار نکند و به همه این امور توجه کند که:

الف) بدانیم اهل بیت علیهم السلام خورشید فروزان هدایت و ماه تابان سعادت و ستاره درخشان نجات هستند. آنان به ما هیچ نیازی ندارند، همان گونه که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

«خدا با ماست و هیچ نیازی به غیر او نداریم و حق با ماست، لذا جدایی دیگران از ما، سبب وحشتمان نمی شود».(۲)

سنت الهی این بوده و هست که انسان با آگاهی و شناخت، ولایت اهل بیت علیهم السلام را بپذیرد و با اطاعت از آنان به رستگاری برسد نه با اجبار.

جبهه حق به رهبری حجت های الهی در طول تاریخ پیوسته در پی سعادت بشر بوده اند و حتی برای دشمنان خود بدی نخواسته اند و تا آخرین لحظات راه را با موعظه و مهلت دادن برای هدایت آنان باز می گذاشتند. آری، حجت های الهی و از جمله اهل بیت علیهم السلام، افراد ضعیف و ناتوانی نبودند بلکه به دلیل پایبندی به حق و رشد بشر و

۱- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶، باب ۲۹، ح ۲.

۲- طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۸۵.

نجات او؛ با کرامت، جوانمردی، عفو و گذشت رفتارکردند.

امـا جبهه باطل به رهبری مسـتکبران و دجالان با جنگ سـخت و نرم و با نیرنگ و با تزویر و با تمسک به هر آنچه که آنان را در رسـیدن به هدفشان یاری می کرد، در رسـیدن به قدرت و حفظ آن کوشیدند. از جمله اینکه آب را بر روی جبهه حق بستند و تشنگی کودک شش ماهه را با تیر سه شعبه پاسخ دادند.

در نتیجه با بررسـی خط مشـی دشـمن، پی می بریم که یکی از شـیوه های مهم و نتیجه بخش از سوی آن ها در ضـربه زدن به جبهه حق، «باطـل جلوه دادن حق و حق جلوه دادن باطل» است، در حقیقت آن ها به وسـیله شایعه افکنی، دروغ پردازی، شـبهه افکنی، ایجاد شک و تردید و تزلزل اعتقادی، تفرقه، ایجاد فرقه های مذهبی، حمایت از مدعیان دروغین و...تمام سـعی خود را در جهت خـاموش کردن نور حق به کـار گرفته و می گیرنـد. قرآن نیز دربـاره آن به امت اسـلامی هشـدار لازم را داده است، آنجا که می فرماید: ((يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِؤُا نُورَ اللَّهِ بِأَفْواهِهِم)).(۱)

البته این امر در دوره آخرالزمـان پیچیـدگی خاصـی دارد؛ زیرا ابزار جابجـایی حق و باطـل و فریب دادن مردم بسـیار متفاوت و فراوان است و هوشیاری و بصیرت هرچه بیشتر منتظران را می طلبد.

زراره بن اعین به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

«من در شـگفتم چگونه ممکن است کسـی بـا حضرت قائم بجنگـد با آن امور عجیبی که اتفاق می افتـد، مثل فرورفتن لشـکر سفیانی در زمین و ندای آسمانی! حضرت می فرماید: همانا شیطان آنان را رها نمی کند تا ندا دهد».(۲)

یعنی جبهه باطل، هنرمندانه با ندای خود، در حقانیت ندای اول شک و تردید ایجاد می کند و افراد بسیاری را می فریبد.

۱- توبه: ۳۲ و صف: ۸.

۲- نعمانی، الغیبه، ص ۲۶۵.

پس بر منتظران لازم است با مطالعه عمیق و دقیق و تحلیلی تاریخ، بر بصیرت و تیزبینی خود بیافزایند تا ناخواسته در دام دجالان گرفتار نشوند و از شناخت و یاری به موقع حق باز نمانند؛ زیرا «او گروه زیادی از شما را گمراه کرد، آیا اندیشه نکردید؟».(۱)

از سوی دیگر، سعی کنیم اهل تفکر و تعقل باشیم و ظاهر بینی و زود باوری را از خود دور کنیم و با شنیدن هر خبر یا دیدن آن در فضای مجازی و مانند آن، پیش از هرنوع قضاوتی تحقیق و مصداق این آیه کریمه قرار گیریم که:

((یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلاً سَدیداً)).(۲)

ب) دنیا بخواهد یا نخواهد در امور مادی و معنوی به بن بست خواهد رسید(۳) و سرانجام خواهد فهمید که یگانه راه سعادت دنیا و عقبی روی آوردن به اهل بیت علیهم السلام و حرکت در صراط مستقیم غدیر است. این کلام نورانی امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود: «دنیا پس از چموشی- همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خود داری می کند و آن را برای بچه اش نگه می دارد- به ما روی می آورد». سپس آن حضرت به دنبال این سخن این آیه را تلاوت کرد: «می خواهیم بر مستضعفین زمین منت گذاریم و آن ها را پیشوایان زمین و وارثان آن قرار دهیم».(۴)

این وعده قطعی خداوند در قرآن است؛ ازجمله در آیاتی مثل آیه ۳۳ سوره توبه، آیه ۵۵ سوره نور، آیه ۱۰۵ سوره انبیاء و آیه ۱۲۸ سوره اعراف.

ج) مراقب درآمد و آنچه به زندگی خود وارد می کنیم باشیم تا مال حرام زندگیمان را به تباهی نکشد و ما را از حق جدا نکند؛ همان آسیبی که جامعه منتظر بنی اسرائیل به آن گرفتار شدند و حرص به دنیا سبب شد با تحقق وعده الهی و آمدن موعود، به

۱- یس: ۶۲.

۲- احزاب: ۷۰.

۳- ر.ک: عزیز الله حیدری، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجسم امید و نجات.

۴- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

او کفر بورزند.(۱)

همان طور که منتظران ابا عبدالله الحسین علیه السلام نیز در این دام افتادند و خسران دنیا و عقبی را به جان خریدند تا آن جاکه امام حسین علیه السلام خطاب به آن ها فرمود:

شما امر مرا اطاعت نمی کنید و سخن مرا گوش نمی دهید، زیرا شکم های شما از حرام پر شده است.(۲)

د) وعده الهی را با همه وجود باور داشته باشیم که فرمود:

((یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُم))(۳) و مقهور هیچ قدرتی نشویم و از هیچ چیز و هیچ کس جز خدا نترسیم؛ چراکه حق تعالی فرمود: ((وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنین؛ و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید)).(۴)

زیر بار ظلم نرویم و شعار «هَیْهَاتَ مِنَّا الذِّلَّه» امام حسین علیه السلام را هرگز از یاد نبریم(۵)

وگرنه ذلت دنیا و آخرت را تجربه خواهیم کرد.

آری، گریه و ندبه ندبه خوانِ صبح جمعه باید بر غیرت دینش، بصیرت و ثبات قدمش و همت و تلاشش در یاری حق بیافزاید و این فرازها را زمزمه کند:

و آن گاه که حضرت علی درگذشت و شقی ترین پسینیان که پیروی نمود از شقی ترین پیشینیان، او را کشت. امتثال نشد از دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که درباره راهنمایان دین یکی پس از دیگری فرموده بود و امت پافشاری بر دشمنی آن حضرت نمودند و گرد آمدند برای قطع رحم او و آواره ساختن فرزندانش، جز اندکی از کسانی که وفا نمودند در رعایت کردن حق درباره ایشان. و در نتیجه جمعی کشته و گروهی

۱- بقره: ۸۹ و ۹۶.

۲- مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸.

۳- محمد: ۷.

۴- آل عمران: ۱۳۹.

۵- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۰۰.

اسیر و دسته ای از وطن آواره گشتند...پس بر پاکیزگان از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام درود خدا بر هر دوی ایشان و خاندانشان باد، گریه کنندگان بگریند و بر آن ها زاری کنندگان باید زاری کنند و برای مانند آنان باید اشک ها روان گردد و فریادزنندگان فریاد زنند و شیون کنندگان شیون کنند و خروش کنندگان خروش سر دهند: کجاست حسن؟ و کجاست حسین؟ و کجایند فرزندان حسین؟... .

۹. موعود امم، خاتم اوصیاء، بقیه الله الاعظم (أَیْنَ بَقِیَّهُ اللَّهِ الَّتِی لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَهِ الْهَادِیَهِ، ....أَیْنَ ابْنُ النَّبِیِّ الْمُصْطَفَی، وَ ابْنُ عَلِیٍّ الْمُرْتَضَی، وَ ابْنُ خَدِیجَهَ الْغَرَّاءِ، وَ ابْنُ فَاطِمَهَ الْکُبْرَی).

در این بخش از دعا نوبت به موضوع اصلی دعا، آخرین ذخیره الهی، بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد که با تعبیر «أَیْنَ» در حدود سی فراز، برنامه ها و هدف های ظهورِ حضرت و جایگاه و منزلت ایشان مورد توجه قرار می گیرد و ندبه خوان حزن و غم خود را به خاطر دوری از او ابراز می کند.

آنچه که باید دغدغه ندبه خوان باشد، این است که اگر امام و مقتدای او برای از بین بردن ظلم و ستم، فریاد رسی از مردم، احیاء قرآن و عملی کردن آن و برای مبارزه با طغیان گران می آید؛ پس من نیز باید عشق و ارادت خود را با دوری از ظلم و ستم و پرهیز از گناه و کمک به مظلومان نشان دهم و در راه احیای قرآن و عمل به دستورات آن چنان عمل کنیم که شایستگی خود را برای یاری حضرت ثابت نمایم.

همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْیَنْتَظِرْ وَ لْیَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ کَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَکَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِیئاً لَکُمْ أَیَّتُهَا الْعِصَابَهُ الْمَرْحُومَهُ؛ کسی که قرار گرفتن در گروه یاران حضرت قائم، او را شاد می کند (دوست دارد در زمره یاران ایشان باشد)، پس باید چشم به راه (آمدنش) باشد و اهل ورع و دوری از گناه باشد و خود را به اخلاق نیکو

آراسته نمایـد، در حـالی که منتظر حضـرت است و اگر از دنیـا رفت و حضـرت پس از او ظهور کرد، اجر و پـاداش کسانی را خواهد داشت که در رکاب او هستند، پس تلاش کنید و منتظر باشید، ای گروهی که مورد رحمت(الهی) واقع شده اید.(۱)

در این بخش از سخن، به سه مورد از فرازهایی اشاره می کنیم که به مقام و منزلت امام، می پردازد.

۱. «أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِی مِنْهُ يُؤْتَی»

«باب» در لغت به معنای «در» است، سـپس به معنای رابط و واسـطه و هر چیز یا هر کس که راهِ رسیدن به مطلوب باشد، به کار رفته است، چنانچه در بیان نورانی حضرت رسول آمده است: «أَنَا مَدِينَهُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَهَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا».(۲)

اصبغ بن نباته می گوید:

خدمت حضـرت امیرالمؤمنین علیه السـلام نشسته بودم، ابن کوّاء وارد شد و گفت: یا امیرالمؤمنین معنی این آیه چیست ((لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوابِها؟))(۳)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

ما آن خانه هایی هستیم که خداونـد دسـتور داده از در آن ها وارد شونـد. ما باب اللّه و بیوت او هستیم که باید از در این ها به جانب خـدا رفت. هر که با ما بیعت کنـد و اقرار به ولایت ما نمایـد، از در آن به خانه وارد شـده و هر که با ما مخالفت ورزد و دیگری را بر ما مقدم دارد، از پشت به خانه وارد شد... اگر خدا بخواهد می تواند، خود را به مردم معرفی کند تا

۱- نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۷۸.

۳- « کارِ نیک، آن نیست که از پشتِ خانه ها وارد شوید بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشـید! و از درِ خانه ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید!»؛ (بقره: ۱۸۹).

او را بشناسند و به در خانه اش بیایند؛ ولی ما را ابواب و راه و گذرگاه به در خانه خود قرار داده که از آن درب و گذرگاه باید بیایند. هر کس از ولایت ما روی گردان شود و دیگری را بر ما مقدم دارد، آن ها «عَنِ الصِّراطِ لَناکِبُونَ» از راه خود دور افتاده اند.(۱)

در بیان دیگری حضرت علی علیه السلام درباره همین آیه می فرماید:

مراد از «البیوت» همان خانه های علم است که خداوند آن را نزد پیامبرانش به ودیعت گذاشته است و مراد از «ابوابها» جانشینان آن ها هستند.(۲)

امام باقر علیه السلام نیز درباره این آیه می فرماید:

آل محمد ابواب الله و راه و دعوت کننده به بهشت و جلودار و راهنمایان به آن هستند تا روز قیامت.(۳)

خلاصه کلام این که خدای حکیم نظام اسباب و مسبّبات را در این عالم حاکم کرده است و تنها راهِ تقرب به خود و یگانه راه فلاح و سعادت را پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام و اطاعت از آنان قرارداده است. اگر کسی به هر دلیل این راه را نپذیرد، در درگاه الهی جایگاهی نخواهد داشت؛ همان طورکه ابلیس با وجود شش هزار سال عبادت(۴) از دستور خداوند سرپیچی نمود و به آدم سجده نکرد،(۵) بنابراین از درگاه الهی رانده شد و خسران ابدی را به جان خرید.

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲- همان، ص ۲۴۸.

۳- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۰.

۴- « فَاعْتَبِرُوا بِمَا کَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِیسَ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِیلَ وَ جَهْدَهُ الْجَهِیدَ وَ کَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَا یُدْرَی أَ مِنْ سِنِی الدُّنْیَا أَمْ مِنْ سِنِی الْآخِرَهِ عَنْ کِبْرِ سَاعَهٍ وَاحِدَهٍ فَمَنْ ذَا بَعْدَ إِبْلِیسَ یَسْلَمُ عَلَی اللَّهِ بِمِثْلِ مَعْصِیَتِهِ کَلَّا مَا کَانَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِیُدْخِلَ الْجَنَّهَ بَشَراً بِأَمْرٍ أَخْرَجَ بِهِ مِنْهَا مَلَکاً إِنَّ حُکْمَهُ فِی أَهْلِ السَّمَاءِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِ لَوَاحِد»؛(رضی، نهج البلاغه، خطبه۱۹۲).

۵- عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: «أُمِرَ إِبْلِیسُ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَقَالَ یَا رَبِّ وَ عِزَّتِکَ إِنْ أَعْفَیْتَنِی مِنَ السُّجُودِ لِآدَمَ لَأَعْبُدَنَّکَ عِبَادَةً مَا عَبَدَکَ أَحَدٌ قَطُّ مِثْلَهَا قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنِّی أُحِبُّ أَنْ أُطَاعَ مِنْ حَیْثُ أُرِیدُ»؛ (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۶۲).

۲. «أَیْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِی إِلَیْهِ تَتَوَجَّهُ الْأَوْلِیَاءُ».

«وجه» در لغت به معنـای آن چیزی است که متوجه آن می شونـد و در معـانی ماننـد: آن جهتی از یک شـئ که متوجه آن می شونـد و حـالت خاصـی که جلب تـوجه کنـد و مقـام و منزلت و جایگـاهی که لازم باشـد مـورد تـوجه قرار گیرد، به کـار می رود.(۱)

مرحوم علامه ذیل آیه «وَ یَبْقی وَجْهُ رَبِّکَ»(۲) می گویـد: وجهِ شـئ آن چیزی است که به وسـیله آن با غیر خودش روبرو می شود و وجه درباره خداوند متعال همان صـفات کریمه اوست که بین او و خلقش واسطه است و همه امورات از خلق و تدبیر و امثال آن از راه این اسماء انجام می گیرد.(۳)

«وجه الله» بودن اهل بیت علیهم السلام این معانی را در بر دارد:

الف) یعنی مظهر اتمّ و اکمل اسماء حسنای الهی است و خداوند را به وسیله آن ها می شود شناخت.

علی ای

همای رحمت تو چه آیتی خدا را

دل اگر خداشناسی همه در رخ ع--لی ب-ین

که

به ما سوا فکندی همه سایه هما را

به علی شناختم من، به خدا قسم خدا را(۴)

برای نمونه در قرآن کریم آمده است:

((وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ؛ بگو: عمـل کنیـد! خداونـد و فرسـتاده او و مؤمنـان، اعمـال شـما را می بینند)).(۵)

یعنی همان طور که خداوند سـمیع و بصـیر است، رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم و ائمه طاهرین علیهم السلاممظهر این ویژگی ها هستند و اعمال بندگان را می بینند، همان گونه که

۱- مصطفوی، التحقیق، ج ۱۳، ص ۴۵.

۲- الرحمن: ۲۷.

۳- طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۱۰۱.

۴- از غزلیات شهریار.

۵- توبه: ۱۰۵.

خداوند می بیند.(۱)

ب) یعنی این انوار طیبه، کسانی هستند که واجب است مورد توجه و عنایت امت اسلام قرار گیرند،(۲) مرجع امور باشند(۳) و هنگام توجه به درگاه الهی، اینان را واسطه و شفیع قرار دهند.(۴)

۳. «أَیْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ»

سبب به معنای هر چیزی است که به وسیله آن به غیر خودش راه جویند و متصل شوند.(۵)

بر اساس برهان های عقلی و نقلی که در جای خود ثابت شده است، واسطه و رابطه بین آسمان و زمین و به عبارت دیگر بین عالم غیب و شهود امری اجتناب ناپذیر است، چنانچه در قرآن می فرماید:

((قُلْ لَوْ کانَ فِی الْأَرْضِ مَلائِکَهٌ یَمْشُونَ مُطْمَئِنِّینَ لَنَزَّلْنا عَلَیْهِمْ مِنَ السَّماءِ مَلَکاً رَسُولاً؛ بگو: « (حتی) اگر در روی زمین فرشتگانی (زندگی می کردند، و) با آرامش گام برمی داشتند، ما فرشته ای را به عنوان رسول بر آن ها می فرستادیم!)).(۶)

گرچه اصل بحث درباره این مسأله است که رهنمای هر گروهی باید از جنس خود آن ها باشد، اما سؤال این است که چرا حتی اگر فرشتگان در این عالم ماده ساکن شوند، باید رسولی از سوی خدا برایشان فرستاده شود؟ آنان چه نیازی به رسول دارند؟ تا در مرحله بعد بحث شود که این رسول از جنس خودشان باشد، یا نه!

ص: ۱۰۶

۱- ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص۲۱۹، باب عرض الاعمال؛ حویزی، نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۰۳، ذیل آیه ۱۸۰ سوره اعراف.

۲- «قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی»؛ (شوری(۴۲): ۲۳).

۳- نساء(۴): ۵۹ و۸۳؛ حدیث ثقلین.

۴- تعبیر امام زمان در ابتدای زیارت «آل یس» ناظر به همین اصل بود. «إِذَا أَرَدْتُمُ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَی اللَّهِ وَ إِلَیْنَا فَقُولُوا...»؛(طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۳).

۵- ابن منظور، لسان العرب، ج۱، ص۴۵۸.

۶- اسراء: ۹۵.

مرحوم علامه در این باره می فرماید:

و هذه خاصه الحیاه الأرضیه و العیشه المادیه المفتقره إلی هدایه إلهیه لا سبیل إلیها إلا بنزول الوحی من السماء؛ و این، ویژگی حیات زمینی و زندگی مادی است که نیازمند به هدایت الهی است و هیچ راهی برای آن وجود ندارد جز از راه نزول وحی از آسمان.(۱)

یکی از اسرار مهم این ارتباط و آثار وجودی این «رابط» این است که حافظ و نگهدارنده دلایل و بینات خداوند و وحی، در روی زمین باشد. امام علی علیه السلام می فرمایند:

اللَّهُمَ بَلَی لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّهٍ إِمَّا ظَاهِراً مَشْهُوراً وَ إِمَّا خَائِفاً مَغْمُوراً لِئَلَّا تَبْطُلَ حُجَجُ اللَّهِ وَ بَیِّنَاتُهُ؛ آری، هرگز روی زمین خالی نمی شود از کسی که به حجت الهی قیام کند، خواه ظاهر باشد و آشکار و یا ترسان و پنهان تا دلایل الهی و نشانه های روشن او باطل نگردد.(۲)

۱۰. بی قراری منتظرانِ بقیه الله الاعظم در فراق مولای خود و شرح درد اشتیاق

« بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی وَ نَفْسِی لَکَ الْوِقَاءُ وَ الْحِمَی....وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ».

در این قسمت از دعا، ندبه خوان با سوز و گداز به مولایش ابراز ارادت می کند و خطاب به حضرت چنین می گوید:

پدر و مادرم به فدای تو و جانم سپر و بلاگردان تو باشد ای فرزندِ بزرگانی که مقرَّب درگاه الهی هستند و ای فرزندِ نجیبانی که کریم و بزرگوارند... .

با تعبیرِ: ای فرزندِ... به حدود ۳۵ فضیلت و منقبت ایشان اشاره می کند و سرانجام درد فراق و شدت اشتیاق خود را این چنین اعلام می کند:

۱- طباطبائی، المیزان، ج ۱۳، ص۲۰۵.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

ای کاش می دانستم کدام سرزمین تو را در برگرفته و چه مکانی تو را بر خود نگهداشته، آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن یا در ذی طوی، بر من سخت است مردم را ببینم، ولی تو دیده نشوی! و هیچ صدایی از تو نشنوم... .

سپس با تعبیرِ جانم به فدای تو، به ذکر ویژگی های حضرت ادامه می دهد و به اینجا می رسد:

آیا می شود که ببینم روزی را که ما دورت را گرفته ایم و تو امام ما باشی! و زمین را پر از عدل نمایی و به دشمنانت خواری و مجازات را بچشانی و سرکشان و منکران حق را نابودسازی و ریشه و اساس گردن کشان و ستمگران را برکنی و ما بگوییم الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

۱۱. استمداد و استغاثه به درگاه الهی برای پایان یافتن بلای غیبت و درد دوری از محبوبِ خود

« اللَّهُمَّ أَنْتَ کَشَّافُ الْکُرَبِ وَ الْبَلْوَی،...وَ صَلِّ عَلَیْهِ صَلَاةً لَا غَایَةَ لِعَدَدِهَا، وَ لَا نِهَایَةَ لِمَدَدِهَا، وَ لَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا».

در واقع دعای ندبه ترکیبی از دعا و زیارت است؛ یعنی در فرازهایی از آن مخاطبِ ندبه خوان، خلیفه الله یعنی امام و محبوب منتظران بقیه الله الاعظم است و به نجوای با ایشان می پردازد و در فرازهایی از جمله در همین بخش، مخاطب، خودِ «الله» است و از او می خواهد تا هرچه زودتر بلای غیبت پایان یابد و با ظهورش نعمت بر ما تمام شود.

بخشی از خواسته های ما از خداوند در این فرازهایی از دعا به طور خلاصه عبارت است از:

- «ای فریادرس در ماندگان! به فریاد بنده گرفتارت برس و و آقا و مولایش را به او بنمایان و با این دیدار، اندوه و سوز دلش را برطرف نما».

- «تحیت و درود و سلام ما را به امامِمان برسان و ما را در مکانی که او اسقرار

دارد جای ده!».

- «و با ظهورش نعمتت را بر ما تمام کن».

۱۲. خواسته های پایانی و اشاره به جایگاه و عظمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله واسطه فیض بودن ایشان

«اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، ... وَ اسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، بِكَأْسِهِ وَ بِيَدِهِ، رَيّاً رَوِيّاً، هَنِيئاً سَائِغاً، لَا أَظْمَأُ بَعْدَهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

در این فرازهای پایانی از دعا حدود ۲۷ خواسته از خداوند متعال درخواست می کنیم، آن هم با یک ویژگی خاص یعنی با تعبیرِ «به»، به واسطه فیض نعمت های الهی اشاره می کنیم و این چنین حاجت خود را طلب می نماییم:

«خدایا! حق را به واسطه حضرت مهدی برپا دار و به واسطه او باطل را نابود گردان...».

از جمله فرازهایی که بسیار زیباست و منتظران در قنوت نماز و راز و نیاز با خداوند آن ها را پیوسته در خواست نموده و با آن انس داشته باشند، فرازهای زیر است:

- «وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَهِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الِاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ؛ و ما را در ادای حقوقی که آن حضرت بر ما دارد و در تلاش و کوشش در اطاعت و پیرویش و در دوری از نافرمانیش یاری بفرما».

- «وَ امْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَ هَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ، وَ دُعَاءَهُ وَ خَيْرَهُ؛ و نعمت بزرگ خشنودیش را شامل حال ما بگردان و مهربانی و رحمتش و دعا و خیرش را نصیب ما بفرما».

نمایه ای از دعاها و زیارت های مهدوی در مفاتیح الجنان

اشاره

آنچه گذشت، بخشی از مهم ترین دعاهاو زیارت های مهدوی بود که به دلیل پرهیز از طولانی نشدن سخن، از بقیه آن ها خودداری می شود؛ ولی برای آشنایی و انس بیشترِ منتظران با این دعاها و در دسترس بودنِ کتاب ارزشمند مفاتیح الجنان، نمایه ای از مهدویت در مفاتیح به محضر عاشقان حضرت مهدی ارائه می گردد:

الف) باب اول: دعاها

۱. در بخش نمازها، نماز امام زمان با دعای «اللهم عظم البلاء..» بیان شده است.

۲. در قسمت اعمال روز جمعه در عمل بیست و هفتم، فضیلت صلوات با «و عجل فرجهم» در این روز بیان شده است.

۳. در پایان اعمال جمعه، ارتباط و انتساب این روز به مولایمان، صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، را شرح می دهد، سپس صلوات ضراب اصفهانی را بیان می کند که از سوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده است.

۴. در بخش بیان انتساب روزها به یک یا چند نفر از معصومان و بیان دعای مربوط به هر امام، برای روز جمعه زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با مضامین بسیار بلند بیان شده است.

۵. در فصل هفتم از همین باب (یعنی قبل از مناجات خمسه عشر که در فصل هشتم آمده است) آیات و دعاهایی را آورده است که چهار دعای پایانی آن از چهارده دعا، به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مربوط است و به ترتیب عبارت است از:

- دعای یازدهم: «اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاء...».

- دعای دوازدهم: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَه...».

- دعای سیزدهم: دعای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف «إِلَهِی بِحَقِ مَنْ نَاجَاك...».

ص: ۱۱۰

– چهاردهم: نماز و دعا برای استغاثه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

ابتدا دو رکعت نماز می خوانیم و سپس این دعا را قرائت می نماییم: «سَلَامُ اللَّهِ الْکَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَام...».

ب) باب دوم: اعمال سنه(اعمالی که در طول سال انجام می شود)

۱. در بخش بیان اعمال ماه های قمری در اعمال شب نیمه شعبان و روز نیمه این ماه، موارد زیادی بیان شده است.

۲. در قسمت اعمال ماه مبارک رمضان، دعای افتتاح آمده است که بخش مهمی از فرازهای پایانی این دعا درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۳. در بخش اعمال خاص شب بیست و سوم این ماه، دعای «اللَّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّک...» آمده است.

ج) باب سوم: زیارت ها

۱. در بخش زیارت ها، قسمت زیارت کاظمین، ماجرای زیبا و مهم و شنیدنی تشرّف حاج علی بغدادی بیان شده است.

۲. پس از بیان ماجرای تشرف، درباره مسجد براثا مطالبی آمده، سپس درباره نواب چهارگانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و زیارت آنان نکاتی به چشم می خورد.

۳. پس از بیان زیارت امامین عسکریینC ، زیارت والد ماجد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت نرگس خاتون علیها السلام علیهم السلام را نباید از نظر دور داشت.

۴. در قسمت زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که مهم ترین بخش مفاتیح درباره ایشان، همین قسمت می باشد، حدود ده دعا ذکر شده که به ترتیب عبارت است از:

– سرداب مطهر و کیفیت زیارت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف؛

– زیارت آل یس و دعای پس از این زیارت؛

– زیارت حضرت، پیش از ورود به سرداب با مضمون های بسیار والا؛

فرازهایی از این زیارت: «السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَهَ اللَّهِ وَ خَلِیفَهَ آبَائِهِ الْمَهْدِیِّینَ ...السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللَّهِ الَّذِی لَا یُؤْتَی إِلَّا مِنْهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا سَبِیلَ اللَّهِ الَّذِی مَنْ سَلَکَ غَیْرَهُ هَلَکَ...لَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَ تَمَادَّتِ الْأَعْمَارُ لَمْ أَزْدَدْ فِیکَ إِلَّا یَقِیناً وَ لَکَ إِلَّا حُبّاً وَ عَلَیْکَ إِلَّا مُتَّکَلًا وَ مُعْتَمَداً وَ لِظُهُورِکَ إِلَّا مُتَوَقِّعاً وَ مُنْتَظِراً لِجِهَادِی بَیْنَ یَدَیْکَ وَ مُتَرَقِّباً فَأَبْذُلُ نَفْسِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ أَهْلِی وَ جَمِیعَ مَا خَوَّلَنِی رَبِّی بَیْنَ یَدَیْکَ...».

- زیارت دیگر هنگام ورود به سرداب

« اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ...اللَّهُمَّ طَالَ الِانْتِظَارُ وَ شَمِتَ بِنَا الْفُجَّارُ وَ صَعُبَ عَلَیْنَا الِانْتِصَارُ اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَلِیِّکَ... اللَّهُمَّ اکْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَهَ وَ الزِّیَارَهَ لِی عِنْدَکَ فِی عِلِّیِّینَ وَ بَلِّغْنِی بَلَاغَ الصَّالِحِینَ وَ انْفَعْنِی بِحُبِّهِمْ یَا رَبَّ الْعَالَمِین».

- زیارت حضرت در سرداب

«السَّلَامُ عَلَی الْحَقِ الْجَدِیدِ....السَّلَامُ عَلَی الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَ الْعَدْلِ الْمُشْتَهَرِ السَّلَامُ عَلَی السَّیْفِ الشَّاهِرِ وَ الْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَ النُّورِ الْبَاهِرِ السَّلَامُ عَلَی شَمْسِ الظَّلَامِ وَ الْبَدْرِ التَّمَامِ السَّلَامُ عَلَی رَبِیعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَهِ الْأَیَّامِ ... إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِیم».

- پس از ذکر دو زیارت دیگر، دعای معروف «اللَّهُمَ عَظُمَ الْبَلَاء...».

- دعای ندبه که مستحب است در چهار عید خوانده شود. عید فطر، قربان، غدیر و جمعه.

- زیارت حضرت پس از نماز صبح

«اللَّهُمَ بَلِّغْ مَوْلَایَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَنْ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَات...».

- دعای عهد

- دعای امام رضا علیه السلام برای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

«اللَّهُمَ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَ خَلِیفَتِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلَی خَلْقِک...».

ص: ۱۱۲

۵. پس از زیارت جامعه کبیره، حکایت بسیار شنیدنی سید رشتی بیان شده است.

۶. در پایان بخش زیارات، دعای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان شده و نسبتاً طولانی است که از ناحیه مقدسه صادر شده و مضامین عمیقی دارد.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَإِنَّکَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَک...اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَکَ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ».

ص: ۱۱۳

بخش ضمائم

اشاره

ص: ۱۱۵

ضمیمه شماره ۱

دعا

سال ها پیش، ساعتی از روز را به مطالعه درباره دعا اختصاص داده بودم که یادداشت هایی از آن زمان در این باره باقی مانـده است. اکنون که مطـالبی دربـاره دعاهـا و زیـارت هـای مهـدوی تـدوین شـد، بهتر دیـدم برای تکمیـل بحثِ دعـا، برخی از آن یادداشت ها به عنوان ضمیمه در پایان این مجموعه آورده شود.

ضرورت دعا کردن

دعـا ارتبـاط میـان عابـد و معبود است. دعـا کنار زدن دریچه سـقف دل برای تابش نور خورشـید و بارور ساختن ابر رحمت و بارش آن برفراز دل و قلب و جان است تا ظلمت ها رخ بربندد و تیرگی ها شسته شود و با تزکیه جان، فلاح و رستگاری انسان و عروج به اعلی علیین رقم بخورد.

اگر در فضیلت دعا هیچ آیه و حدیثی وجود نداشت به جز آنچه در سوره کهف آمده است، کافی بود تا نهایت سعی و اهتمام خود را درباره آن داشته باشیم، آنجا که می فرماید:

و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند [و] خشنودی او را می خواهند، شکیبایی پیشه کن و دو دیده ات را از آنـان برمگیر که زیور زنـدگی دنیـا را بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یـاد خود غافـل ساخته ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده روی

ص: ۱۱۶

است، اطاعت مکن.(۱)

همچنین در پایان سوره فرقان می فرماید:

((قُلْ ما يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّى لَوْ لا دُعاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزاماً؛ بگو: پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست. اگر دعای شما نباشد، شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!)).

«يَعْبَؤُا» از ریشه «عبأ» به معنای سنگینی است و معنای آیه این است که اگر کسی اهل دعا و ارتباط با خدا نباشد، خداوند برای او وزن و ارزشی قائل نیست و به او اعتنا نخواهد کرد.

برخی از نعمت ها به گونه ای است که چه ما بخواهیم و چه نخواهیم، سفره آن برای همگان گسترده خواهد بود؛ اما بسیاری از نعمت های ارزشمند الهی آن چنان است که بر اساس سنت خدای حکیم(۲)

به کسانی تعلق می گیرد که آن را بخواهند و شرایط و قابلیت آن را فراهم کنند.

بیان ارزشمند امام صادق علیه السلام که فرمود: «الدُّعَاءُ كَهْفُ الْإِجَابَهِ كَمَا أَنَّ السَّحَابَ كَهْفُ الْمَطَرِ».(۳) همین معنی است که «دعا معدن (و موجب) اجابت است، همچنان که ابر معدن باران است».

آداب دعا

قطعاً ارتباط مخلوق با خالق و عبد با معبود، به رعایت آدابی نیاز دارد که غفلت از آن موجب محرومیت از اجابت می شود.

راوی به امام صادق علیه السلام عرض کرد:

دو آیه در قرآن است، عمل کردم؛ نتیجه ای نگرفتم؟ حضرت فرمود:

۱- کهف: ۲۸.

۲- نساء: ۳۲ و کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۵ به بعد، باب الالحاح و باب التسمیه.

۳- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۱، باب ان من دعا... .

آن دو آیه کدام است؟ عرض کرد: خداوند می فرماید ((ادْعُونی أَسْتَجِبْ لَکَم))(۱) دعا می کنیم؛ ولی از اجابت خبری نیست. امام فرمود: کسی که از خدای عزّوجلّ پیروی کند و از جهت دعا او را بخواند، خداوند دعای او را اجابت می نماید. گفت : جهت دعا چیست؟ فرمود: ابتدا به حمد و سپاس او می پردازی، سپس نعمت هایش را بر می شماری و شکر آن ها را به جا می آوری و در ادامه، صلوات می فرستی و با یاد کردن گناهانت و اقرار به آن و پناه بردن به خداوند خواسته ات را طلب می نمایی. راوی در ادامه گفت: و اما آیه دیگر که خداوند فرموده ((وَ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْ ءٍ فَهُوَ یُخْلِفُه))(۲) من انفاق می کنم ولی از جایگزین آن خبری نمی شود. حضرت فرمود: اگر کسی مالی را که از راه حلال به دست آورده است؛ در راه درست و حلالی انفاق نماید؛ هیچ درهمی را انفاق نمی کند جز اینکه خداوند جای آن را پر می نماید.(۳)

از جمله آداب دعا می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- مخفی بودن؛

در بیان نورانی امام رضا علیه السلام یک دعای پنهانی برتر از هفتاد دعای آشکار است.(۴)

- دعا را با نام خدا و تمجید سپاس به درگاهش و سپس درود و صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرش علیهم السلام و با حالت گریه آغاز کردن، زیرا نزدیک ترین حالت انسان به پروردگار هنگامی است که در سجده و با حالتی گریان باشد.(۵)

- شریک کردن دیگران در دعای خود؛

در بیان امام صادق علیه السلام، این چنین آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

۱- غافر: ۶۰.

۲- سبأ: ۳۹.

۳- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۶، باب الثناء قبل الدعاء.

۴- همان، باب اخفاء الدعاء.

۵- همان، ص ۴۸۴، باب البکاء، ح ۱۰.

هر گاه یکی از شما خواهد دعا کند، در حق همگان دعا نماید؛ زیرا این از موجبات پذیرش دعا است.(۱)

امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

فرشتگان وقتی می شنوند که مؤمنی در خفا و پنهانی برای برادر مؤمنش دعا می کند، یا از او به خیر و خوبی یاد می کند، می گویند: تو چه خوب برادری برای برادر مؤمنت هستی! برایش درخواست خیر داری، در حالی که پیش تو نیست و از او به نیکی یاد می کنی. خداوند دو برابر آنچه که برایش خواستی، به خودت داد و دو برابر آنچه که او را به نیکی یاد نمودی، تو را به نیکی یاد نمود، با وجود این تو بر او برتری داری و وقتی بشنوند او از برادرش به بدی یاد می کند و او را نفرین می کند می گویند: تو چه بد برادری هستی! بس کن ای کسی که خداوند خطاها و زشتی هایت را پوشانده و به فکر خودت باش و حمد و سپاس خدا را به جای آور به خاطر اینکه خطاهایت را پوشانده است و بدان او به بنده اش از تو آگاه تر است.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

کسی که بگوید: اللَّهُمَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَات، خداوند به تعداد هر مؤمنی که از زمان خلقت حضرت آدم تا برپایی قیامت آفریده است، به او حسنه می دهد و سیّئه و گناه او را از بین می برد و بر درجه اش می افزاید.(۳)

راوی می گوید:

عبدالله بن جندب را در صحرای عرفات دیدم، در حالی که زیباترین حالت را داشت. دست هایش را رو به آسمان کشیده بود و اشک هایش بر گونه هایش می ریخت و به زمین می رسید، وقتی مردم رفتند، گفتم: عبدالله حال خوشی داشتی! گفت: والله دعا نکردم، مگر برای برادرانم

۱- همان، ص ۴۸۸، باب العموم فی الدعاء.
۲- همان، ص ۵۰۸، باب الدعاء للاخوان.
۳- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۹۱.

(یعنی برای دیگران دعای کردم)؛ زیرا ابا الحسن موسی بن جعفر علیه السلام به من خبر داده است که هر کس در غیاب برادران دینیش برای آن ها دعا کند، از عرش ندا می رسد: «و برای توست هزار برابر آنچه را برای دیگران خواستی» و نخواستم هزار برابری که اجابت آن تضمین شده است را به خاطر یک نفر (خودم) که معلوم نیست به اجابت برسد یا نرسد، از دست بدهم.(۱)

مرحوم سید بن طاووس درباره ارزش دعا برای دیگران سخن می گوید و روایت بالا را بیان می کند، در ادامه می فرماید:

اگر دعا برای برادران دینی این همه فضیلت دارد، پس فضیلت دعا برای سلطان و فرمانروایی که سبب هستی و وجود توست، و تو معتقدی که اگر او نمی بود، خداوند نه تو و نه هیچ کس از مکلّفین زمان او و تو را نمی آفرید، و اینکه لطف الهی به وجود او عجل الله تعالی فرجه الشریف سبب تمام اموری است که تو و دیگران دارای آن هستید، و وسیله تمامی خیراتی است که بدان نایل می گردید، چگونه خواهد بود؟ پس مبادا و مبادا تا حدّی که امکان دارد، خود و یا احدی از خلایق را در دوست داشتن و دعا نمودن، بر او مقدّم کنی. و نیز هنگام دعا کردن برای آن مولای عظیم الشأن عجل الله تعالی فرجه الشریفحضور قلبی و زبانی داشته باش و مبادا گمان کنی که علّت ذکر این مطلب برای آن است که آن بزرگوار به دعای تو احتیاج دارد. بسیار بسیار دور است، اگر چنین اعتقادی داشته باشی، در اعتقاد دوستی ات بیماری؛ بلکه این را برای آن گفتم که حقّ بزرگ و احسان گرانبار حضرتش را به تو بشناسانم.(۲)

شرایط استجابت دعا

- شناخت خدا

۱- ادب حضور(ترجمه فلاح السائل)، ص ۹۷.

۲- همان، ص ۹۸.

از مهم ترین شرایط استجابت دعا، باور و شناختِ عظمت خدا و قدرت بی نهایتش و منزه بودنش از هر عیب و نقص و ایرادی است و کمتر کسی است که به این باور رسیده باشد؛ بنابراین، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

وَ لَوْ عَرَفْتُمُ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ لَزَالَتِ الْجِبَالُ بِدُعَائِكُم؛ و اگر خدا را چنان که شایسته شناختن اوست می شناختید، به دعای شما کوه ها جابه جا می شد.(۱)

- کسب و کار حلال

امام صادق علیه السلام می فرماید:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتُهُ فَلْيُطِبْ مَكْسَبَهُ؛ کسی که دوست دارد دعایش به اجابت برسد، باید کسبش را پاک و حلال قرار دهد.(۲)

موانع استجابت

- ترک امر به معروف و نهی از منکر

امام کاظم علیه السلام می فرماید:

حتماً امر به معروف و نهی از منکر کنید؛ چرا که در غیر این صورت بدان شما بر شما مسلط می شوند، آن گاه خوبانتان دعا می کنند و از اجابت خبری نخواهد بود.(۳)

- حق الناس

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

اگر کسی از شما می خواهد دعایش به اجابت برسد، پس باید کسبش(شغلش) را پاک و حلال گرداند و از آنچه از حق مردم بر عهده اوست، خارج شود و کسی که در شکمش (لقمه) حرام باشد، یا حقی از

۱- پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۴۷.

۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۶.

۳- همان، ج ۵، ص ۵۶، باب الامر بالمعروف.

یکی از مخلوقات خدا برگردنش باشد، دعایش بالا نخواهد رفت.(۱)

بنابراین اموری مانند: بی احترامی به پدر و مادر و رنجاندن آنان، غیبت و تهمت، غشّ در معامله و گران فروشی، آزار و اذیت دیگران و از اجابت دعا جلوگیری خواهد کرد.

- نداشتن حضور قلب

امام صادق علیه السلام این چنین می فرماید که:

خداونـد عزّ و جلّ دعایی را که با غفلت (از خدا و توجه و امید به غیر) باشد، مسـتجاب نخواهد کرد؛ پس هنگامی که دعا می کنی، با دلت روی به خدا بیاور، سپس یقین به اجابت داشته باش.(۲)

اوقات دعا

زمان هایی که دعا به اجابت نزدیک تر است، عبارتند از:

- هنگام نزول باران و برف؛

- هنگام وزش باد؛

- هنگام اذان ظهر؛

- هنگام تلاوت قرآن؛

- سحرگاهان؛

- هرگاه دل (با توجه به عظمت خدا و عشق به او) بلرزد و اشک جاری شود؛

- هنگام دیدن کعبه معظمه؛

- فاصله میان خطبه نماز جمعه تا برپایی نماز؛

- پس از ادای نماز واجب.(۳)

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۲۱.

۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۳.

۳- همان، ص ۴۷۶، باب الاوقات... .

راز تاخیر در اجابت

انسان در راه عبودیت و بندگی معبود و راز و نیاز و خواندن او، با «دشمنی» قسم خورده روبرو است که گفت:

اکنون که مرا گمراه ساختی، من بر سر راه مستقیم تو، در برابر آن ها کمین می کنم! سپس از پیش رو و از پشت سر، و از طرف راست و از طرف چپ آن ها به سراغشان می روم و بیشتر آن ها را شکرگزار نخواهی یافت!.(۱)

بنابراین، سعی شیطان در آغاز بر این است که ما را از دعا غافل سازد، اگر در این مرحله موفق نشد و انسان دعا کرد و از اجابت خبری نشد، این بار با سلاح ناامیدی از رحمت الهی به میدان می آید. این جاست که بیانات حکیمانه امامان معصوم علیهم السلام می تواند نجات بخش باشد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

پیوسته مؤمن به خاطر رحمت الهی بر خیر و امیدواری است تا زمانی که شتاب نکند و در نتیجه، به ناامیدی دچار نشود و دعا را رها نکند. راوی می گوید به امام عرض کردم: چگونه شتاب می کند؟ فرمود: می گوید: مدت زمانی است که دعا کرده ام، ولی از اجابت خبری نیست!.(۲)

در روایات موجود نکته های ظریفی درباره دلایل تأخیر اجابت دعا به چشم می خورد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. محبوب بودن صدای مناجات و دعای مؤمن نزد خداوند و علاقه به بیشتر شنیدن صدای او.

راوی می گوید:

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایتان شوم مدت مدیدی است حاجتی

۱- اعراف: ۱۶ و ۱۷.

۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۰، ح۸، باب من ابطأت علیه الاجابه.

را از خداونـد خواسـته ام (و از اجـابت خبری نیست) و در دلم نسـبت به این تـأخیر چیزی وارد شـده است. حضـرت فرمود: ای احمد! از (وسوسه)شیطان بپرهیز مبادا بر تو راهی پیدا کند و تو را (از رحمت الهی) نااميد كند.

همانا امام باقر علیه السلام پیوسته می فرمود:

مؤمن از خداونـد چیزی طلب می کنـد، پس اجابت دعایش به تأخیر می افتـد به خاطر محبوب بودن صدایش.(۱)سپس فرمود: به خـدا قسم آنچه را که خداوند از اجابت آنچه که مؤمنین از این دنیا درخواست می کنند به تاخیر انداخته است، برایشان بهتر است از آنچه که به آن ها داده است و دنیا چه ارزشی دارد!.

امام باقر علیه السلام پیوسته می فرمود:

شایسـته است که مؤمن در راحتی و آسـایش، به همـان گونه دعا کنـد که در شـدت و گرفتاری دعا می کنـد. نه این که وقتی خواسته اش داده شد سست شود؛ پس از دعا خسته نشوید، چرا که اهل دعا بودن نزد حق تعالی منزلت بزرگی دارد.

و بر تو باد به صبر و طلب حلال و صله رحم و بپرهیز از دشمنی با مردم. پس ما اهل بیتی هستیم که با کسی که با ما قطع رابطه کرده است ارتباط برقرار می کنیم و به کسـی که به ما بدی کرده، خوبی می کنیم و معتقدیم در این(شـیوه) عاقبت نیکوست... پس اعتماد به (وعده ها و کلام) خدا بیشتر باشد؛ چرا که خداوند به تو وعده(اجابت) داده است. آیا خداوند نفرموده است: «و هنگـامی که بنـدگان من، از تو دربـاره من سؤال کننـد، (بگو:) من نزدیکم! دعای دعا کننـده را به هنگامی که مرا می خوانـد، پاسخ می گویم!» و فرموده است: «از رحمت خدا نااميد نشويد» و فرموده است: «ولی خداوند وعده آمرزش و فزونی

۱- یعنی خواسـته اش داده نمی شود تا باز هم به در خانه خـدا بیایـد و دعا کند و معنای اینکه خداوند دوست دارد صدایش را بشـنود این است که تـأخیر اجـابت و در نـتیجه، اسـتمرارِ دعـای عبـد به نفع خود اوست و موجب می شود تـا خیرات و برکـات بیشتری نصیبش شود.

به شما می دهد» پس اعتمادت به خداوند بیش از اعتمادت به دیگران باشد».(۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید:

ابراهیم خلیل در کوه بیت المقدس دنبال چراگاهی برای گوسفندان خود می گشت. پیرمردی را دید که نماز می خواند. پس از نماز از او پرسید: بنده خدا برای چه کسی نماز می خوانی؟ گفت: برای خدای آسمان.

دوباره پرسید: از اقوام و عشیره ات کسی مانده؟ پاسخ داد: نه. پرسید: از کجا غذا می خوری؟ گفت: از میوه این درخت و برای زمستان هم میوه آن را ذخیره و استفاده می کنم. فرمود: خانه ات کجاست؟ گفت: در آن کوه. فرمود: ممکن است مرا هم با خود ببری تا امشب را نزد تو باشم؟ گفت: سر راه ما آبی است که نمی شود از آن گذشت. فرمود: تو چه می کنی؟ گفت: روی آن راه می روم. فرمود: شاید خداوند آنچه را روزی تو کرده، روزی من هم بکند. با هم رفتند و از آب گذشتند. حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: کدام روزها بزرگ تر است؟ گفت: روز جزا که مردم از همدیگر بازخواست کنند. حضرت فرمود: می آیی دست به دعا برداریم و از خداوند بخواهیم ما را از شر آن روز محافظت کند؟ گفت: دعای من به چه درد تو می خورد؟ به خدا قسم سه سال است چیزی از خداوند خواسته ام؛ ولی دعایم به اجابت نرسیده است! ابراهیم علیه السلام فرمود: آیا به تو خبر بدهم چرا دعای تو حبس شده است؟ گفت: بله.

ابراهیم گفت: خداوند تعالی چون دوستدار بنده ای باشد، دعایش را نگه دارد تا با او راز و نیاز کند و باز هم طلب کند و اگر کسی مورد غضب خدا باشد یا دعایش را زود به اجابت می رساند و یا اینکه ناامیدی را بر او غالب می کند. دعای تو چه بود؟ گفت: روزی گله گوسفندی از اینجا می گذشتند. جوانی با آن ها بود. گفتم: این گوسفندان از کیستند؟ گفت: از ابراهیم خلیل است. گفتم: خدایا اگر در روی زمین برای تو خلیلی هست، او را به من نشان بده.

۱- کلینی، کافی، ج۲، ص ۴۸۸، باب من ابطأت علیه الاجابه.

ابراهیم گفت: دعای تو را خداوند به اجابت رساند، من ابراهیم خلیلم. آن گاه یکدیگر را در آغوش کشیدند.(۱)

۲. ذخیره برای آخرت

امام صادق علیه السلام می فرماید:

همانا مؤمن خدا را درباره خواسته اش می خواند، پس خداوند (به فرشتگان) می فرماید: به خاطر اشتیاق به صدا و دعایش (اجابت)خواسته اش را به تأخیر بیاندازید، پس در روز قیامت حق تعالی به او خطاب می کند بنده ام! مرا خواندی و من خواسته ات را به تأخیر انداختم و پاداشت (امروز) چنین و چنان است(بسیار عظیم است) و درباره فلان و فلان مرا خواندی و (امروز) پاداشت چنین و چنان است. پس مؤمن به خاطر ثواب عظیمی که می بیند آرزو می کند که هیچ دعایی از دعاهایش در دنیا به اجابت نرسیده بود.(۲)

۳. تبدیل خواسته ما به چیزی بهتر

امام صادق علیه السلام بیان داشته اند که:

اگر کسی وضو بگیرد و به بستر(خواب) برود، بستر او همانند مسجد خواهد بود(برای او عبادت نوشته می شود)، پس اگر در دل شب به پا خواست و خدا را یاد کرد، گناهانش فرو می ریزد، پس اگر در آخر شب برخیزد و وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم درود بفرستد، هر آنچه را از خداوند بخواهد، به او عطا خواهد نمود یا همان چیزی را که خواسته به او می دهد و یا آنچه را که برایش بهتر است، در نظر خواهد گرفت.(۳)

بله، گاهی ما چیزی می خواهیم و تصور می کنیم اگر برآورده شود، برایمان خیلی

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۹، باب ۲۴ علة الإبطاء فی الاجابه.
۲- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۰، باب من ابطأت علیه الاجابه، ح۹.
۳- همان، ص ۴۶۸، باب صلاه فاطمهh ، ح۵.

خوب است؛ اما خداوند براساس لطفش چیز بهتری به ما خواهد داد، زیرا فرمود:

چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرٍّ شما در آن است. و خدا می داند، و شما نمی دانید.(۱)

همان طور که پسری را از خانواده مؤمنی گرفت و به جای آن، فرزند دختری به آن ها داد که از نسل او هفتاد پیامبر نصیبشان شد.(۲)

۴. امتحان

امام صادق علیه السلام فرمود:

بین قول خداوند به حضرت موسی و هارون که فرمود: «دعای شما پذیرفته شد» و بین (اجابت آن)گرفتن و نابود کردن فرعون، چهل سال فاصله بود.(۳)

طبعاً هرگاه خواسته ما برآورده نشد و با وجود این ممنون و شاکر خداوند باشیم، نشانه اعتماد ما به خداست و در غیر این صورت بی صبری و اعتراض ما نشانه خودخواهی ماست. چنانچه خواسته حضرت موسی ده روز با تأخیر برآورده شد و بنی اسرائیل در این آزمون شکست خوردند و از گوساله پرستی سر درآوردند!

و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم، سپس آن را با ده شب (دیگر) تکمیل نمودیم... قوم موسی بعد (از رفتن) او (به میعادگاه خدا)، از زیورهای خود گوساله ای ساختند، جسد بی جانی که صدای گوساله داشت! آیا آن ها نمی دیدند که با آنان سخن نمی گوید، و به راه (راست) هدایتشان نمی کند؟! آن را (خدای خود) انتخاب کردند و ظالم بودند!.(۴)

۵. دفع بلا

۱- بقره: ۲۱۶.

۲- کهف: ۷۴ و ۸۰.

۳- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۹، ح ۵، باب من ابطأت علیه الاجابه.

۴- اعراف: ۱۴۲ و ۱۴۸.

امام سجاد علیه السلام می فرماید:

(نتیجه) دعای مؤمن به سه صورت خواهد بود یا برایش ذخیره می شود و یا زود (خواسته اش) داده می شود و یا بلایی که بنا بوده به او برسد (به واسطه این دعا) از او برطرف می گردد.(۱)

چه بسیار بلاهایی که بر اثر دعاهای ما دفع شده است. ما نعمتی را طلب نمودیم؛ ولی خدای مهربان با فضلش بلایی را از ما دور نمود، ولی ما از آنجاکه از دفع بلاـ خبر نداریم، گمان می کنیم دعایمان به اجابت نرسیده است و چه بسا ممکن است ناشکری کنیم، پس بهتر است به خدای خود اعتماد داشته باشیم و با رعایت آداب و شرایط دعا، خواسته خود را طلب کنیم و نتیجه را به او واگذار نماییم و در هر صورت شاکرش باشیم.

۶. از بین رفتن اجابتِ دعا، به خاطر گناه

امام باقر علیه السلام می فرماید:

بنده ای از بندگان خدا حاجتی از حاجات دنیا را از خداوند طلب می کند و خداوند حکم می کند حاجت او در زمان نزدیک یا دوری(بر اساس مصلحتش) برآورده شود؛ ولی این انسان گناهی مرتکب می شود، پس خداوند به فرشته مأمور حاجت او می فرماید: حاجتش را برآورده نساز و او را محروم کن چون او متعرض خشم من و محرومیت (از رحمتم) شد.(۲)

فضیلت صلوات و دعا برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرش علیهم السلام

- صلوات موجب بالارفتن دعا و اجابت آن می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

کسی که حاجتی از خدا می خواهد، پس با صلوات آغاز کند، سپس

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۸.
۲- همان، ج ۷۰، ص ۳۶۰.

خواسته اش را طلب کند و با صلوات نیز ختم کند، خداوند گرامی تر از آن است که دو طرف این خواسته را بپذیرد و وسط آن را رها کند، چون (دعای) صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آلش محجوب نمی ماند(مستجاب است).

همچنین در حدیث نورانی دیگری فرمودند:

کسی که صد بار بگوید «رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، صد حاجتش برآورده می شود: سی حاجت در دنیا و بقیه در آخرت.

– در برابر آن، خداوند هزار صلوات بر این شخص می فرستد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کسی که بر من صلوات بفرستد، خداوند و فرشتگان بر او صلوات

می فرستند؛ حال (با چنین وصفی)هر کسی می خواهد کم صلوات بفرستد یا زیاد صلوات بفرستد.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یاد می شود، زیاد بر او صلوات بفرستید؛ زیرا کسی که بر ایشان یک صلوات بفرستد، خداوند بر او هزار صلوات در هزار صف از فرشتگان می فرستد و هر آنچه را که خداوند آفریده است، بر این بنده صلوات می فرستد. به خاطر اینکه خدا و فرشتگان بر این بنده(ای که بر رسول خدا صلوات فرستاده) درود فرستاده است.

– نفاق و دورویی را از بین می برد.

– سنگینی ترازوی اعمال

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند: «هیچ چیزی در ترازوی(اعمال) سنگین تر از صلوات بر محمد و آلش علیهم السلام نیست».

این درحالی است که: خداوند در سوره قارعه می فرماید:

امّا کسی که (در آن روز) ترازوهای اعمالش سنگین است در یک زندگی خشنودکننده خواهد بود و امّا کسی که ترازوهایش سبک است، پناهگاهش «هاویه» [دوزخ] است!و تو چه می دانی «هاویه» چیست؟!

آتشی است سوزان! .(۱)

بلند همت بودن درخواسته ها

ربیعه کعب می گوید:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای ربیعه! هفت سال به من خدمت نمودی آیا چیزی نمی خواهی؟

پس گفتم: ای رسول خدا! به من مهلت بدهید تا فکر کنم. وقتی فردای آن روز بر حضرت وارد شدم، فرمود: ای ربیعه! حاجتت را بگو! گفتم (حاجتم این است که) از خداوند بخواهید مرا با شما در بهشت داخل کند (در آن زندگی ابدی با شما باشم) حضرت فرمودند: چه کسی این را به تو یاد داد؟ عرض کردم: ای رسول خدا! کسی یادم نداده، بلکه فکر کردم و دیدم اگر مال بخواهم بالاخره تمام می شود، اگر عمر طولانی و اولاد بخواهم سرانجامِ همه مردن است.

حضرت کمی مکث نمود و فرمود: باشد؛ ولی با زیاد سجده کردن مرا (در اجابت این دعا) یاری کن.(۲)

مردی از طائف به خاطر خدمتی که در زمان جاهلیت به رسول گرامی کرده بود، به محضر ایشان رسید و خود را معرفی کرد. حضرت او را اکرام نمود و فرمود: چیزی بخواه! گفت: دویست گوسفند با چوپانش می خواهم. حضرت هم به او دادند، سپس به اصحاب فرمودند: چه می شد این مرد چیزی را می خواست که پیرزن بنی اسرائیل از موسی علیه السلام خواست. اصحاب گفتند: او چه خواست؟ فرمود: حضرت موسی علیه السلام به دنبال قبر یوسف می گشت. پیر مردی به او گفت: فلان پیرزن می داند. دنبال او فرستاد، وقتی آمد، موسی علیه السلام گفت: قبر او را به من نشان بده، هر چه خواستی به تو می دهم! پس از صحبت هایی بالاخره گفت: خواسته من این است که در روز قیامت در درجه و مقامی قرار گیرم که تو در آن درجه و مقام هستی!

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۹۱، باب الصلاه علی النبی و اهل بیته.

۲- قطب الدین راوندی، دعوات، ص ۳۹.

سپس حضرت فرمود: چه می شد بر این شخص که از من همان چیزی را می خواست که پیرزن بنی اسرائیل از حضرت موسی درخواست نمود».(۱)

شبهه هایی درباره دعا و پاسخ آن

۱. دعا عامل تخدیر است؛ به جای فعالیت و تلاش و کوشش مردم را به سوی دعا می فرستند و سفارش می کنند به جای تلاش دعا کنید!!

پاسخ:

اولاً؛ کسی که چنین شبهه ای را القا می کند، اصلاً معنای دعا را نفهمیده است؛ زیرا دعا به معنای دست کشیدن از اسباب و علل مادی نیست، دعا به معنای ترک بازار، کارخانه و مزرعه و به مسجد رفتن نیست، بلکه دعا یعنی ای بشر! مواظب باش آفت کشنده و هلاک کننده غفلت دامنگیرتو نشود، استفاده از اسباب و علل طبیعی تو را از مؤثر حقیقی و رب العالمین غافل نکند، بلکه با وجود استفاده از اسباب و علل طبیعی که خودِ خالق، تو را مأمور به استفاده از آن ها کرده است، توجه داشته باش که این ها همه وسیله اند و مؤثر حقیقی خداست؛ پس اعتماد و تکیه تو بر او باشد. به همین دلیل امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام می فرماید:

« الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ كَالرَّامِي بِلَا وَتَر؛ کسی که دعا کند، اما اهل عمل نباشد همانند تیراندازی است که کمانش زه ندارد».(۲) یعنی کسی که بنشیند و فقط دعا کند بر خلاف سنت الهی قدم برداشته است و نتیجه ای نخواهد گرفت و خداوند نیز چنین دعایی را نخواسته است.

ثانیاً؛ آن گاه که انسان به بن بست رسید و دست اسباب و علل مادی کوتاه شد، علم روز چه می گوید؟! چه راهی را به ما پیشنهاد می کند؟!! ناامیدی و دست روی

۱- کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۵۵، حدیث الذی اضاف رسول الله بالطائف.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۳۷.

دست گذاشتن، خودکشی... .

امّا دعا می گوید: آن گاه که دستت از اسباب و علل مادی کوتاه شد، ناامید نشو! امیدت به حل مشکل بیش از آن موقعی باشد که اسباب و علل مادی فراهم بود. آنگاه که پولت تمام شده امیدت بیش از آن موقعی باشد که پولدار بودی. ناامید نشو! اسباب و علل مادی فقط نقش وسیله را داشتند، مؤثر حقیقی منم؛ هنگام صحت و سلامتی به یاد من باش و شکر آن را به جای آور تا هنگام درد و مریضی به یادت باشم و کمکت کنم. در هنگام توانمندی متوجه من باش تا وقت ضعف و نداری یاریت کنم. هنگامی که همه اسباب و وسایل فراهم است، از من غافل نشو تا هنگام کوتاهی اسباب و علل دستت را بگیرم.

ثالثاً؛ حیطه تأثیر اسباب و علل مادی بسیار محدود است و فقط در امور مادی کارساز است، آن هم به طور محدود و نه مطلق. اما آیا برای جایی که دست اسباب و علل مادی کوتاه است یا در امور معنوی و جهان آخرت، ماده و مادیات چه کاری می تواند انجام دهد؟ بله، این دعا و راز و نیاز به درگاه خداست که می تواند همیشه و همه جا یار و یاور و مونس انسان باشد. تا اسم مرگ می آید ماده و مادیات و مادیون می لرزند؛ اما کسی که به خدا معتقد است و اهل راز و نیاز با اوست، نه تنها از مرگ هراسی ندارد، بلکه چون تکیه اش به خداست، با عشق به سوی آن می رود و در وصیت نامه خود این چنین می نویسد:

«با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می کنم».(۱)

۲. دعا کردن دخالت در کار خداست؛ خدا آنچه را مصلحت بداند، انجام می دهد.

پاسخ: آری، اگر دعوت و اجازه حق تعالی به بندگانش با ندای «ادعونی» نبود، دعا و درخواست بنده فضولی در کار او بود و هرگز چنین حقی را نداشت؛ اما وقتی

۱- وصیت نامه امام خمینی;.

خالق انسان از او بخواهد که:

«مرا بخوانید»(۱)

و اضافه کند که « بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست، اگر دعای شما نباشد» و فرمود: « و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن ها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد، آن ها فاسقانند».(۲)

و در جای دیگر فرمود: «با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می خوانند، و تنها رضای او را می طلبند! و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آن ها برمگیر! و از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم، اطاعت مکن! همان ها که از هوای نفس پیروی کردند، و کارهایشان افراطی است».(۳)

معلوم می شود گوینده چنین اشکالی پیام حق را نشنیده است.

۳. دعا با مقام رضا و تسلیم در برابر خواسته خداوند منافات دارد.

پاسخ:

اولاً؛ رسیدن به مقام رضا کار ساده ای نیست و فقط با ادعا و لقلقه زبان نمی توان این راه صعب العبور را طی کرد، بلکه به مجاهدت ها و تلاش های پی درپی و خستگی ناپذیر در تهذیب نفس و بیرون آمدن از چاه جهل و رسیدن به قله علم و معرفت نیاز دارد که این ها هم، کار ساده ای نیست و توفیق پیمودن چنین راهی و حرکت در راه حق و صراط مستقیم را باید از خود خداوند خواست تا با کرم و رحمت بی پایانش ما را به سوی آن راه رهنمون کند.

ثانیاً؛ وقتی خود خداوند بگوید: ای انسان هرچه می خواهی از من بخواه، حتی علف حیوان و نمک خمیرت را. آیا این با مقام رضا منافات دارد؟ اصلاً رضای خداوند در دعای عبد است، در راز و نیاز و توجه او به خالق هستی و ربّ العالمین است.

امام صادق علیه السلام خطاب به میسِّرمی فرماید:

۱- غافر: ۶۰.

۲- حشر: ۱۹.

۳- کهف: ۲۸.

إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْزِلَهً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَه؛ همانا نزد خداوند عزّ و جلّ درجه و رتبه ای است که جز با درخواست نمی توان به آن دست یافت.(۱)

ثالثاً؛ دعا غذای روح است که برای آن نشاط، شادابی، طراوت، امید و آرامش را به ارمغان می آورد. کار، تلاش بازار، مزرعه، کارخانه و... همه و همه، در راه تهیه غذا برای جسم است؛ پس غذای روح چه می شود؟ اگر غذای سالم به روح نرسد و روح بیمار و رنجور شود، دیگر غذای لذیذ به درد جسم هم نمی خورد؛ چرا که جسم هم بیمار می شود. آری، غذای روح توجه به خالق خود و تابیدن نور معرفت و محبت حق بر آن است، توجه به اصول خود و متصل شدن به سرچشمه حیات و هستی است.

حالت پس از دعا

اگر به درگاه خانه خداوند رفتیم و دعا کردیم، دوحالت دارد یا آثار اجابت را می بینم و یا اثری از اجابت دعا نخواهیم دید.

اما در صورت اوّل؛

نباید به خود مغرور شویم و فکر کنیم که استجابت دعای ما به خاطر خوبی ماست و خداوند به ما نظر ویژه ای دارد. شاید این تعجیل در استجابت به این دلیل باشد که ما مبغوض درگاه الهی هستیم، به ویژه اینکه اگر مورد دعا مسائل مادی و مانند آن باشد، امام صادق علیه السلام می فرماید:

چه بسا بنده ای چیزی طلب کند، پس خداوند تبارك و تعالی (به فرشتگان) می فرماید: زود خواسته اش را بدهید؛ چرا که(به خاطر کارهای ناشایستش) صدایش مورد غضب من است.(۲)

بله، در این صورت باید خداوند را شکر کنیم و اعمال صالح خود را زیاد و اعمال ناشایست را کم کنیم و بگوییم: «خدایا! من شایسته این لطف و اکرام نبودم. تو با

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۶۶، باب فضل الدعاء.

۲- همان، ج ۲، ص ۴۸۹، باب من ابطأت.

لطف و کرمت بر من منت نهادی و خواسته ام را اجابت نمودی، یا اکرم الاکرمین و یا ارحم الراحمین! خدایا از تو می خواهم این اجابت دعا استدراج برای من نباشد»؛ پس باید بر حمد و استغفار خود بیفزاییم.

و اما در صورت دوم؛

اگر آثار اجابت را ندیدیم، هرگز نباید ناامید شویم، چرا که ((جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش مأیوس می شود؟!))(۱) و ((از رحمت خدا مأیوس نشوید که تنها گروه کافران، از رحمت خدا مأیوس می شوند!.))(۲)

به اجابت نرسیدن دعا ممکن است دلایل زیادی داشته باشد، که برای هریک باید چاره ای اندیشید:

الف) دعای ما به اجابت رسیده؛ ولی به ملائکه دستور داده شده که مثلاً خواسته ما داده نشود تا باز هم به در خانه خداوند بیاییم و سوز و گدازی داشته باشیم؛ زیرا خداوند صوت مناجات و دعای ما را دوست دارد. در این صورت باید باز هم به در خانه خدا بیاییم و سوز و گداز خود را بیشتر کنیم که این حالت، یعنی مورد توجه خدا بودن از برآورده شدن صدها حاجت برتر و بالاتر است.

ب) فعلاً صلاح نیست خواسته ما داده شود. انسان فکر می کند که اگر الان خواسته اش داده شود، بهتر است؛ درحالی که:

((چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیرِ شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرٍّ شما در آن است)).(۳)

بلکه به برکت همین درخواست و دعا در وقت خودش آنگاه که مصلحت باشد، برآورده می شود، پس باید به خدای حکیم اعتماد و اطمینان داشته باشیم:

((پس باید دعوت مرا بپذیرند، و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به

۱- حجر: ۵۶.

۲- یوسف: ۸۷.

۳- بقره: ۲۱۶.

مقصد برسند)!)).(۱)

ج) چون خداونـد مـا را دوست دارد، اجـابت دعـای ما را در آخرت قرار داده است؛ یعنی همان جایی که دارالبقاء است نه در دارالفناء.

د) شایـد عیب از سوی مـا باشـد؛ یعنی آداب دعـا را رعـایت نکرده باشـیم، پس این بـار بایـد بـا توجه بیشتر و بـا تمـام توجه و خلوص و ادب به در خانه خدا برویم.

ه) شایـد هیـچ یـک از موارد قبلی هم دلیـل عـدم اسـتجابت دعـا نباشـد، بلکه مانعی برسـر راه اجابت قرار دارد که بایـد در راه برطرف کردن آن مانع تلاش کنیم، ماننـد اینکه مظلمه ای بر گردن ما باشد، آمر به معروف و ناهی از منکر نباشـیم، لقمه حرام و مال حرام در مال ما یا جسم ما وجود داشته باشد و ... .

این بار با ادای حق الله و حق الناس و دلجویی از کسانی که موجب رنجش آنان شده ایم و استغفار به درِ خانه خدا بیاییم.

فرازهای ابتدای دعای کمیل به همین مطلب ناظر است: « اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ الدُّعَاء».

و) شایـد دعای ما دعای ممنوعه باشـد، مثلاً دعا برای قطع رحم، دعا علیه کسـی و یا نفرین حبیب علیه محبوب و مواردی مانند این.

ز) نکته بسـیار مهمی که اغلب از آن غافـل هستیم، این است که در بسـیاری از موارد اثر دعـا برای مـا ظاهر نیست؛ آثار دعای کمیـل هـا، دعای نـدبه ها و زیارت ها در بسـیاری مواقع، برطرف کردن آفت های مصیبت و گرفتاری هایی است که قرار بود دامنگیر مـا شود؛ ولی برطرف شـده و چون بر مـا فرود نیامـده، مـا اثر آن را نمی بینیم و گمـان می کنیم دعای ما اثری نداشـته است.

اما در روز قیامت متوجه می شویم که مقدر شده بود فلان روز و فلان جا بلای بزرگی بر سر ما یا فرزند و همسر ما وارد شود؛ اما همان دعاهای ما آن را برطرف

۱- بقره: ۱۸۶.

کرده است. ما پیوسته درحالی که به خدا بدگمان بوده ایم که او توجهی به ما نکرده و دعای ما به اجابت نرسیده، آن گاه کوهی از شرم و خجالت بر سر ما سایه خواهد انداخت.

پس بهتر است بیش از همه در دعاهای خود از خداوند متعال عقل و فهم و درک طلب کنیم. و پیوسته دعایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام سفارش نموده است را در تعقیب نمازهایمان بخوانیم:

«سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِی عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِی فِی قَلْبِی نُوراً وَ بَصَراً وَ فَهْماً وَ عِلْماً إِنَّکَ عَلَى كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ؛ منزه است خدایی که بر آنان که تحت فرمانش هستند ستم نمی کند منزه است خدایی که اهل زمین را با عذاب های گوناگون نمی‌گیرد منزه است خدای رؤف مهربان. بارخدایا در دل من نور (معرفت) و بصیرت و فهم و علم قرار ده همانا تو بر هر چیز توانایی». (۱)

مسأله مهم دیگر در این باره این است که هرگاه گرفتاری شدت پیدا کرد و ما دعا کردیم و در ظاهر اثری از اجابت دعا ندیدیم، یکی از جاهای خطرناک و لغزش گاه های بزرگ است که باید بسیار دقت کنیم؛ زیرا وقت جولان شیطان در آن هنگام فرا می رسد که فرصتی بسیار طلایی برای ناامید کردن ما از رحمت الهی پیدا کرده است که از گناهان کبیره است. پس «خدایا! این فهم و درک را به من عطا کن تا آن چنان شوم که:

اللَّهُمَّ مُنَّ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْکَ وَ التَّفْوِيضِ إِلَيْکَ وَ الرِّضَا بِقَدَرِکَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِکَ حَتَّى لَا أُحِبَ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛خدایا! این نعمت بزرگ را شامل حالم گردان که به تو توکل نمایم و امورم را به تو بسپارم و به تقدیرت راضی و خشنود و تسلیم فرمانت باشم تا اینکه دوست نداشته باشم جلو افتادن

ص: ۱۳۷

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۹.

آنچه را که به تأخیر انداخته ای و به تأخیر افتادن آنچه را که جلو انداخته ای. ای پروردگار جهانیان.(۱)

چنانچه در هنگام سختی ها و مصیبت ها بسیاری از افراد در دام شیطان می افتند و به مصیبتی بسیار بزر گ تر و دردناک تر گرفتار می شوند، مانند کسی که فرزندش را از دست داده بود و به خدا....

چه زیباست مناجات امام زین العابدین علیه السلام در دعای ابو حمزه ثمالی:

إِلَهِی لَوْ قَرَنْتَنِی بِالْأَصْفَادِ وَ مَنَعْتَنِی سَیْبَکَ مِنْ بَیْنِ الْأَشْهَادِ وَ دَلَلْتَ عَلَی فَضَائِحِی عُیُونَ الْعِبَادِ وَ أَمَرْتَ بِی إِلَی النَّارِ وَ حُلْتَ بَیْنِی وَ بَیْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِی مِنْکَ وَ مَا صَرَفْتُ تَأْمِیلِی لِلْعَفْوِ عَنْکَ وَ لَا خَرَجَ حُبُّکَ مِنْ قَلْبِی أَنَا لَا أَنْسَی أَیَادِیَکَ عِنْدِی وَ سِتْرَکَ عَلَیَّ فِی دَارِ الدُّنْیَا؛ معبودم! اگر مرا با غل و زنجیر ببندی و از بین مخلوقات لطفت را از من دریغ داری و در میان بندگانت رسوایم سازی و فرمان دهی تا مرا به آتش افکنند و بین من و خوبان جدایی اندازی، امیدم از تو قطع نخواهد شد و از آرزوی عفو و گذشت روی نخواهم گرداند و محبتت از دلم بیرون نخواهد رفت. من نعمت هایت را در دنیا و پرده پوشی و حفظ آبرویم را در دنیا فراموش نکرده ام.(۲)

و پیوسته با دو بال ترس و امید به عروج خود و رابطه خود با خالق هستی ادامه می دهیم که تنها راه نجات و سعادت دنیا و آخرت همین است. و الحمدلله رب العالمین.(۳)

خطر بزرگ شرک خفی پس از استجابت دعا

گاهی برای ما اتفاق افتاده است که مشکلی داریم، دعا و نذر و نیاز می کنیم. از آن جایی که اراده خداوند متعال عزوجل بر این تعلق گرفته است که با اسباب و وسایل

۱- کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۸۱، باب دعوات موجزات.

۲- طوسی، مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۵۹۰.

۳- نک: عده الداعی و نجاح الصاعی از ابن فهد حلی باب چهارم.

مشکلات ما را حل کند و خواسته ما را برآورده سازد، کسی آمده و مشکل ما را حل کرده است. مثلاً در میان راه ماشینمان خراب شده، بنزین تمام کرده ایم، فرزندمان بیمار شده، کسی ما را به دکتری یا دارویی راهنمایی کرده و با تلاش پزشکی فرزند ما بهبود یافته است. می خواهیم به جایی برسیم و موقعیتی پیدا کنیم، کسی وساطت می کند تا ما موفق شویم و اموری از این قبیل.

در این جا اگر ما حل مشکل را و برآوردن نیاز را به این وسایل نسبت دهیم و خیال کنیم این ها بودند که به داد ما رسیدند و از مسبب الاسباب وعله العلل غافل شویم، این همان شرک خفی است که به آن دچار شده ایم و شرک آلود گشته ایم و به کفران نعمت و اسائه ادب به ساحت ذات اقدس الهی دچار شده ایم. بله، البته باید به حکم خداوند از کسانی که واسطه این نعمت بوده اند و مشکل ما را حل کرده اند، شکر کرد؛ اما مهم این است که ما این را بفهمیم که همه اینها وسیله بوده اند و کارگردان اصلی ربّ العالمین است، مفیض او است و این ها واسطه فیض هستند و هر خیر و برکتی و نعمتی که به ما می رسد، از اوست.

در آیات زیادی از قرآن به این شرک پنهان اشاره شده است، از جمله اینکه می فرماید:

بگو: چه کسی شما را از تاریکی های خشکی و دریا رهایی می بخشد؟ در حالی که او را با حالت تضرع (و آشکارا) و در پنهانی می خوانید (و می گویید:) اگر از این (خطرات و ظلمت ها) ما را رهایی می بخشد، از شکرگزاران خواهیم بود». بگو: خداوند شما را از این ها و از هر مشکل و ناراحتی نجات می دهد؛ باز هم شما برای او شریک قرار می دهید! (و راه کفر می پویید).(۱)

وقتی انسان به یک گرفتاری دچار می شود، به ویژه در سفرهای دریایی و خشکی، سرما، باد و طوفان، باران و برف، دزد، گم شدن و گم کردن راه، چه در دریا و چه در

۱- انعام: ۶۳ و ۶۴.

خشکی و چه در بیابان؛ به ویژه اگر تاریکی شب و تنهایی هم به آن افزوده شود آن گاه تضرع و زاری انسان جالب و دیدنی است؛ به همین دلیل قرآن از میان سختی ها و گرفتاری ها، ظلمات را به عنوان مصداق بارز آن بیان می کند.

در چنین حالتی وقتی انسان می بیند از اسباب و علل مادی کاری ساخته نیست؛ نه مال، نه مقام و نه دیگران کاری نمی توانند انجام دهند و خطر اطراف او را احاطه کرده است، خود را تنها و در معرض فنا و هلاک می بیند. در اینجاست که حجاب هایی که برای خودش درست کرده، کنار می رود، نور امیدی در دلش می تابد که: «نه، نباید ناامید شوم. حتماً کسی هست که بتواند به دادم برسد» فطرت به خواب رفته او بیدار می گردد، گرد و غبار آن زدوده می شود، دلش به خالق هستی و خالق خود، رب العالمین، متوجه می گردد، به یاد بی توجهی ها، غفلت ها و کوتاهی هایش در برابر مولا و خالق خود می افتد و احساس شرم می کند، نفس لوامه اش بیدار می شود، با تمام وجود می لرزد، می گرید، می نالد و تضرع و زاری می کند، از همه چیز و همه کس غافل می شود و به آفریدگار خود متوجه می شود. این جاست که برای جبران کوتاهی خود وعده هایی می دهد: «خدایا! اگر تو مرا نجات دادی، عوض می شوم، دنبال گناه نمی روم، درباره نماز، روزه، واجبات مالی و کمک به دیگران کوتاهی نمی کنم، خدایا! مرا ببخش و... ».

اما وقتی خداوند متعال گرفتاری او را برطرف کرد، وعده ها و قول و قرارهای خود را کم کم به فراموشی می سپارد و همان راه پیشین را ادامه می دهد و یا اینکه اصلاً نجات خود را به اسباب و علل مادی نسبت می دهد؛ چون خداوند با اسباب و علل به داد او رسید و مشکلش را حل کرد، به شرک دچار می شود.

نکته مهم این است که خالق ما، آن حلّال مشکلات، آن حیّ سرمد، آن غنی، حمید، کریم، رحیم، ودود و عطوف هیچ پاداش و اجر و مزدی برای حل مشکل ما نمی خواهد، جز اینکه انسان با آن حالت که از توحید فطری او برگرفته شده بود و آن

توجه خالصانه را که در حالت شدت و گرفتاری به دست آورده بود نگه دارد تا دوباره شـرك آلوده نشود؛ آن گاه که با تمام وجود حس کرد هیـچ چیز و هیـچ کس نمی تواند به داد او برسد و فقط قادر مطلق برتر و آگاه است که می تواند یاری گر او باشد، شکر این نعمت را حفظ آن حالت توحیدی قرار دهد و این توبه خالصانه را پیوسته حفظ کند.

خداوند می فرماید:

«آنچه از نعمتهـا داریـد، همه از سوی خـداست! و هنگـامی که ناراحتی به شـما رسـد، فقط او را می خوانیـد! (امّا) هنگامی که ناراحتی و رنج را از شـما برطرف می سازد، ناگاه گروهی از شما برای پروردگارشان همتا قائل می شوند. (بگذار) تا نعمتهایی را که به آنها داده ایم کفران کنند! (اکنون) چند روزی (از متاع دنیا) بهره گیرید، امّا بزودی خواهید دانست (سـرانجام کارتان به کجا خواهد کشید)!»(۱)

همچنین در آیه دیگر می فرماید:

«هنگامی که بر سوار بر کشتی شوند، خدا را با اخلاص می خوانند (و غیر او را فراموش می کنند)؛ امّا هنگامی که خدا آنان را به خشکی رساند و نجات داد، باز مشرك می شوند!»(۲)

نکته مهم دیگر اینکه به قول و وعـده هـایی که در حـال گرفتاری و درمانـدگی و بیماری می دهـد، توجه کنـد. خـدای نکرده قولی ندهـد که پس از بهبودی همه چیز را فراموش کنـد، مبادا این نوعی مکر باشد و دست کم اعتبارحرف خود را نزد خدای تعالی از بین نبرد.

دعائی از امام حسین علیه السلام

امام زین العابـدین علیه السـلام می فرمایـد: پـدرم عصـر عاشورا مرا در آغوش گرفت و فرمود: فرزنـدم حفظ کن دعایی را که حضرت فاطمه علیها السلام به من یاد داده است و رسول الله به

۱- نحل: ۵۴.

۲- عنکبوت: ۶۵.

او یاد داده است و جبرئیل امین به رسول الله یاد داده است که درباره حاجات و مهمات وگرفتاری ها این چنین دعا کنید:

بِحَقِ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ بِحَقِ طه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ یَا مَنْ یَقْدِرُ عَلَی حَوَائِجِ السَّائِلِینَ یَا مَنْ یَعْلَمُ مَا فِی الضَّمِیرِ یَا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَکْرُوبِینَ یَا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِینَ یَا رَاحِمَ الشَّیْخِ الْکَبِیرِ یَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِیرِ یَا مَنْ لَا یَحْتَاجُ إِلَی التَّفْسِیرِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا؛ به حقّ یاسین و قرآن حکیم، به حقّ طه و قرآن عظیم، ای خدایی که بر حاجت های حاجت مندان قادر و توانا هستی، ای آنکه اسرار پنهان همه را می دانی، ای برطرف کننده مشکل آنان که دچار گرفتاری شده اند، ای برطرف کننده غم های مردم اندوهگین، ای رحم کننده به پیر مردان، ای روزی دهنده به کودکان صغیر، ای خدایی که بی نیاز از بیانِ[حاجات] هستی، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و با من چنین و چنین کن [در این قسمت حاجات خود را از خداوند درخواست می کنید].(۱)

ص: ۱۴۲

۱- قطب الدین راوندی، دعوات،ص۵۴.

ضمیمه شماره ۲

فهرست برخی از منابع پیرامون ادعیه و زیارات مهدوی

*موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام (شش جلد)، مؤسسه امام هادی علیه السلام.

* المعجم الموضوعی لأدعیه المعصومین علیهم السلام، علی محمد بروجردی، نشر بنیاد بین المللی دعا.

* موسوعه کلمات الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤسسه امام هادی علیه السلام.

* موسوعه الکلمه، سید حسن حسینی شیرازی، جلد ۲۱، کلمه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، بیروت، دار العلوم للتحقیق و الطباعه و النشر.

* ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام، عبد الحسین الطالعی، شرکه میقات للنشر.

* صحیفه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جواد قیومی اصفهانی، انتشارات جامعه مدرسین قم.

* صحیفه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، شیخ عیسی الاهری، انتشارات رسالت قم.

* الصحیفه المبارکه المهدویه، مرتضی مجتهدی سیستانی، انتشارات الماس.

* صحیفه مهدیه،(با ترجمه فارسی) مرتضی مجتهدی سیستانی، انتشارات الماس.

* دانشنامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محمدی ری شهری با همکاری سید کاظم طباطبائی، جلد ۶ و ۷، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

* جنات المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مجموعه ای از نمازها؛ ادعیه و زیارات از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی محمد مبشر، نشر شمیم گل نرگس.

* ابعاد شخصیت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادعیه و زیارات،مجتبی معنوی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* کامیابی دو جهان در دعا برای تعجیل فرج صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید مهدی حائری قزوینی، نشر عترت قم.

* فوز اکبر در توسلات به امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، میرزا محمد باقر فقیه ایمانی، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت.

* جلوه محبوب، سیری در دعاها و زیارت های بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف، اسماعیل حاجیان، شرکت چاپ و نشر بین الملل.

* مناجات منتظران،(دو جلد) سید محمد بنی هاشمی، مرکز فرهنگی انتشارات منیر.

* شناخت ابا صالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آموزه های دعا و زیارت، سید کاظم ارفع، نشر فیض کاشانی.

* دعاهای صادره از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت صغری، محمد تقی اکبر نژاد، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

* فیض حضور، طیبه صمدی، نشر نور النور.

* ارتباط معنوی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حسین گنجی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

* شرح دعای اللهم کن لولیک، محمد رضا فؤادیان، اتنشارات سبط النبی صلی الله علیه و آله و سلم.

* شرح دعای سلامتی، محسن قرائتی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* معرفت حجت خدا شرح دعای اللهم عرفنی نفسک، صافی گلپایگانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

* گلواژه هـای اخلاـق در نیایش امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف، نگاهی به دعای «اللهم ارزقنا توفیق الطاعه»، مهـدی نیلی پور، انتشارات مرغ سلیمان.

* زندگی مهدوی در سایه دعای عهد، محسن قرائتی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* شوق عهد، ترجه و شرح دعای عهد، مجتبی کلباسی، نشر بنیاد قرآن و عترت.

* شرح دعای عهد، میرزا محمد بن محمد حسن بن ملا علی هرندی، انتشارات شمس الضحی.

* مرا عهدیست با جانان، شرحی بر دعای عهد، محسن آدم زاده، نشر هاجر.

* بر آستان جانان، شرح روائی زیارت آل یس، عبد الصمد شاعلی، مرکز فرهنگی انتشاراتی رائحه.

* از تو می خواهم، شرح زیارت آل یس، سید یحیی بحرینی، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

* تو را گواه می گیرم، شرح زیارت آل یس، سید یحیی بحرینی، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

* سلام بر پرچم افراشته، شرح زیارت آل یس، سید یحیی بحرینی، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

* میثاق منتظران، شرح زیارت آل یس، سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

* سلوک سبز، شرح عرفانی زیارت آل یس، مهرداد ویس کرمی، انتشارات انتظار سبز.

* تنها راه، شرح زیارت آل یس، صادق سهرابی، نشر مهر محبوب.

ص: ۱۴۵

* نور علی نور، مستندات قرآنی زیارت آل یس، روح الله شاهدی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* جرعه ای از زلال سرداب مقدس، شرح زیارت آل یس، سید فرید موسوی، انتشارات یاقوت.

* تفسیر و شرح زیارت آل یس، سید جعفر رفیعی، مؤسسه یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* زیارت آل یس، اصغر طاهر زاده، انتشارات لبّ المیزان.

* شرح زیارت آل یس، علی کورانی عاملی.

* مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف امید منتظران، دعای ندبه از دیدگاه معصومان علیهم السلام، مهدی مهدوی، انتشارات دانش هوشیار.

* شرح دعای ندبه، سید جمال الدین صهری، انتشارات مهر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* حدیث آرزومندی، شرحی بر دعای ندبه، کریمی جهرمی، نشر راسخون.

* بررسی دعای ندبه، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

* با دعای ندبه در پگاه جمعه، علی اکبر مهدی پور، نشر موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* ترجمه و شرح دعای ندبه، (شرح ادبی) مرتضی بدخشان.

* شرح دعای ندبه از کتاب و سنت، سید علی اکبر واعظ موسوی، چاپخانه بهمن.

* شرح و تفسیر دعای ندبه، سید جعفر رفیعی، مؤسسه یاران قم.

* حال هجران، شرح فرازهایی از دعای ندبه، سیدمرتضی میر جعفری، انتشارات خرم آذین.

* شرح فراق، شرحی نو بر دعای ندبه، علی اصغر هراتیان، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* میراث محدث ارموی،(آثاری چند درباره دعای ندبه)، به اهتمام سید جعفر اشکوری، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

* ندبه و نشاط شرحی بر دعای ندبه، احمد زمردیان، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

* جمال حضور در آیینه غیبت، شرح و تفسیر دعای ندبه، سید حسن خادمیان، انتشارات مشهور.

* شرح دعای ندبه، مصطفی موسوی خرم آبادی، در دو جلد، نشر همای غدیر.

* دعاء الندبه و توثیقه من الکتاب و السنه، مؤسسه امام هادی علیه السلام،

* فروغ ولایت در دعای ندبه، صافی گلپایگانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران.

* شرح دعای ندبه، میر باقری، (سخنرانی مکتوب استاد میر باقری در نه جلسه که در کتابخانه مرکز تخصصی مهدویت قم موجود می باشد).

* تحقیقی درباره دعای ندبه، رضا استادی،(در کتابخانه مرکز تخصصی مهدویت قم موجود می باشد).

* تفسیر و شرح زیارت استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، سید جعفر رفیعی، مؤسسه یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* شرح دعای افتتاح، محسن قرائتی، انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

* زمزمه عاشقان، شرح دعای افتتاح، کریمی جهرمی، مرکز نشر راسخون.

* شرح و تفسیر دعای افتتاح، شیخ عباس ایزدی.

* هدایه الالباب، الی شرح زیاره السرداب، شیخ محمد جمیل حمود،مرکز العتره للدراسات و البحوث.

* شرح زیارت ناحیه مقدسه،(۴ جلد) سید هدایت الله طالقانی، نشر سابقون.

* آه و سوز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زیارت ناحیه مقدسه، علی محمد مبشر، انتشارات وثوق.

ص: ۱۴۷

منابع و مآخذ

قرآن

۱.امام عسکری علیه السلام، حسن بن علی؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.

۲.ابن ابی الحدید، عبد الحمید؛ شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق(نور ۳)

۳.ابن طاووس، علی بن موسی؛ الاقبال بالاعمال الحسنه، تحقیق: جواد، قیومی اصفهانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۴..؛ ادب حضور(ترجمه فلاح السائل)، ترجمه: روحی، محمد، قم، انصاری، ۱۳۸۰ش.

۵..؛ المجتنی، من الدعاء المجتبی، تحقیق: ابو طالب، کرمانی، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.

۶.ابن مشهدی، محمد بن جعفر؛ المزار الکبیر، تحقیق: جواد، قیومی اصفهانی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق.

۷.ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، تحقیق: جمال الدین، میر دامادی، بیروت، دار الفکر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.

۸.ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی، وقعه الطف، تحقیق: محمد هادی، یوسفی غروی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

۹.احمدی جلفائی، حمید؛ بررسی سندی دعای سلامت امام زمان، انتظار موعود، ، شماره ۱۸، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۵ش.

۱۰.امینی، عبد الحسین احمد؛ الزیاره، بی تا، بی جا.

۱۱.بخاری، ابو عبد الله محمد بن اسماعیل؛ صحیح، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.

ص: ۱۴۸

۱۲.پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش،چاپ چهارم،۱۳۸۲ش.

۱۳.پور سید آقائی، مسعود؛ چشمه در بستر، قم، انتشارات حضور، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.

۱۴.ترمذی، ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره؛ سنن الترمذی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

۱۵.جوادی آملی، عبد الله؛ امام مهدی موجود موعود، قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.

۱۶.حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم، موسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.

۱۷.حیدری نیک، مجید؛ نگاهی دوباره به انتظار، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۵ش.

۱۸.خوئی،سید ابو القاسم؛ معجم رجال الحدیث، بی تا، بی جا.

۱۹.راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن، دمشق بیروت، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.

۲۰.صافی گلپایگانی، لطف الله؛ فروغ ولایت در دعای ندبه، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.

۲۱.رضی، ابو الحسن محمد بن حسین؛ نهج البلاغه، قم، دار الهجره، بی تا.

۲۲.صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی؛ کمال الدین و تمام النعمه، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.

۲۳..؛ الخصال، تحقیق: علی اکبر، غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.

۲۴..؛ علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.

۲۵..؛ التوحید، تحقیق: هاشم، حسینی،

قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۹۸ق.

۲۶.طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۲۷.طبرسی، احمد بن علی؛ الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: محمد باقر، خرسان، مشهد، نشر مرتضی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.

۲۸.طبری، محمد بن جریر؛ دلائل الامامه، تحقیق: مؤسسه البعثه، قم، بعثت، ۱۴۱۳ق.

۲۹.طریحی، فخر الدین محمد؛ مجمع البحرین، تحقیق: احمد، حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ش.

۳۰.طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۳۱...؛ کتاب الغیبه، قم، مؤسسه معارف اسلامی ، ۱۴۱۱ق.

۳۲...؛ مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.

۳۳...؛ الامالی، قم، دار الثقافه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

۳۴.عروسی حویزی, عبد علی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین, تحقیق: سید هاشم، رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

۳۵.فخر الدین رازی، محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.

۳۶.فیض کاشانی، ملا محسن؛ المحجه البیضاء فی تهذیب الإحیاء، تحقیق: علی اکبر، غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.

۳۷.قطب الدین راوندی؛ سعید بن هبه الله، الدعوات، قم، مدرسه امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۷ق.

۳۸.قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی، تحقیق: موسوی جزائری، قم، طیب، دار الکتاب، ۱۴۰۴ق.

۳۹.کبیر مدنی، سید علی خان بن احمد؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، تحقیق: محسن، حسینی امینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۹ق.

۴۰.کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی؛ البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۸ق.

۴۱.کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

۴۲.لیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین، حسنی بیرجندی، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

۴۳.مسلم بن الحجاج قشیری نیشابوری؛ صحیح، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.

۴۴.مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

۴۵...؛ مرآه العقول، تحقیق: رسولی محلاتی، هاشم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.

۴۶...؛ زاد المعاد، تحقیق، اعلمی، علاء الدین، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.

۴۷.مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۴۸.مفضل بن عمر؛ توحید مفضل، تحقیق: مظفر کاظم، قم، داوری، بی تا.

۴۹.مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه،

۱۳۷۴ش.

۵۰.مفید، محمد بن نعمان، الامالی؛ تحقیق: استاد ولی و علی اکبر، غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۱...؛ عدم سهو النبی صلی الله علیه و آله و سلم، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۵۲.موسوی اصفهانی،سید محمد تقی؛ مکیال المکارم، ترجمه: سید مهدی، حائری قزوینی، قم، ایران نگین، ۱۳۸۱ش.

۵۳.نعمانی، محمد بن ابراهیم؛ الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹